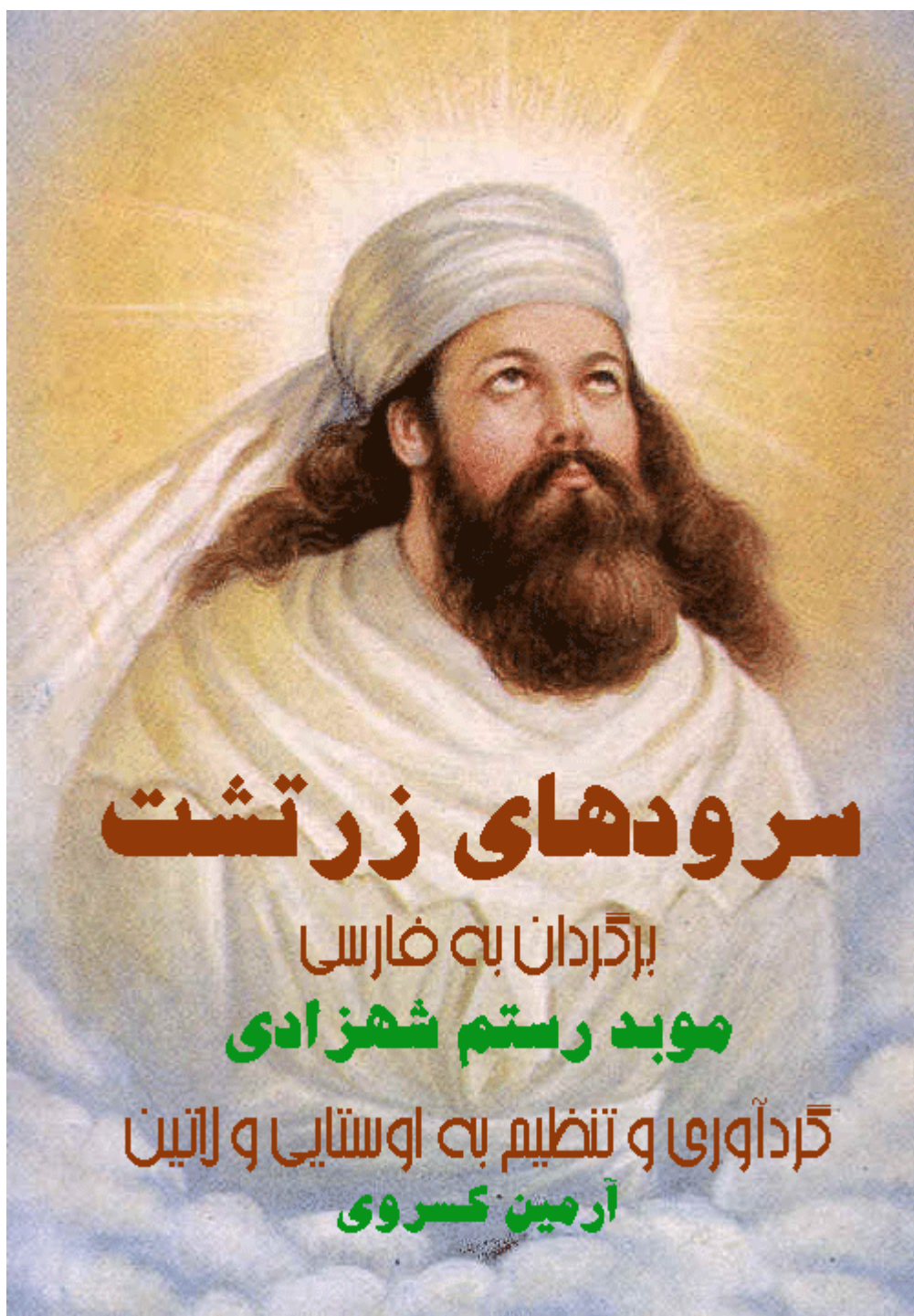




سرودهای زرتشت

برگردان به فارسی

موبد رستم شهزادی

گردآوری و تنظیم به اوستایی و لاتین

آرمین کسروی

اشو زرتشت

می فرماید: بیاییم از کسانی شویم که این جهان را تازه و نو می گردانند.

فهرست

۳	پیش از آغاز
۴	هات ۲۸
۱۵	هات ۲۹
۲۶	هات ۳۰
۳۷	هات ۳۱
۵۹	هات ۳۲
۷۵	هات ۳۳
۸۹	هات ۳۴
۱۰۴	هات ۴۳
۱۲۰	هات ۴۴
۱۴۰	هات ۴۵
۱۵۱	هات ۴۶
۱۷۰	هات ۴۷
۱۷۶	هات ۴۸
۱۸۸	هات ۴۹
۲۰۰	هات ۵۰
۲۱۱	هات ۵۱
۲۳۳	هات ۵۳

پسنا- هات ۲۸

پند یکم

مدرسد. ورسدسد. {مدرسد.} مدرسدی مدرسدی.

ustānazastō

nəmaṇhā

yāsā

ahyā

ا(لعل) مدرسد. مدرسدی. مدرسدی. ل(ل) و(ل).

pourwīm

mazdā

manyōuš

rafəðrahyā

مدرسدی مدرسدی. مدرسدی. مدرسدی. مدرسدی.

šyaoṽanā

wīspəṇḡ

ašā

spəṇtahyā

مدرسدی. مدرسدی. مدرسدی. مدرسدی.

yā

manaṇhō

xratūm

waṇhōuš

مدرسدی. مدرسدی. مدرسدی.

gəuščā

xšnəwīšā

ا(ل) مدرسدی.

urwānəm

پس از برگزیده شدن اشو زرتشت به پیامبری. آن و فشر خرموده است:

با دستهای برافراشته به سوی تو ای مزدا با فروتنی تمام پیش از همه چیز. خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش (همه جهان) را فراهم سازم.

پند دوم

وَسْمَ. وَاسْمَ. هَسْمَ. مَسْمَ. رَسْمَ. پَسْمَ.

pairī-jasāi ahurā mazdā wā yē

وَاسْمَ. هَسْمَ. مَسْمَ. رَسْمَ. پَسْمَ. وَسْمَ. مَسْمَ.

ahwā dāwōi maibyō managhā wohū

مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ.

managhō hyatcā astwataścā

مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ.

hacā ašāt āyaptā

مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ.

daidīt rapantō yāiš

مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ. مَسْمَ.

x^wāθrē

درفواست دیگر اشو زرتشت

ای اهورا مزدا بشود که با اندیشه نیک به تو نزدیک شوم و با
پیروی از هنجار هستی به ارزش نیروهای تن و روان خود پی
برم تا بتوانم راستی جویان را به سوی روشنی و خرمی و
زندگانی نیک هر دو جهان رهبری کنم.

پنٔ سوم

سوم. واسم. مویس. اولداس. مومدس.

manascā ufyānī ašā wā yē

واکسج. مومدکاوو. مویس. مومدس. مومدس.

ahurēm mazdāmā apaourwīm wohū

مومدس. مویس. مویس. مویس. مویس.

aγžāonwamnēm xšaθrēmā yaēibyō

واسم. مومدس. مومدس. مومدس.

ā-mōi ārmaitiš warədaīti

مومدس. مومدس. مومدس. مومدس.

jasatā zawōng rafəθrāi

نفسٔین پیامبر یکتا پرستی. اشو زرتشت است

ای اهورامزدا-من این سرود های ستایش خود را آن سان که
پیش از این کسی نسروده است. نیازت می کنم-ای روان
راستی و ای نیک اندیش واقعی- از تو درخواست می کنم تا
در جهان. نیروی فنا ناپذیر معنوی ات پرتو افکند. اینک که تو
را با ستایش خود فرا می خوانم. به سویم شتاب و مرا از
خوشبختی و کامیابی راستین برخوردار ساز.

پند چهارم

وهر	اورس	م	ن	وهر
wohū	gairē	mēn	urwānəm	yē
وهر	وهر	وهر	وهر	وهر
ašīscā	manahā	haṭrā	dadē	
وهر	وهر	وهر	وهر	وهر
ahurahyā	mazdā	wīduš	šyaoṭananam	
وهر	وهر	وهر	وهر	وهر
tawācā	isāi	yawaṭ		
وهر	وهر	وهر	وهر	وهر
ašahyā	aešē	xsāi	awaṭ	

هنگامی که با منش پاک، تو را با سرود های ستایش فرا می
خوانم، آگاه هستم که مرا برای رهبری روان مردم جهان
گماشته ای و از پاداشی که تو ای مزدا اهورا برای کردار نیک
می بخشی خبر دارم و آماده ام تا زمانی که مرا تاب و توان
است، به مردم بیاموزم که به سوی راستی راه پویند.

بند پنجم

منیچس. و سچ. ک کس. و دای دسای. ع دس دس.

manascā darēsānī ūβā kaṭ ašā

ک کس. ک سچ و عی. ع س دس. س دس.

ahurāi gātūmcā waēdēmnō wohū

د دس دس. د دس سچ. ع س دس.

mazdāi sēraoṣəm sōwīštāi

دس. ع سچ. ع س دس.

mazištəm maṭrā anā

ک س دس دس. ک دس دس. س دس.

hizwā xrafstrā wāurōimaidī

ای راستی کی به تو خواهم رسید؟ کی مانند دانایی از بخشش
منش پاک خشنود خواهم شد؟ چه وقت به فرمان برداری از
ندای دل و وجدان. به سوی تو راه خواهم یافت؟ کی خواهم
توانست با زبان خویش و با بیان روشن
آیین مقدس تو را به جهانیان بفهمانم؟ چه وقت توان آن را
خواهم داشت که جنگ جویان و بدخواهان و راهزنان و
گمراهان را به سوی راهی که از همه بهتر و برتر است
رهبری کنم؟

بند ششم

وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.
dāidī	manaḥā	gaidī	wohū
وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.
tū	ərəṣwāiš	darəgāyū	aṣā-dā
وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.
zaraṭuštrāi	mazdā	uxdāiš	
وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.
ahurā	ahmaibyācā	rafənō	aojōnghwaṭ
وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.	وَدَیوِ.
taurwayāmā	dwaēšā	daibišwatō	yā

ای مزدا به سوی من آی و مرا از بخشش منش پاک و راستی
برخوردار ساز- از تو می خواهم که به من زندگی دراز و
نیروی سرشاری از مادی و معنوی ارزانی داری تا بتوانم بر
کینه بدخواهان و دشمنی دشمنان راه تو پیروز گردم.

پند و نصیحت

وَسَدَوِيْ.	سَخِس.	مَخَو.	سَخِيْ.	وَاسَدَوِيْ.
dāidī	aṣā	taṃ	aṣīm	waṇhēuš
سَدَدَسَمَس.	وَاسَدَوِيْ.	وَاسَدَوِيْ.	مَخَو.	مَخَو.
āyaptā	manahō	dāidī	tū	
سَدَدَسَمَس.	وَاسَدَوِيْ.	سَخِيْ.	وَاسَدَوِيْ.	وَاسَدَوِيْ.
ārmaitē	wištāspāi	iṣəm	maibyācā	
وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.
dāstū	mazdā	xṣayācā	yā	
وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.	وَاسَدَدَسَمَس.
wē	maṭrā	srəwīm	ārādā	

ای اشا بهترین راستی را به من آشکار ساز - ای آرمینیتی
خواهش و آرزوی مرا نسبت به گشتاسب شاه برآورده ساز. ای
مزدا - ای سرور من، چنان کن که پیامبر تو بتواند پیروانی
برای خود فراهم سازد تا به یاری آنان فرمان مقدست را در
جهان بگستراند.

پند هشتم

وادیس دیتمه.	وکیسه.	وادیس دیتمه.	وایم
yēm	wahištā	ūβā	wahištēm
دیپس.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.
yāsā	ahurēm	hazaošēm	wahištā ašā
وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.
fərašaoštrāi	narōi	wāunuš	
وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.
raṇhaṇhōi	īt	yaēibyascā	maibyācā
وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.	وادیس دیتمه.
mananjhō	wanjhōuš	yawē	wīspāi

ای اهورا- ای بهتر از همه و ای اشا. ای کسی که پیوسته با
بهترین راستی هم اراده ای. آرزوهای مرا و همه یارانم از
جمله نامور فرشوستر و کسانی را که اراده کنی برآورده ساز
تا همه از بخشش نیک اندیشی در این جهان و بهشت جاودان
در جهان دیگر برخوردار شویم.

پند نهم

مردودید. واسم. اچ دچ. دسواس. مدیوس. مدیوسد.

ašəmcā mazdā ahurā nōit wā anāiš

مردودید. دسواسد. مدیوسد. مدیوسد.

hyaṭ manascā zaranaēmā yānāiš

مردودید. دسواس. واسم.

yoiṇēmā wē yoi wahištəm

مردودید. دسواس. دسواس. دسواس.

zəwīštyāṇhō yūžēm stūtəm dasēmē

مردودید. دسواس. دسواس.

sawanjham xšaṇremcā īšō

ای اهورامزدا- مبادا هرگز کار ناشایستی از من سرزند که
مورد خشم تو قرار گیرم. ای راستی و ای سرچشمه پاک منشی
پیوسته می کوشم تو را بستایم- ای کسی که آرزوهای ما را بر
می آوری- تو را از ته دل درود می گویم . چه می دانم نمازی
که از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام گیرد به درگاهت
پذیرفته خواهد شد- ای کسی که امید بهشت ما به سوی
توست.

پنت دهم

مځ. ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

woistā aṣāatcā yēṅ aṭ

ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

manarhō dāṭhēṅ warhēuścā

ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

aēibyō ahurā mazdā erəṭhēṅ

ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

wē aṭ kāmēm āpanāiš pərənā

ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

waēdā asūnā xṣmaibyā

ښځه. ښځه. ښځه. ښځه.

srawā waiṇtyā x^waraiṭyā

ستايشی څه با خلوص نیت همراه باشد به درگاه پروردگار پذیرفته می شود.

ای مزدا اهورا. کسانی را که با درستی عمل و خلوص نیت
ستايش تو را به جا می آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را
برآورده فرما. چه به خوبی می دانم ستایشی که بدون ریا و
عمل درست به درگاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب
نیک خود را بروز خواهد داد.

پسنا- هات ۶۹

بنت یکم

دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
gərəždā	urwā	gəuš	xšmaibyā
وسنسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
tašaṭ	kə-mā	ū̯barōždum	mā kahmāi
دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
rəmō	hazascā	aēšomō	ā-mā
دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
təwišcā	dərəščā	āhišāyā	
دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
anyō	xšmaṭ	wāstā	mōi nōiṭ
دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.	دسرخه مدردسد.
wāstryā	wohū	sąstā	mōi aṭā

پښتو ژبې وضع مردمان بهان پيش از برگزیده شدن اشو زرتشت

روان آفرینش (یا روح موجودات جهان) به درگاه آفریدگار به

دادخواهی می پردازد و می گوید:

پروردگارا برای چه مرا آفریدی؟ چرا به من پیکر هستی
بخشیدی؟ خشم و ستیز و کینه و زور مرا به ستوه آورده و
برای من به جز تو دادرسی نیست. از تو درخواست می کنم.
برایم یاور و نجات دهنده ای فرستی تا بتواند زندگانی آسوده
و خرمی به من بخشد.

پښتو نوم

دوسه. مېرمن. لور. ماشوم. مور.

aṣəm perəsaṭ gəuṣ taṣā adā

وېلې. مېرمن. لور. ماشوم. مور.

ratuṣ gawōi tōi kaṭā

مېرمن. مور. ماشوم. لور. مېرمن.

xṣayaṇtō dātā hīm hyaṭ

مېرمن. مور. ماشوم. لور. مېرمن.

ṭḥaxṣō gaodāyō wāstrā hadā

مور. ماشوم. لور. مېرمن. مور.

yā ahurəm uštā hōi kōm

مور. ماشوم. لور. مېرمن. مور.

wādāyōiṭ aēṣəməm drəgwōdəbīṣ

آن گاه آفریدگار جهان از اشا(که مظهر ضمیر پاک و هنجار آفرینش اهورامزداست) پرسید: چه کسی را تو به عنوان رهبر و نجات دهنده مردمان جهان می شناسی تا او را یاور و پشتیبان باشد تا ما به او نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی بخشیم؟ ای اشا چه کسی را به عنوان پیشوا و رهبر مردمان جهان معرفی می کنی که بتواند سپاه بدکاران و گمراهان را در هم شکند و خشم و نفرت را از جهان و جهانیان دور سازد.

پند سوم

سرسد.	سرس.	سرس.	سرس.
sarəjā	nōiṭ	aṣā	ahmāi
سورسرس.	سورس.	سورس.	سورس.
paitī-mrawaṭ	gawōi	adwaēṣō	
سورسرس.	سورس.	سورس.	سورس.
yā	wīduyē	nōiṭ	awaēṣam
سورسرس.	سورس.	سورس.	سورس.
ərəṣwāṅhō	ādrēṅ	ṣawaitē	
سورسرس.	سورس.	سورس.	سورس.
yahmāi	aojištō	hwō	hāṭam
سورسرس.	سورس.	سورس.	سورس.
kərəduṣā	jimā	zawōṅ	

سپس اشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد: آن پیشوا و رهبری که برای جهانیان برگزیده خواهد شد. نباید چون سلطانی بیدادگر و زورگو باشد. بلکه باید دادگر و مهربان باشد. ولی من در میان کسانی که در این جهان به سر می برند کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر ستم پیشگان یاری کند. در واقع چنین کسی باید بسیار نیرومند باشد تا ما بتوانیم به موقع به یارش برخیزیم.

پند چهارم

مزدیسر.	مدمسرا.	ممداردمج.	ممس-ی.
mazdā	sax ^w ārē	mairištō	yā-zī
کاسدو (ای)ی.	ممدای-مردیج.	ممدووسددمس.	
wāwərezōi	pairī-ciṭīt	daēwāišcā	
مدمووسددمس.	ممسس.	کاسدایمدمو.	
mašyāišcā	yācā	warəšaitē	
ممدای-مردیج.	ممدای.	ممدای.	ممس-ی.
aipī-ciṭīt	hwō	wīcirō	ahurō
مدمس.	ممسس.	ممدای.	کاسدایمدمو.
aṇhaṭ	yaṭā	hwō	wasat

دنبال پاسخ اشا

ای مزدا تو خود از همه بهتر می دانی که در گذشته چه کارهای ناشایستی از بدکاران و هواخواهان آنان سرزنده است یا در آینده سر خواهد زد. پس برای این ماموریت بزرگ یعنی رستگاری مردمان جهان اراده تو به هر که تعلق گیرد بدان خرسندم.

ب ب

[illegible]

بنابراین من و روان آفرینش با دستهای برافراشته از تو خواستاریم که مبادا هرگز نیکوکاران دچار رنج و آزار شوند و به پارسایان و کارگران درست کار از سوی بدخواهان رنج و آسیب رسد یا بر آن ها غالب شوند.

پنٔ ششم

مذ.	ف.	واؤر مد.	مساؤا.	مذوس.
mazdā	ahurō	waocaṭ	ō	aṭ
واؤووس.	واؤؤو.	واؤؤؤو.	واؤؤؤؤو.	واؤؤؤؤؤو.
nōit	wyānayā	wafuṣ	wīdwā	
مذؤؤو.	مذؤو.	واؤؤو.	مذؤؤو.	مذؤؤؤو.
ratuš	naēdā	wistō	ahū	aēwā
مذؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤو.
zī	aṭ	hacā	ašātcīt	
مذؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤؤو.
wāstryāicā	fšuyantaēcā	ūḅā		
مذؤؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤؤؤو.	مذؤؤؤؤؤؤؤؤؤؤؤو.
tatašā	ūḅōrəštā			

آن گاه اهورامزدا که همه چیز را از خرد خویش در می یابد
 خطاب به اشا و روان آفرینش گفت: آیا یک رهبر دنیوی
 شایسته یا نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و راستی
 باشد نمی شناسی که من او را به عنوان پاسبان و نگهبان
 آفرینش بر گزینم و ماموریت آرایش جهان را به او سپارم.

پند هفتم

م. ۴۴. سیم می‌رسد. سوادا. ۴۵. ۴۶.

maθrēm ahurō āzūtōiš tēm

۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲.

hazaošō ašā tašaṭ

۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰.

hwō xšwīdēmca gawōi mazdā

۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸.

sāsnayā spəntō urušaēibyō

۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶.

yē-ī mananḥā wohū kastē

۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴.

marətaēibyō ēāwā dāyāt

اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می دهد: مگر این سرود
مینوی خوشبختی افزا (اهونور) را که یگانه سرود آرامش بخش
دلها و اراده اش با اشا یکسان است برای پیشرفت جهان و
مردمان درست کردار نبخشیده ام. آن گاه اهورامزدا خطاب
به وهومن یا خرد مقدس خویش کرد و گفت: ای وهومن
کیست آن رهاننده ای که تو بر خواهی گزید تا بتواند مردمان
را یاری کند و از گمراهی برهاند؟

پند هشتم

معیه. هج. دوس. واددمج. یس-فس.

yē-nō wistō idā mōi aēm

معیورج. دسداس. وچسدمس.

gūṣatā sāsnā aēwō

یساوایدمج. دودمسهج. هورج. یس.

nō hwō spitāmō zaraṇuštrō

هسوس. وایدمج. میسدمس. رساواساواس.

carəkərəṇrā aṣāicā waštī mazdā

داسودسرسکس. هسدمج. هج.

hōi hyaṭ srāwayeṇhē

هواساواس. ورسد. وایساواس.

waxəḍrahyā dyāi hudəmēm

پاسخ وهومن

یگانه کسی که (به نظر من) آیین مقدس را پیروی می کند و اندیشه راستین را می گستراند. همانا زرتشت اسپنتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستین و سرودهای ستایش مزداست. بنابراین. برای پیش برد کارش ما به او زبانی سخنور و گویا و گفتاری دل پذیر و شیوا خواهیم بخشید.

بند نهم

مخمس.	عفا.	اورس.	ادددمس.	س.
yē	raostā	urwā	gēuš	aṭcā
داسطس.	دسٹسٹسٹس.	اسو.		
rādēm	xšānmōnē	anaēšēm		
س.	س.	س.	س.	س.
ā	yēm	asūrahyā	nērəš	wācēm
داسدس.	س.	س.	س.	س.
xšaṭrīm	išā	wasēmī		
وسوس.	سوسوس.	سوس.	سوس.	س.
yē	aṇhaṭ	hwō	yawā	kadā
س.	س.	س.	س.	س.
awō	zastawaṭ	dadaṭ	hōi	

آن گاه روان آفرینش با بانگ بلند فریاد زد: آیا من باید بدون
چون و چرا، رهبری و پشتیبانی چنین شخصی ناتوانی را بپذیرم
و به سخنان او گوش دهم؟ در صورتی که من در آرزوی
فرمانده و سرداری توانا و سلحشور بودم تا بتواند با بازوان
نیرومند خود مرا یاور و پشتیبان باشد.

پند دهم

سرمهه. مددردد. مدو. مدلج.

aogō ahurā aēibyō yūžēm

وسم. مدج. مددو. مددو. مددو.

xšaθrəmca ašā dātā

مدو. مد. مد. مد. مد. مد.

yā manarhā wohū awat

مد. مد. مد. مد. مد. مد.

dāt rāmaṃcā hušəitiš

مد. مد. مد. مد. مد. مد.

θβam mazdā ahyā azōmcīt

مد. مد. مد. مد. مد. مد.

waēdēm paourwīm mōjhi

دنباله تقاضای روان آفرینش

در این صورت. ای اهورامزدا و ای اشا از شما درخواست می
کنم. به زرتشت نیروی معنوی و توانایی جسمی ببخشید و ای
وهومن تو نیز به زرتشت نیروی اندیشه و هوش سرشار ارزانی
دار تا از پرتو آن جهانیان را آرامش و آسایش بخشد. پس ای
مзда با پیشنهادات خشنود و خرسند خواهم بود و زرتشت را به
عنوان شایسته ترین مرد جهان به رهبری خود می پذیرم.

بند یازدهم

ووس. سچ. واکسوس. واک. سچسولوس.

xšaθrəmca manō wohucā ašəm kudā

سچ. س. سچس. سچس. سچس.

mazdā yūžəm maša mā at

س. سچس. سچس. سچس.

ā magāi mazōi frāxšnənē

س. سچس. سچس. سچس. سچس.

awarē nū-nā ahurā paitī-zānatā

س. سچس. سچس. سچس.

yūšmāwatəm rātōiš ēhmā

دنباله تقاضای روان آفرینش

ای مزدا- کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینوی به ما
روی خواهد کرد؟ کی انجمن مغان و پیشوایان دین. آیین تو را
خواهند پذیرفت. اینک که یاور و پشتیبانی برایم برگزیده ای.
آماده ام. او را بپذیرم و خوشنودی او را فراهم سازم.

نخستین موعظه اشو زرتشت به مردم

پسنا- هات ۴۰

بنت یکم

یاه. م.س. وادیدد.س. دیشو.س. یاه.س.

yā iṣəntō waxšyā tā aṭ

وادیوسد.س. سدادد.س. وادیوسد.

wīdušē hyaṭcīt mazdāñā

ددمد.س. سداد.س. سدادد.س.

yesnyācā ahurāi staotācā

وادیوسد.س. وادیوسد.س. وادیوسد.

humazdrā mananḥō waṇhōuš

دیشو.س. سداد.س. یاه.س.

yā yecā aṣā

ادیدد.س. وادیوسد.س. وادیوسد.

urwāzā darəsatā raocēbīš

اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن
می گویم- این گفتار از سوی اهورامزدا سرچشمه راستی و
نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی باشد. باید به
آن گوش دهد. زیرا تنها با پیروی آن می توان به سرای
درخشان فردوس راه یافت.

پند دوم

دایم دس. وایو دس. وایو دس.

wahištā

gəušaīš

sraotā

دایو دس. دایو دس. دایو دس.

manarhā

sūcā

awaēnatā

دایو دس. دایو دس. دایو دس.

narēm

wīciṭahyā

āwarəṇā

دایو دس. دایو دس. دایو دس.

tanuyē

x^wahyāi

ṇarəm

دایو دس. دایو دس. دایو دس.

ahmāi

yāṇhō

mazē

parā

دایو دس. دایو دس. دایو دس.

paitī

baodantō

sazdyāi

nē

اشه زرتشت مردم را در انتفال راه فیر و شر آزاد گذارده است.

ای مردم بیایید بهترین گفتار را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و پیش از آن که فرصت از دست برود هر مرد و زن باید به شخصه میان راه درست (مزدآپرستی) یا نادرست (دیوپرستی) یکی را برگزیند. بشود که به یاری مزداهورا در گزینش راه درست کامیاب شوید.

پند سوم

ی.م.س.	م.د.د.م.	و.ز.ا.د.د.ع.	م.س.د.
yā	pouruyē	mainyū	tā aṭ
م.س.د.	س.م.د.ع.س.	م.د.ا.د.د.م.س.د.	
asrwātēm	x ^w afēnā	yēmā	
م.د.س.د.س.د.س.د.	و.ا.د.س.د.س.د.س.د.	س.و.د.د.س.د.ز.ا.د.د.	
šyaoṭanōi	wacahicā	manahicā	
م.س.د.	و.ا.د.س.د.د.ز.	م.د.و.ع.س.د.	
akəmcā	wahyō	hī	
س.م.د.س.د.	س.و.س.د.س.د.ز.	ع.ا.د.	
ərəš	hudāṅhō	āscā	
و.ا.د.س.و.س.د.س.د.ز.	و.ا.د.ز.	و.ا.د.س.و.س.د.س.د.ز.	
duždāṅhō	nōiṭ	wīšyātā	

و بهود دو نیروی همزادی که در آخرینش لازم و ملزوم یکدیگرند.

آن دو نیروی هم زادی که در آغاز در اندیشه آدمی پدیدار شدند. یکی سپنتا مینو یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری انگره مینو یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو، دانا نیکی را برمیگزیند و نادان بدی را.

بند چارم

مەن پەسەنەم . مەن . مەن . مەن . مەن .
 mainyū hēm tā hyaṭ aṭcā
 مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم .
 dazdē paourwīm jasaētəm
 مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم .
 yaṭācā ajyāitīmā gaēmā
 مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم .
 aṇhuš apēməm aṇhaṭ
 مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم .
 aṭ drəgwatəm acištō
 مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم . مەن پەسەنەم .
 manō wahištəm aṣāunē

تار این دو نیروی همزاد

هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند. هستی و نیستی
 (حرکت و سکون) پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین
 زندگی. و وضع روانی. بهره پیروان بدی. و بهترین زندگی و
 خوشبختی. پاداش پیروان نیکی است.

بنت پنجم

دندس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
yē	waratā	maniwā	āyā
ولعی دوس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
wərəzyō	acištā	drəgwā	
دندوس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
yē	spēništō	mainyuš	ašəm
دندوس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
wastē	asēnō	xraoždīštəng	
دندوس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
haiθyāiš	ahurəm	xšnaošən	yaēcā
دندوس.	دندوس.	دندوس.	دندوس.
mazdām	fraorət	šyaoθanāiš	

بدان از روی نادانی نیک را از بد نمی توانند تمیز دهند.

از میان این دو نیروی هم زاد، نادان زشت گرا بدترین کردار و خردمند راست گرا، که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است، نیکی را که با خرد مینوی و ایزدی آراسته است، بر می گزیند.

بند ششم

دردسم.	ای دج.	کایسوددسم.
āyā	nōit	wiśyātā
وسیع دسردس.	س ددج.	س-وای دس.
daēwācinā	hyaṭ	ā-dəbaomā
وای دس دس دس.	س-س دس.	س ددج.
pərəsmanōng	upā-jasat	hyaṭ
کای دس.	س دس.	س دج.
wərənātā	acištəm	manō
س.	س دس.	س دس.
aṭ	aēṣəməm	hēṇdwārəntā
س.	س دس.	س دس.
yā	baṇayən	marətānō
	ahūm	

در انتساب راه نیک از بد، نباید قول خریب کاران را فورد

از میان این دو نیرو، نادانان چون نمی توانند نیک را از بد تمیز دهند. در هنگام مشورت با بداندیشان و فریبکاران، دیو فریب فرا رسد و آنان را به گزینش زشت ترین اندیشه وادار سازد و سپس برای انجام کار زشت ناگزیر به سوی خشم و زور روی آورند و بدین وسیله زندگی آدمیان را به تباهی کشانند.

پند و نصیحت

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

jasat

xšaθrā

ahmāicā

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

ašācā

wohū

manarhā

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

utayūitiš

kəhrpēm

aṭ

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

aṇmā

ārmaitiš

dadāt

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

yaθā

aṇhaṭ

ā

tōi

aēšam

دست و پا نهد. بدین راه نهد. بدین راه نهد.

pouruyō

ādānāiš

ayanhā

بنابر قانون ازلی پروردگار، نیک پاداش نیکان و بدی سزای بدان است.

کسانی که از نیروی ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند و فرشته مهر و دوستی در وجود آنان راه یافته باشد، در انتخاب راه نیک کامیاب می شوند و به پاداش آن، در دو جهان بهره نیک یابند.

بند هشتم

سچس. سسوس. سسچس. وسچس.
 kaēnā aēṣam yadā atcā
 سسچس. سسچس. سسچس. سسچس.
 mazdā at aēnaṣham jamaitī
 سسچس. سسچس. سسچس. سسچس.
 manaṣhā wohū xšaṭrēm taibyō
 سسچس. سسچس. سسچس.
 sastē aēibyō wōiwīdāitī
 سسچس. سسچس. سسچس.
 aṣāi yōi ahurā
 سسچس. سسچس. سسچس.
 drujēm zastayō dadēn

ولی در پایان، نیکی بر بدی پیره می شود و رستافیز خرا می رسد.

هنگامی که کیفر اهورایی بر گناه کاران فرا رسد و بدان به
 جزای زشت خود رسند. آن گاه جهان را نیروی پاک منشی فرا
 خواهد گرفت و با پیروی از راه ایزدی. در پایان. بدی به دست
 نیکی شکست می خورد و دروغ به بند راستی در می آید.

پند نهم

مردم را. وای. وای. وای. وای. وای.

yōi hyāmā waēm tōi atcā

وای. وای. وای. وای. وای.

ahūm kərənāun fərašēm īm

وای. وای. وای. وای. وای.

ā-mōyastrā ahurānḥō mazdāscā

وای. وای. وای. وای. وای.

haṽrā hyaṭ ašācā baranā

وای. وای. وای. وای. وای.

yaṽrā bawaṭ manā

وای. وای. وای. وای. وای.

maēṽā aṇhaṭ cistiš

بشود که ما از زمره رستافیز کنندگان جهان باشیم و به رهبری دیگران پردازیم.

ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادی. و مردم را به سوی راستی و پارسایی ره نمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل و عاطفه) به سرچشمه دانایی پی ببریم.

بنت یازدهم

هرددج. م.س.	اورسم.س.	ددج.س.
sašaṽā	urwātā	tā
hyat		
س.س.	وس.س.	سدس.س.
mašyānhō	dadāt	mazdā
yā		
س.س.	س.س.	س.س.
hyaṭcā	ēnəitī	x ^w iticā
سدس.س.	سدس.س.	سدس.س.
rašō	drəgwōdəbyō	darəgēm
س.س.	سدس.س.	سدس.س.
aṭ	ašawabyō	sawacā
سدس.س.	سدس.س.	سدس.س.
uštā	aṇhaitī	tāiš
aipī		

بهشت یا دوزخ هر کس در این جهان در دست خود اوست

ای مردم اگر از قانون ازلی که مزدا برقرار داشته است. آگاه می شوید و از خوشی و پاداش نیک راستی و رنج و پادافره زشت کژی در این جهان و سرای دیگر با خبر می شوید آن گاه کاری می کردید که همیشه روزگارتان به خوشی بگذرد.

پسنا- هات ۳۱

پند یکم

م.س. و.ا. (اوردم.س. ه.ا.ی.و.م.ی. م.و.ا.و.م.س.
 aguštā marəntō urwātā wō tā
 و.ا.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. و.ا.ی.و.م.س.
 yōi aēibyō sənghāmahī wacā
 (اوردم.س.د. و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س.
 ašahyā drūjō urwātāiš
 م.و.ا.ی.و.م.س. و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س.
 atcīt wīmerəncaitē gaēvā
 م.و.ا.ی.و.م.س. و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س.
 yōi wahištā aēibyō
 م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س. م.و.ا.ی.و.م.س.
 mazdāi aṇhən zarazdā

پیام اشو زرتشت را قبل از هیچ پیامبری به آدمیان ابلاغ کرده بود

ای مردم اینک شما را از پیامی آگاه سازم که تا حال کسی
 نشنیده است. و فرمانی که شنیدن آن برای بدکاران و دروغ
 پرستان ناگوار خواهد بود. ولی برای کسانی که از ته دل به
 مزدا ایمان آورده اند. دل پذیر می باشد.

پند دوم

سرسریه. سدی. زده. اورسای.			
urwānē	nōiṭ	āiš	yezi
دورس. سدر-وایسمس. واسدس.			
wahyā	aibi-dərəštā	ādwā	
د. واس. واسدس. سدرده.			
āyōi	wīspēng	wā	aṭ
سرسدس. اسدس. سدرای.			
ahurō	ratūm	yaṭā	
واسدس. سدیوس. سدرس. سدرس.			
aṣayā	ayā	mazdā	waēdā
سرس. سدرس. سدرس. سدرس.			
jwāmahi	hacā	aṣāṭ	yā

علت برگزیده شدن پیامبران از جملة اشو زرتشت

از آن جایی که برگزیدن بهترین راه. برای مردم. کار دشواری است. من که زرتشت هستم برای رهبری شما برگزیده شده ام. رهبری که اهورامزدا گواه راستی و درستی گفتار اوست- باشد که همه. برابر آیین مقدس مزدا زندگی کنیم.

پند سوم

سوم. وسع. مددند. مدلسد.

aθrācā mainyū dā yam

مدلسد. مدلس. مدلسد.

rānōibyā cōiš ašācā

مدلسد. مدلس. مدلسد.

urwatəm hyat xšnūtəm

مدلسد. مدلس. مدلسد.

mazdā nō taṭ cazdōṇṇhwadēbyō

مدلسد. مدلس. مدلسد.

θ̌bahyā hizwā waocā wīdwanōi

مدلسد. مدلس. مدلسد.

jwāntō yā aṇhō

مدلسد. مدلس. مدلسد.

wāurayā wīspəṇḡ

مهوریت اشو زرتشت از جانب پروردگار

من شما را از پاداش و سزایی که اهورامزدا برای گروه نیکان و بدان مقرر داشته آگاه خواهم ساخت و به شما خواهم گفت سرانجام کسی که به پیروی راه دین مزدا برآید چیست؟ مزدا این ها را از زبان و کلام خود به من آموخت و فرمان داد تا آن را به جهانیان برسانم.

پنٔ چارم

سرسوسد. سسحسد. سسوسد. سسوسد.

aṇhən zəwīm ašəm yadā

سدسوسسدسد. سسوسسوسسد. سسوسسد.

ašicā ahurānḥō mazdāscā

سدسوسسد. سسوسسد. سسوسسد. سسوسسد.

mananḥā iṣasā wahištā ārmaitī

سدسوسسد. سسوسسد. سسوسسد.

aojñghwat xšaθrəm maibyō

سسوسسد. سسوسسد.

wərədā yehyā

سسوسسد. سسوسسد.

drujəm wanaēmā

یاری فواستن اشو زرتشت از پوردهگار در انجام این کار بزرگ

بنابر این من از اهورامزدا پیوسته درخواست می کنم. مرا در
این کار بزرگ یاری فرماید تا بهترین راه زندگی را به مردم
بیاموزم و از نیروی خرد و راستی و عشق الهی. آرزو مندم مرا
توانایی بخشند تا بر دروغ پرستان چیره شوم.

အမှတ် ၁၂၆၊ အလယ်လမ်း၊ အလယ်လမ်း၊ အလယ်လမ်း

waocā wīcidyāi mōi tat

[illegible]

dātā aṣā mōi hyat

فامس رانج. فامس رانج. فامس رانج.

manañhā wohū wīduyē wahyō

6. 7. 8.

yehyā-mā daidyāi mēṇcā

၁။ နေပြည်တော်၊ ၁၁ ဇူလိုင် ၂၀၁၉

ahurā mazdā tācīt ərəšiš

မိမိတို့အားလုံး၏ အသံများကို ခေါင်းစည်းတစ်ခုအဖြစ် ပေါင်းစပ်ထားပါသည်။

aṇhaṭ wā nōiṭ yā

ಮದ್ರಾಸು ರಾಜ್ಯ. ಕ್ರಿ.ಶ. ೧೦೦೦.

wā aṇhaitī

دنباله یاری فواهی از پرودگار یکتا

**ای مزدا اهورا- در پرتو اشا بهترین راه را به من بنما تا هم
خود در آن گام بردارم و هم پاداش شادی بخش پیروی از آن را
به دیگران بیاموزم. مرا نیز از منش پاک برخوردار ساز تا از
حال و آینده مردمان جهان آگاه شوم.**

پنٚ ششم

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

yē wahištēm aṇhaṭ ahmāi

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

haiṭīm waocāt wīdwā mōi

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

haurwatātō yim maṭrēm

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

awaṭ mazdāi amərətātascā ašahyā

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

hōi hyaṭ xšaṭrēm

مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس. مڙس مڙس.

managhā waxšaṭ wohū

دعای فیر، به ارشاد کنندگان راه راستی

کسی که راه راست را به مردم بیاموزد و دیگران را از پیام
فرخنده و جاودانی مزدا آگاه سازد، بشود که از بهترین پاداش
نیک برخوردار شود و از نیروی اهورایی که در پرتو پاک
منشی به دست می آید بهره مند شود.

پنجم

سرمدمسد. و سچومسد. و کزادارد.				
pouruyō		maṇtā		yastā
اندکسرچید. اندکدکد. سرمسکد.				
xʷādrā		rōiθβən		raocēbiš
سورج. سکدکدسد. وچودسد. سچسد.				
aṣəm		dāmiš		xraθβā hwō
سرسد. وساددسد. وادسدسدسد. سد.				
manō		wahištəm		dārayaṭ yā
مسد. سدوسد. سدرد. سکسرد.				
uxšyō		mainyū		mazdā tā
سسد. س. رچسد. سدسد. سدسد.				
hāmō		ahurā		nūrēmcīṭ ā yē

اهورامزدا سرچشمه انوار صوری و معنوی است

ای مزدا- ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست. افلاک را با نور خود روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی نظم و هنجار دادی- ای کسی که همواره یکسانی. فروغ ایمان و نور پاک منشی را بر همه ما بتابان.

بند هشتم

مڃ. ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

pourwīm mēṇghī v̥βā at

ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

managhā stōi yezīm mazdā

ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

managhō patarēm waṇhōuš

ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

cašmainī hōm v̥βā hyaṭ

ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

damīm ašahyā haivīm hōṇgrabēm

ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ. ڪڙسڻ ڪڙسڻ.

šyaovānaēšū ahurēm aṇhōuš

فدا آغاز و انجام همه چیزهاست

ای مزدا- هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشه ژرف
جست و جو کردم و با دیده دل نگرستم دریافتم که تویی
سرآغاز و سرانجام همه چیز- تویی سرچشمه خرد و اندیشه. و
تویی آفریننده راستی و پاکی. و تویی داور نیکِ کردار
مردمان جهان.

بند نهم

و کس که داد. سدا و مردم به داد. و کس که داد.

ϑβē ārmaitiš as ϑβōi

سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد.

xratuš as tašā gēuš ā

و کس که داد. سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد.

hyaṭ ahurā mazdā manyōuš

سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد.

paṭam dadā ahyāi

و کس که داد. سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد.

yē āitē wā wāstryāt

و کس که داد. سدا. و کس که داد. سدا. و کس که داد.

wāstryō aṇhaṭ nōiṭ wā

اهورامزدا اختیار گزینش راه نیک و بد را به فوهمان داده است

**ای اهورامزدا- تویی آفریننده جهان مادی و خرد مینوی و
تویی که به مردم جهان اختیار انتخاب راه نیک و بد دادی تا
بنا به اراده خود یا به سوی رستگاری شتابند یا به گمراهی
گرایند.**

پند دهم

مذح. س.ه. مدرسه. ل(موردا)م.س.			
frawarētā	ayā	hī	aṭ
واسددم(ه). مدرسد. ل(موردا)م.س.			
fšuyantəm	ahyāi	wāstrīm	
مدرسا(ه). مدرسد. واسددم(ه).			
warhēuš	ašawanəm	ahurəm	
ل(موردا)م.س. واسددم(ه). مدرسد. ل(موردا)م.س.			
mazdā	nōiṭ	mananḥō	fšēnghīm
مدرسددم(ه). مدرسددم(ه).			
dawāscinā	awāstryō		
مدرسددم(ه). مدرسددم(ه).			
baxštā	humərətōiš		

نیکی پاداش گزینندگان راه نیک و بدی پاداش گزینندگان راه بد است

از این دو راه آن که نیک اندیش و در پیشبرد نیکی کوشاست
راه رستگاری را اختیار کند و آن کسی که بدانیش و کاهل
وطن پرور است. راهی را برمی گزیند که جز از رنج و سختی
بهره ای نخواهد برد.

پند یازدهم

ن دد د. } . ع سوس. ل س د ا و و ع.

paourwīm mazdā nē hyaṭ

و س د س د س د. م س د. و س د س د س د س د.

daēnāscā taṣō gaēvāscā

ل ک س د. ع م د س د. ل ا م د س د س د.

xratūscā manajhā vīḥā

ن دد د. م د د م د س د س د. و س د.

dadā astwāntəm hyaṭ

د م د س د. ن دد د. س و د د ل م د س د س د.

šyaoṽanācā hyaṭ uštanəm

د س د س د س د س د. س د ل ا س د. و س د ا س د س د.

warənōng yaṽrā sōnghāscā

و س د س د س د س د. و س د س د.

dāyetē wasā

فداوند آدمی را آزاد فلق کرده است.

ای مزدا هنگامی که در روز نخست با خرد خویش به کالبد ما
جان بخشیدی و به ما نیروی اندیشه و قوه تمیز نیک از بد
دادی- از آن روزی که در تن خاکی ما جان و روان دمیدی و
به ما اراده و نیروی گفتار و کردار ارزانی داشتی. خواستی
که هر کس بنا به اراده خود و با آزادی کامل راهی را که خود
صلاح داند برگزیند.

پنت دوازدهم

مدولاسد. واسمعه. ردا مدمبه. عدول مدمو مدمسم.

miṭahwacā baraitī wācēm aṭrā

واسد. (ع) مدمو مدمسم. واسد.

wā ərəšwacā wā

واسم. واسم. واسم. واسم.

wā əwīdwā wā wīdwā

مدم مدمسم. (ع) مدمسم. عدول مدمو مدمسم.

manahācā zərədācā ahyā

مدم مدمسم. مدم مدمسم. عدول مدمسم.

mainyū ārmaitīš ānuš-haxš

ع(ع) مدمسم. مدمسم. عدول مدمسم.

maēṭā yaṭrā pərəsāitē

فرد راهنمای آدمی در انتخاب راه نیک از بد است

بنابراین، از همان آغاز هر کسی خواه طرفدار راستی یا دروغ-
خواه نادان یا دانا، بنا بر ندای دل و اندیشه خود عقیده خود را
آشکار می سازد. ولی در عین حال خرد مقدس اهورایی
پیوسته آماده است تا کسانی را که در انتخاب راه سرگردان و
در شک و تردیدند، راهنمایی کند.

پنت سپړد هلم

وړس. ډاډدس. سدریوړدس. وړس.

yā āwīšyā frasā yā

واس. ځایوس. ډاډسدرم. ممدردس.

tayā perəsāitē mazdā wā

وړس. واس. ودددس. سدریوړدس.

aēnaṇhō kasōuš wā yē

س. ځایوس. ممدردس. ممدردس.

ayamaitē mazištām ā

ډاډدس. ممدردس. ممدردس. ممدردس.

ūβisrā cašmōṅg tā būjəm

وړس. ممدردس. ممدردس. ممدردس.

aibī aṣā aibī hārō

واس. ممدردس. ممدردس.

wīspā waēnahī

اهورامزدا از همه چیز آگاه است.

اهورامزدا از هر کار آشکار و نهان مردم آگاه است و گناهان کوچک و بزرگ همه را با دیدگان روشن بین خود می بیند و پیوسته همه کارها را برابر قانون ابدی خویش پاداش و جزا می دهد.

پند چهاردهم

مهم-و کوسد. ره (ا) دسد. دسوداسد.		
ahurā	pərəsā	tā-ūβā
سرس-زی. سد مپ. سج سس مسم دسرسد.		
jēnghaticā	āitī	yā-zī
سرس. دسج وری. وسو سس مسم. وسو (اس) سس.		
dāūranam	dadəntē	išudō yā
سرس. سج سس وری. سرس دسرسد. سوسد.		
mazdā	yāscā	ašāunō hacā
سرس. سرس وری. سرس وری.		
tā	yaūā	drəgwōdəbyō
سرس. سج سس وری. سرس وری.		
hyaṭ	hēnkeretā	aṇhən

اهورامزدا برای هر کار نیک یا بدی پاداش و جزای مقرر فرموده است

ای اهورا. می خواهم از نتیجه اعمال مردمان چه در گذشته و آینده با خبر شوم و بدانم چگونه در این جهان و جهان دیگر پارسایان و نیکوکاران به اجر و پاداش کردار نیک خود می رسند و چه سان بد کرداران و گمراهان به جزای بد خود گرفتار می شوند.

پنٔ پانزدہم

لٔأدس.	مٔؤمٔ.	مٔس.	مٔدٔدٔ.
mainiš	yā	awaṭ	pərəsā
مٔس.	ؤأؤسٔمٔ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤسٔمٔ.
hunāitī	xšaθrəm	drəgwāitē	yē
ؤدٔ-مٔؤدٔؤأ.	مٔؤأ.	مٔس.	مٔس.
yē	ahurā	duš-šyaoθanāi	
ؤأ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤأ.	ؤأ.
wīnastī	hanarə	jyōtūm	nōit
ؤأ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤمٔؤأ.
pasəuš	aēnaṇhō	wāstryehyā	
ؤأ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤمٔؤأ.	مٔؤمٔؤأ.
adrujyāntō	wīraatcā		

تنها اهورامزدا است که می تواند به درستی، نیکان و بدان را به کیفر خود رساند

آری تنها اهورامزداست که کیفر کارهای مردم را در گذشته و حال و آینده به درستی خواهد داد. چه او برای کسانی (چون دشمنانم) که پیوسته دروغ پرستی و بد کرداری را رواج داده اند و جز از نفاق افکنی و آزار طرفداران با ایمانم قصد دیگری ندارند. سزایی مقرر داشته ای و حساب همه کارهای نیکان و بدان را در روز واپسین مد نظر خواهی داشت.

بند شانزدهم

ه (ا) د س د د و د س د ه و د س د ه و د س د

hwō yaṭā awaṭ pərəsā

س د و د س د ا د س د و د س د د س د

dəmanahyā hudānuš yē

د س د و د س د ا د س د د س د و د س د د س د

dahyēuš wā šōiṭrahyā xšaṭrəm

و د س د ا د س د د س د و د س د د س د

aspərəzatā fradaṭāi aṣā wā

د س د و د س د د س د و د س د د س د

yadā ahurā mazdā ṭbāwās

ه و د س د د س د و د س د د س د و د س د د س د

yā-šyaoṭanascā aṇhaṭ hwō

چه کسی دوست دارد و هوافواه اهورامزدا است؟

هر دانایی که برای پیشبرد راستی از میان مردمان برای
خوشبختی باشندگان خانه ها، شهرها و کشورها تلاش کند و
آنان را به پیروی از راه راستی فراخواند، چنین کسی از
هواخواهان اهورامزدا به شمار است.

پند هفتادم

و د م س ا ه . م ی م د و س . و ا س . و ا ع و و س .

drəgwā wā ašawā katārēm

و ا س . و ا ع و و د م ی م . م ی د ر ا .

mazyō wərənwaitē wā

و ا ب و و س . و ا ب و و ی م ی . م ا د م . م س .

mā mraotū wīdušē wīdwā

ع و و و و س . م د ب ع - و ا س و و د م ی . م ی - ا .

zdī-nē aipī-dēbāwayaṭ ɐwīdwā

م ی و س . م س و ا س . و ا م ی م ی .

waṇhōuš ahurā mazdā

ا م ی م ی م ی م س . م ا م ی م ی .

manaṇhō fradaxštā

دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد

کدام یک از این دو بزرگ تر است. کسی که دانا و پیرو راستی است یا آن که به دروغ و گمراهی گرویده است؟ پس دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد تا مبادا نادان سرگشته بماند- ای اهورامزدا ما را در شناسایی راه نیک یآوری فرما.

پنت پیستم

.س .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 diwamnəm ašawanəm āyaṭ yē
 .س .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 āyū darəgēm xšyō aparəm hōi
 .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 awaētās dušx^warəṭēm təmaṇhō
 .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 ahūm wā tēm wacō
 .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 šyaoṭanāiš drəgwaṇtō
 .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد .سرد
 naēšaṭ daēnā x^waiš

فوشبفتی و بدبفتی فویش را هر کسی با دست خود فراهم می سازد

کسی که پیرو راستی است جایگاهش در هر دو جهان در
 سرای شادی و روشنی خواهد بود. ولی دروغ پرست و گمراه
 زمانی دراز در سرای تاریکی با ناله و افسوس به سر خواهد
 برد. این هر دو دسته. پاداش و جزای خود را به دست خود و با
 کردار خویش فراهم می سازند.

بند بیست و یکم

مذیوسم. و دوسم. سسوا. سسواووسم.

haurwatō ahurō dadāt mazdā

مذیوسم. و دوسم. سسوا. سسواووسم.

ašahyācā ā būrōiš amərətātascā

سسواووسم. سسواووسم. سسواووسم.

sarō xšaθrahyā x^wāpaiθyāt

سسواووسم. سسواووسم. سسواووسم.

managhō wazdwarē wanhēuš

سسواووسم. سسواووسم. سسواووسم.

mainyū hōi yē

سسواووسم. سسواووسم. سسواووسم.

urwaθō śyaoθanāišcā

پاداش نیکان رسیدن به کمال واقعی و نیروی معنوی است

کسانی که از روی رسایی اندیشه و کردار نیک خود به
اهورامزدا گروند. از بخش کمال واقعی و جاودانی و راستی و
پاک منشی و نیروی معنوی برخوردار شوند. چنین کسانی به
راستی به دوستان و هواخواهان اهورا به شمار خواهند آمد.

بند بیست و دوم

مردی است.	به	به دوستی و صلح.	و هر دو می‌رسد.
ciṽrā	ī	hudāṇhē	yaṽanā
و دوستی و صلح است.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.
waēdēmnāi	manarhā	wohū	hwō
و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.
xšaṽrā	aṣəm	wacarhā	šyaoṽanācā
و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.
haptī	hwō	tōi	mazdā
و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.
ahurā	wāzištō		
و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.	و هر دو می‌رسد.
anḥaitī	astiš		

فردمندان و نیک منشان بهترین دوستان پروردگارانند

کسی که دانا و خردمند است. با منش نیک خود حقیقت را دریافت خواهد کرد. چنین کسانی با نیروی معنوی و گفتار نیک خود از آیین راستی پشتیبانی می‌کنند و نسبت به مزدا اهورا وفادارند و شایسته ترین یار و مددکار مردم به شمار می‌روند.

پسنا- هات ۴۴

پند یکم

دس دس دس دس. س دس م ا د. س دس دس دس. دس دس دس.

ahyā yāsaṭ x^waētuš ahyācā

دس دس دس دس. دس دس. دس دس دس دس.

airyamnā maṭ wərəzēnəm

دس دس دس. دس دس دس. دس دس دس. دس دس دس.

manōi mahmī daēwā ahyā

دس دس دس دس. دس دس دس دس. دس دس دس.

mazdā urwāzēmā ahurahyā

دس دس دس. دس دس دس دس. دس دس دس دس. دس دس دس.

tēṅg aṅhāmā dūtāṅhō ōβōi

دس دس دس دس. دس دس. دس دس دس دس. دس دس دس.

daibišəntī wā yōi dārayō

بشود که همه اعم از فویش و بیگانان به فدا روی آوریم.

برای رسیدن به خوشبختی و بخشایش اهورایی، باید همگی
شما ای خویشان و همکاران و یاران و همچنین شما ای
گمراهان روی به سوی خدا آرید. پروردگارا بشود که ما همه
پیامبر پیغام تو باشیم و کسانی را که دشمن نام و راه تو
هستند از خود دور نگه داریم.

پند دوم

مذی در دژ. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

sāremnō ahurō mazdā aēibyō

خدا. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

xšaθrāt manaḥā wohū

سدا. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

huš-haxā ašā paitī-mraoṭ hacā

سدا. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

ārmaitīm wē spəntām x^wēnwātā

خدا. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

waremaidī wənuhīm

سدا. عسی و سیم. سدا. دسدا. دسدا.

aṇhaṭ hā-nē

بشود تا همه با هم یگانگی و یکدل شویم

ای اهورامزدا از روی خرد مقدس و نیروی سروری خویش
دعای ما را مستجاب فرما و مهر پاک و دوستی کامل و رسا را
به یاری ما فرست تا همه با هم یک دل شده یکدیگر را از خود
دانیم.

پښت سرود

مخ. ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

wispāṇhō daēwā yūš aṭ

موسخ. ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

ciṽrēm stā manāṇhō akāṭ

ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

yazaitē maš wā yascā

ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

šyaomam pairimatōišcā drūjascā

ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

yāiš daibitānā aipī

ولس ولس. ولس ولس. ولس ولس.

haptaiṽe būmyā asrūdūm

فطاب به گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان

ای دیو پرستان و گمراهان. شما و هواخواهانتان و همه کسانی
که به شما احترام می گذارند. از گروه کژمنشان و تیره دلانی
هستید که مدتهاست کردار زشتان در هفت کشور زمین بر
همه آشکار و به بدی شناخته شده اید.

بند چهارم

سرس. یسرس. فرامایا.

framīmaīā yūštā yāt

سرس. وایسوراس. مریس. دانو.

dañtō acištā mašyā yā

وایسوراس. وایسوراس-ایسوراس. وایسوراس.

wañhēuš daēwō-zuštā waxšəntē

مزدایا. مانا. سیدامنا.

mazdā managhō sīždyamnā

مردایا. خراتوش.

xratēuš ahurahyā

ایسوراس. ایشا.

ašāatcā nasyantō

شما اندیشه مردمان را از راه راست منحرف کرده و آنان را به
ارتکاب زشت ترین کارها واداشته اید. از این روی شما از
یاران دروغ به شما می روید. زیرا از خواست اهورامزدا
گریزان و از آیین مقدسش روگردانید.

بنت پنجم

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

hujyātōiš mašīm dēbēnaotā tā

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

akā wā hyaṭ amərətātascā

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

akascā daēwəng yəng manəḥā

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

šyaoṽanəm akā mainyuš

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

fracinas yā wacəḥā

م.س. و.ع.ا.س.م.س. و.ع.س.م.س. و.ع.ا.س.م.س.

xšayō drəgwanətem

**ای دیوان همان گونه که اهریمن زشت کردار با اندیشه پلید
خود شما را فریفته و به امید و نوید رسیدن به سروری و
بزرگی. شما و هواخواهانتان را به کردار زشت واداشته است.
همان گونه شما نیز. مردمان را گمراه ساخته و از زندگی
خوش و جاوید بی بهره کرده اید.**

پنجم ششم

وایا-مدی-س. {س-مدی-مد. و-مدی-مد.
 yāiš ēnāxštā pourū-aēnā
 مد-مد-مد-مد-مد-مد. و-مدی-مد. مد-مد.
 aṯā tāiš yezī srāwahyeitī
 وای-مد-مد. و-مد-مد-مد-مد-مد.
 hātā-marānē wōistā
 و-مد-مد-مد. و-مد-مد-مد. مد-مد-مد.
 ahurā manañhā wahištā
 و-مد-مد-مد. و-مد-مد. و-مد-مد-مد-مد.
 xšaθrōi mazdā wē ōβahmī
 مد-مد-مد. مد-مد-مد-مد. و-مد-مد-مد-مد.
 wīdām sēnghō ašāicā

در نبردگاه هستی پیروزی نهایی با نیکان و راست کرداران است

شخص گناهکار و گمراه ممکن است برای مدتی با کارهای
 زشت خود کامیاب و پیروز شود. ولی اهورامزدا از خرد
 خویش به گنه اندیشه هر کسی پی می برد و کردار همه را به
 درستی دآوری می کند و سرانجام برابر قانون ابدی او سروری
 و پیروزی نیکی و راستی همه جا را فرا خواهد گرفت.

پنجم

نا عیث	اِنا ناهام	اِشام
naēcīt	aēnaḥam	aēšam
هادرِیا	اوی	ویدوا
hādrōyā	aojōi	wīdwā
یایش	سَنگهائِی	یو
yāiš	sōnghaitē	jōyā yā
ایانها	اِنا	سراوی
ayanḥā	x ^w aēnā	srāwī
ایرِختَم	اُهورا	تو
irixtəm	ahurā	tū yaēšam
اِی	واِدیشتو	مزدَا
ahī	waēdištō	mazdā

هر کاری واکنشی دارد. فواید نیک باشد یا بد

هیچ یک از این گناه کاران از درس زندگی و واکنش نیک کار
و کوشش آگاه نیستند و از دآوری و کیفر پروردگار بی
خبرند- ای اهورامزدا! تو تنها از فرجام کار مردم آگاهی و از
واکنش گناه مردمان به خوبی باخبر می باشی.

بند هشتم

مدرکس هه . مدرکس هه . کار و مدرکس هه .

wīwanhušō

aēnaṇḥam

aēšam

مدرکس هه . مدرکس هه . مدرکس هه . مدرکس هه .

mašyēṇḡ

yē

yimascīṭ

srāwī

مدرکس هه . مدرکس هه . مدرکس هه .

gāuš

ahmākēṇḡ

cixšnušō

مدرکس هه . مدرکس هه . مدرکس هه .

ā

aēšamcīṭ

x^wārəmnō

bagā

مدرکس هه . مدرکس هه . مدرکس هه .

mazdā

ūβahmī

ahmī

مدرکس هه . مدرکس هه .

aipī

wīciūōi

همشید از گناه کاران در روز واپسین به شمار است

از میان این گناه کاران همشید و پسر ویونگهان به خوبی شناخته شده است. چه او برای جلب رضایت خود و مردم جهان استفاده از لذت های جهان مادی را به مردم آموخت (نه معنوی را). ولی مزدا در داوری روز واپسین درباره من چنین قضاوت نخواهد کرد (چه من برای پیشرفت روان مردمان کوشیده ام. نه جسم مادی آنان).

پند نهم

وای-ددمدمدی. دایوسم. عیایسوس.	mōrəndaṭ	srawā	duš-sastiš
سوی. پداسمادی. دسوسوسمادی. طامادی.	xratūm	səŋghanāiš	jyātəuš hwō
سوی. عس. عسادی. مددمدمس.	apayaṇtā	īštīm	mā apō
عیایسوس. سوسادی. طامادی. عسادی.	manarhō	waŋhəuš	hāitīm bərəxδam
مس. ایسادی. مدادی. عسادی. مدیوس.	mazdā	mahyā	manyəuš uxδā tā
مدسادی. مسوسادی. عیایسوس.	gərəzē	yūšmaibyā	ašāicā

ضرب کاران گفتار حق را تحریف می کنند.

آموزگاران دروغ تعالیم مقدس را تحریف می کنند و با آموزش های نادرست خویش. اساس زندگی مردم را به هم می زنند. چنین کسانی همه را از بخشش گران بهای عقل و خرد و به کار گماردن اندیشه درست و راست باز می دارند. ای مزدا از دست چنین کسانی با روح و قلب خود. به تو پناه می آورم.

پند دهم

مورندات. سورا. ماسا. هوراس.

mōrəndaṭ srawā mā-nā hwō

اوغدا. وانا. ایشتم. یو.

aogədā waēnaṅhē acištəm yō

اسکا. هوارعا. اشیبیا. قام.

yascā hwarēcā ašībyā qaṃ

دادات. درگواتو. دایدونگ.

dadāt drəgwatō dāḍəṅg

اسکا. ویاپات. واسترا. اسکا.

yascā wīwāpaṭ wāstrā yascā

اشاونه. ویزدات. واداره.

ašāunē wōiždaṭ wadarē

چنین کسانی آموزش های کتاب مقدس را که می گوید به
زمین و نعمت های آن و به خورشید حیات بخش و عناصر
سودمند جهان به دیده احترام بنگرید. گفتاری پوچ می
شمارند و بدکرداران را پول و رشوه می دهند تا نیک اندیشان
را بیازارند و کشتزارها و خانه های آنان را ویران کنند و بر
ضد پیروان راه راستی سلاح به کار برند.

بند یازدهم

ماسک پریه. س. هکلیتو. جیوتوم.
 taēcīt mā mōrəndən jyōtūm
 وایه وایه. مازیبیش. سیکوئیرا.
 drəgwatō yōi mazibiš cikōitərəš
 مایه مایه. مایه مایه. مایه مایه.
 aṇuhīšcā aṇhwascā apayeitī
 مایه مایه. مایه مایه. مایه مایه.
 raēxənaṇhō waēdəm yōi
 مایه مایه. مایه مایه. مایه مایه.
 wahištāt ašāunō mazdā
 مایه مایه. مایه مایه. مایه مایه.
 rārəšyān manəṇhō

چنین کسانی پیوسته به نابودی زندگی مردمان کوشند و مردان
 و زنان آزمند را با مال جهان بفریبند و به این وسیله آنان را از
 راه راست و درست زندگی منحرف کنند و با این کارها
 اندیشه پارسایان را پریشان و زندگی آنان را تباه می سازند.

پنت دوازدهم

وَسَرَسَد.	اَسَعَزَسَدَدَا.	مَدَاوَزَسَدَسَد.	وَاسَرَسَدَسَدَسَدَسَد.
yā	rāṇhayən	srawaṇhā	wahištāt
سَوَدَدَسَدَسَدَسَدَسَد.	عَدَاَسَدَسَدَسَد.	سَدَعَزَدَدَا.	عَدَاَسَدَسَد.
šyaoṭanaṭ	marətanō	aēibyō	mazdā
سَوَسَد.	عَدَاَسَدَسَد.	سَرَسَدَا.	عَدَاَسَدَسَدَسَد.
akā	mraoṭ	yōi	gəuṣ
دَاوَزَسَدَسَد-دَاوَزَسَد.	سَدَدَاَسَدَسَد.	سَدَدَاَسَدَسَد.	عَدَاَسَدَسَدَسَد.
urwāxš-uxtī	jyōtūm	yāiš	gərəhmā
سَدَعَزَسَد.	وَاسَدَاَسَدَسَد.	وَسَدَاَسَدَسَد.	
ašāt	waratā	karapā	
دَاوَزَسَدَسَدَسَدَسَد.	عَدَاَسَدَسَد.	سَدَدَاَسَدَسَد.	وَسَدَاَسَدَسَد.
xšaṭrəmca	iṣanām	drujəm	

اشه زرتشت قربانی را منع فرموده است

با این آموزش ها. آنان مردم را از کردار نیک باز می دارند و حیوانات را با فریاد شادی قربانی می کنند و با گفتار گمراه کننده عده ای را که چون کوران با چشم و کران با گوشند. با آشوب و غوغا به جان خلق اندازند تا خود بتوانند با جور و ستم بر مردم سروری کنند.

پنٔ سپړدھم

سرسد. مڼی مڼی اسد. وڼی وڼی. مڼی مڼی مڼی مڼی.

hīṣasat gērēhmō xšaṭrā yā

مڼی مڼی مڼی مڼی. وڼی وڼی. مڼی مڼی مڼی.

manajhō dēmānē acištahyā

مڼی مڼی. مڼی مڼی مڼی. مڼی مڼی. مڼی مڼی مڼی.

yaēcā ahyā maraxtārō aṇhēuš

مڼی مڼی. مڼی مڼی مڼی. وڼی وڼی.

kāmē jīgərəzaṭ mazdā

مڼی مڼی مڼی. مڼی مڼی مڼی. وڼی وڼی. مڼی مڼی.

yē-iš dūtīm maṭrānō ōḃahyā

مڼی مڼی. وڼی وڼی مڼی. مڼی مڼی مڼی.

aṣahyā darəsāt pāt

خريکاران هميشه غاغل از پايان کار زشت فویش هستند

با هر نیرویی که این پیشوایان دروغین دینی خواسته باشند با
منش زشت خود بر مردم سروری کنند. در پایان به تباهی
زندگی خودشان خواهد انجامید. ولی هر زمانی که اینان از
کردار زشت خود پشیمان شوند و در پی پیام راستین برآیند
پیامبر خدا آنان را می پذیرد و به سوی راستی هدایت می
کند.

پنٔ پانزدہم

مدرسدی. سد. واپ-سدسد. ورسد.

yā wī-nōnāsā ā anāiš

ویداسدسدسد. ویداسدسدسد.

kəwītāscā karapōtāscā

مدرسدی. مدری. ویداسدسد.

daiṇtī yōṅ aibī awāiš

ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد.

wasō xṣayamnōṅ jyātēuš nōiṭ

مدرسد. مدرسد. مدرسد.

bairyāntē ābyā tōi

ویداسدسد. مدرسد. مدرسد.

managhō ā-dəmanē waṅhēuš

واکشش جور و ستم بر مردم شورش و طغیان آنان است

**ولی سرانجام. مردم ستم دیده از این دو دسته پیشوایان
دروغین و فرمانروایان ستمگر به تنگ آیند و با شورش علیه
آنان. دشمنان خود را نابود کرده و تن و روان خود را در هر
دو جهان آزاد خواهند ساخت.**

پسنا- هات ۴۴

بند یکم

سرمه سدرد. دله. وادهایه سدرد. سرمه.

yā warəšaitē iṭā yaṭāiš

وسمه. مدونه. وادهایه سدرد.

paouruyehyā aṇhōuš dātā

اسمه. وادهایه سدرد. اسه. اسه.

razištā šyaoṭanā ratūš

وله. وادهایه سدرد. وادهایه سدرد. وادهایه سدرد.

ašāunē hyaṭcā drəgwataēcā

سرمه سدرد. وادهایه سدرد. وادهایه سدرد.

miṭahyā hēməmyāsaitē yehyācā

سرمه. وادهایه سدرد. وادهایه سدرد.

ārəzwā hōi yācā

فداوند داور دادگر است

بر هر کس بایسته است که برابر قانون ازلی (اشا) که آیین
بنیادین زندگی است رفتار کند. چه داور بزرگ در روز واپسین
نسبت به نیکان و بدان و هم چنین آنان که بدی و نیکی شان
برابر است. از روی بی نظری دآوری خواهد کرد.

پند دوم

مخ. م.س. موع. وایق و دس دم.ق. وادس دس.س.

wacanhā dregwāitē akəm yē at

و.س. م.ق. و.س. وادس دس.س.

mananhā wā at wā

ی.د.م.ق. د.س. و.س. وادس دس.س.

warəšaitī wā zastōibyā

و.س.س. و.س. م.ق. د.س.س.

astīm cōiūaitē wā wanhāu

م.ق. و.س.س. و.س.س.

rādəntī wārāi tōi

م.س.س.س. و.س.س. و.س.س.

mazdā zaošē ahurahyā

چه کسی یا هر نیکی است؟

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار با بدی پیکار کند و با دست و زبان از پیشرفت بدی بکاهد یا یکی از بدکاران را به راه راست رهبری کند. چنین کسی خشنودی اهورامزدا را فراهم می سازد و از یاوران نیکی به شمار است.

پند سوم

و سږ. مښ مږوږ. ټا مږوږ مږوږ. س مږوږ مږوږ.

x^waētū wahištō ašāunē yē

ټا مږوږ. مږوږ. ټا مږوږ. ټا مږوږ مږوږ.

wərəzōnyō wā aṭ wā

مږوږ مږوږ مږوږ. ټا مږوږ. مږوږ مږوږ. ټا مږوږ مږوږ.

wīdāṣ ahurā wā airyamnā

ټا مږوږ. ټا مږوږ مږوږ مږوږ مږوږ. ټا مږوږ مږوږ مږوږ.

aṭ gawōi ʾbaxšaṇhā wā

مږوږ مږوږ. مږوږ مږوږ مږوږ. مږوږ مږوږ.

aṇhaṭ ašahyā hwō

ټا مږوږ مږوږ مږوږ. ټا مږوږ مږوږ. ټا مږوږ مږوږ مږوږ.

manaṇhō wāstrē waṇhōušcā

کسی که یکی از طرفداران راستی را خشنود سازد، خواه آن
کس خویش یا بیگانه باشد، یا این که یکی از بندگان نیک خدا
را یاری دهد، چنین کسی از بوستان بهشت و خرم راستی
برخوردار خواهد بود.

پند چهارم

س. ی. ک. م. ع. د. س. م. د. ا. د. م. س.

asruštīm mazdā ōβaṭ yē

م. د. ع. م. س. ع. م. ی. س. م. س. د. م. س.

apā yazāi manō akəmčā

س. م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س.

wərəzēnahyācā tarōmaitīm x^waētōušcā

م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س.

airyamanascā drujəm nazdištəm

م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س.

wāstrāṭ gēušcā nadəntō

م. د. م. د. م. س. م. د. م. د. م. س.

mañtūm acištəm

پنج کارهایی گناه شمرده می شوند

ای مزدا تو را ستایش می کنم و خواستارم روح نافرمانی و
گژاندایشی از پیروانم دور شود. هم چنین خیره سری و
بداندیشی از همکارانم و فریب و دشمنی از نزدیکانم و
نکوهش و ناسزاگویی از پیشوایان و کشاورزان و دروغ از
دوستانم بازداشته شود.

بنت پښم

سرمدمم. کاپدول-میدم. دایمکیم.

səraoʃəm wīspē-mazištəm yastē

یرمدم. دودومسولم. دوسول.

apānō awaṇhānē zbayā

ودایمکیم-دودم. س-دولمکیم. کاپدولم.

waṇhəuš ā-xšaθrəm darəgō-jyāitīm

مکیمول. دیمکیم. س.

ā ašāt manəṇhō

ایمکیم. دسول. سرمدمکیم.

yaēšū paθō ərəzūš

مکیموسم. سول. دیمکیموسم.

šaēti ahurō mazdā

آرزوی اشو زرتشت برای انجام درست رهبری مردم

**برای رسیدن به آرمان خویش و رهبری درست مردمان از
سروش (نیروی فرمان برداری و ایمان) یاری می خواهیم.
آرزو مندم که از زندگانی دراز و تندرستی و نیک اندیشی
برخوردار شوم و به یاری آشا به پایه رسایی که پیشگاه
اهورایی است برسم.**

پست ششم

هوس. یسز م. مدس. ازی. هوز.

hwō ērezūš ašā zaotā yē

موز. م. وادس. وادس.

kayā wahištāt ā manyēuš

م. م. م. م.

yā manaḥhā awā ahmāt

وادی. م. م. م.

wāstryā maṇtā wərezyeidyāi

م. م. م.

mazdā ahurā izyāi tā-tōi

م. م. م.

hēm-parštōišcā darštōišcā

ای اهورامزدا همچون ستایشگر با ایمانی که در راستی و پاکی
پابرجاست با دل و جان و با همه وجودم از تو درخواست می
کنم که در انجام رسالتم در این جهان به درستی و راستی
برآیم و در پایان به دیدار و هم پرستی تو سرفراز شوم.

پنت هئتم

س-ه-س.	سدوج-ه.	وادیس دیس-س.
ā-mā	āidūm	wahištā
س-سردی دس-س.	ه دی-س.	وادیس دیس-س.
ā-x ^w aiθyācā	mazdā	darəšaṭcā
دی-س.	وادیس-ج.	ه دیس-س.
aṣā	wohū	manāḥā
دی-س.	وادیس-ج.	ه دیس-س.
sruyē	parē	magāunō
س-س-س-س.	ه دی-س.	ه دی-س-س.
āwiš-nā	aṇtarə	hēntū
ه دی-س-س-س.	ه دی-س.	ه دی-س-س.
nəmax ^w aitiš	ciθrā	rātayō

اشه زرتشت آرزومند رهبری همه مردمان جهان است

ای مزدا- ای بهتر از همه- در اندیشه ام راه یاب تا به درک تو
 نایل شوم. زیرا آرزومندم در پرتو راستی و پاک منشی بتوانم
 شنوندگانی را خارج از انجمن مغان به دست آورم تا بشود که
 همه مردمان به وظایف و تکالیف خود نسبت به خدا و خلق
 خدا آشنا شوند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible]

frō-mōi

[illegible]

tā

မိမိတို့၏ အသက်မွေးဝမ်းကျောင်းများကို အသိပညာနှင့် အားထုတ်မှုများဖြင့် ပိုမိုကောင်းမွန်စေရန် အားထုတ်ပါ။

yasnəm

ኢየሱስ ምስልጅ ይደርሳል፡

wā

၁။ အမည် . နှင့် . မှတ်တမ်း

dātā

၁၈၈၁ ခုနှစ် ဇူလိုင်လ ၁ ရက်နေ့

utayūitī

با اندیشه و دلی پاک می‌توان به رسایی و کمال معنوی رسید

ای مزدا ما را از حقیقت آگاه فرما تا به یاری اندیشه پاک، تو را به درستی بستاییم. اینک این سرود ستایش (مناجات) را که از راستی و دلی پاک سرچشمه گرفته است، بپذیر. باشد که در پرتو این دو نیرو (اندیشه و دل) به رسایی و جاودانی برسیم.

پنت نم

م.ج. م.ز.ر. م.س.و.س. م.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

mainyūm tōm mazdā tōi at

م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

sarədyayā ašaoxšayaṇtā

م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

mayā maēvā x^wāvā

م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

manajhā barətū wahištā

م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

yayā hākurenəm arōi ayā

م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س. م.س.و.س.

urwānō hacīntē

تنها با نیروی فرد و دلی پاک است که می توان فدا را شافت

ای مزدا تنها با نیروی خرد و بینایی دل است که می توان به
سرچشمه راستی که پروردگار است. رسید. نعمتی که در پرتو
آن راستی و درستی در افزایش خواهد بود. بشود که به یاری و
رهنمایی بهترین اندیشه و دلی پاک از بخشش های راستی و
بینایی برخوردار شویم.

پنجم دهم

کای ددس-ددم-د. س دپ-م ددر-د. س-س-د.

yā-zī

hujītayō

wīspā-stōi

س دس-د. س-س-د. س دس-د. س دس-د. س دس-د.

yāscā

həntī

yāscā

āṇharē

س دس-د. س دس-د. س دس-د. س دس-د.

ūβahmī

bawaiṇtī

mazdā

س دس-د. س دس-د. س دس-د. س دس-د.

ābaxšōhwā

zaošē

hīš

کای دس-د. س دس-د. س دس-د. س دس-د.

xšaθrā

manaṇhā

uxšyā

wohū

س دس-د. س دس-د. س دس-د. س دس-د.

tanūm

uštā

ašācā

پرو دگار رنج و شادی را به خرافور کردارمان در هر دو بهان ارزانی داشته است

ای مزدا- به راستی که همه خوشی ها و رنج های زندگی آن
چه بوده و هست و خواهد بود. از تو است که به هر کس به
فراخور کردارش از روی دادگری خویش ارزانی می داری.
بشود که ما را در پرتو منش پاک و شجاعت معنوی (خشترا) و
پرهیزکاری (اشا) به والاترین بخشش ها برخوردار سازی.

پند یازدهم

اهور. سوسر. ددورسدم. سدا.

ahurō səwištō yē

سایسدم. سادسدم.

ārmaitišcā mazdāscā

سایسدم. سادسدم.

frādaṭ-gaēvəm ašəmcā

سایسدم. سادسدم.

xšaṭvərəmcā wohū manascā

سایسدم. سادسدم.

mərəždātā-mōi sraotā-mōi

سایسدم. سادسدم.

paitī kahyāicīt ādāi

فدا برآورنده همه آرزو های ماست

ای اهورامزدا- ای توانا تر از همه- مرا از ایمان پاک و استوار
و خرد مقدس و شجاعت معنوی و فداکاری برخوردار ساز-
آواز دلم را بشنو و هنگامی که به هر یک پاداشی در برابر
کردارشان می بخشی. بدون در نظر گرفتن لیاقتم مرا مشمول
آمزش خویش ساز.

پنت دوازدهم

دند-ه-ج-ر.	دیس (ای) یخ دوس.	دس داس.
ahurā	uzārəšwā	us-mōi
دس (ه) دس-ه.	م (ه) یخ-ه.	دس دوس.
daswā	təwīšim	ārmaitī
دس (ه) دس-ه.	دس دس-ه.	دس دس.
mazdā	mainyū	spēništā
دس دس دس.	دس دس.	دس دس.
ādā	zawō	waṇhuyā
دس دس.	دس دس.	دس دس.
ōmawaṭ	hazō	ašā
دس دس دس.	دس دس دس.	دس دس دس.
fəṣəratūm	manaṇhā	wohū

رسایی و کمال مادی و معنوی تنها با نیروی اندیشه و ایمان پاک خراهم می شود.

ای اهورا- در اندیشه ام راه یاب و از پرتو ایمانی استوار و
خردی پاک مرا رسایی و کمال مادی و معنوی بخش- ای مزدا
ستایشم را به نیکی پاداش ده و به یاری اشا مرا نیروی
پارسایی بخش و در پرتو خرد پاک مرا با عشق و مهر جهانی
بیارای.

پند سپرداھم

اڻڌڻ ڏسڻ. ڳاڻا ڏسڻ ڏسڻ. ڳاڻا ڏسڻ ڏسڻ.

dōiṣī-mōi

wourucaṣānē

rafəḏrāi

ڏسڻ ڏسڻ. ڏسڻ ڏسڻ.

abifrā

yā-wē

ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ.

yā

ahurā

xšaṭrahyā

tā

ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ.

manaḥhō

aṣiš

waḥhēuš

ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ.

ārmaitē

spəntā

frō

ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ ڏسڻ.

fradaxṣayā

daēnā

aṣā

دعاي اشو زرتشت به گروندگان كيش اهورايي

ای اهورایی که از همه چیز با خبری- شادی و خرمی بی
مانندت را همراه خشترا (نیروی معنوی) و وهومن (اندیشه پاک)
به کسانی که به من گرویده اند بخشش فرما و به وسیله
آرمینیتی (ضمیر پاک) دل های همه را روشن کن تا همه به
خوبی سود پاکی اندیشه و دل را دریابیم.

پند چهاردهم

م.ج. (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

tanwascīt zaraϑuštrō rātaṃ aṭ

سرمدی در س. (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

dadāitī uštanəm x^wahyā

و (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

waṇhōuš manañhascā paurwatātəm

و (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

šyaoϑanahyā mazdāi

م.ج. (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

uxδahyācā yācā ašāi

و (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و) (اسم مج. و)

xšaϑrəmcā səraošəm

پیشکش کردن اشو زرتشت تن و جان خود را در راه خدمت به مردم جهان

من که زرتشت هستم. برای فرمان برداری تو ای اهورامزدا
همه هستی و تن و جان خود را با اندیشه و عشق واقعی به تو
پیشکش و در راه پیشبرد پارسایی. همه کردار و گفتار و
نیروهای خود را در راه خدمت به مردم جهان آماده کرده ام.

پسنا- هات ۴۴

بنت یکم

و سوردو دایو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

wacanjhā yā śyaoŋanā yā

و سوردو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

aməratātātəm yasnā yā

و سوردو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

dānjhā taēibyō ašəmcā

و سوردو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

haurwatātō xšaŋrəmcā mazdā

و سوردو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

ahurā tōi aēšəm

و سوردو داسد. و سوردو داسد. و سوردو داسد.

dastē pourutəmāiš ōhmā

ای مزدا می دانم که در برابر نیاز گفتار و کردار نیک و ستایش پاک بندگان به آنان جاودانی و رسایی و نیروی معنوی خواهی بخشید- بشود که ما نیز با این نیازها در ردیف کسانی باشیم که با این نیروها به شناسایی تو و ضمیر خویش نایل می شوند.

پند دوم

مذہب۔	پ۔	مذہب۔	مذہب۔
mainyuščā	manaḡhā	ī-tōi	aṭcā
مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔
dātā	wīspā	waḡhuš	
مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔
šyaoīanā	nəreš	spəntahiācā	
مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔
hacaitē	ašā	urwā	yehyā
مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔
wahmē	xšmāwatō	pairigaēīē	
مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔	مذہب۔
stūtām	garōbīš	mazdā	

تنہا با اندیشیدن بہ خدا و گام نهادن در راہ پارسایی است کہ
روان آدمی می تواند بہ مزدا نزدیک شود۔ پروردگارا! بشود کہ
ما نیز با ستایش و کردار پارسایی بہ تو نزدیک شویم۔

پند سوم

اهورا	مزد	تو	ای
ahurā	myazdēm	tōi	aṭ
دانا	مزد	مزد	مزد
dāmā	ašāicā	nəmaṇhā	
مزد	مزد	مزد	مزد
ā-xšaθrōi	wīspā	gaēθrā	
مزد	مزد	مزد	مزد
manāḥā	θraoštā	wohū	yā
مزد	مزد	مزد	مزد
wīspāiš	hudāṇhō	ārōi-zī	
مزد	مزد	مزد	مزد
sawō	xšmāwasū	mazdā	

ای اهورامزدا- با فروتنی تمام ستایش خود را به راستی و
درستی (اشا) به تو پیشکش می کنم و آرزو مندم که همه
جهانیان را با نیروی منش پاک و خشترا (نیروی معنوی)
برخوردار سازی. چه می دانم که هوشیاران و نیک اندیشان
پیوسته از این نیروها برخوردار می باشند.

بند چهارم

اهورا	اتریم	توی	ات
ahurā	ātrēm	tōi	aṭ
اوسماهی	اشا	اوجونخواستم	
usōmahī	ašā	aojōṇhwaṇtēm	
ستوی	اماوانتم	اسیشتم	
stōi	ēmawaṇtēm	asīštīm	
سیدرا-اوانهم	راپانت		
ciṽrā-awaṇhēm	rapaṇtē		
دایبیشانت	مزد	ات	
daibišyaṇtē	mazdā	aṭ	
دراشتا-اانهم	زاستایشايش		
dərəštā-aēnaṇhēm	zastāištaiš		

ای اهورا- ما فروغ اندیشه نیک و پارسایی را که از وجود تو
پرتوافکن است. خواستاریم. آن نور فروزانی که سبب
راهنمایی و قوت قلب مردمان است و به کمک آن نور است که
تو می توانی نیک را از بد و پاک را از ناپاک تمیز دهی. چه
تویی دانای کل.

၁။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 īṣtīś kā xšaθrēm wə kaṭ
 ၂။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 hahmī wā yaθā mazdā šyaoθanāi
 ၃။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 θrāyōidyāi manañhā wohū ašā
 ၄။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 parē-wā yūšmākəm drigūm
 ၅။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 daēwāišcā waoxəmā parē wīspāiš
 ၆။ နေ့စဉ် အသုံးပြုရန်
 mašyāišcā xrafstraiš

**ای مزدا چه شگرف است نیروی تو و چه توانا است
فرمانروایی تو بر جهان - ما همه آرزومندیم که به یاری
نیروهای تو، یعنی وهومن و اشا، بتوانیم درماندگان و ناتوانان
را از شر دشمنان دین و رهزنان راه تو در امان داریم.**

سم

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

mazdā haiϑīm stā aϑā yezi

•သမ္မတ •နယ် •မြို့

manaṇhā wohū aṣā

• နှစ် • နှစ် • နှစ် • နှစ် • နှစ်

dātā daxštəm mōi taṭ aṭ

مدرسہ دہلی۔ مدرسہ اعظم۔ جامعہ مدرسہ۔ مدرسہ اسلامیہ۔

maēṭhā wīspā aṇhēuś ahyā

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

yazəmnascā wā yaṭā

[illegible]

paitī ayenī stawas urwāidyā

چون تو ای مزدا سرچشمه راستی و همه نیروها هستی. ما را رهبری فرما تا در پرتو نیروهایت دوران زندگی خاکی را چنان که بایسته است بگذرانیم و در پایان با روانی پاک به سویت بازگردیم.

پنت هئتم

وایک اس. م ک د. دایواس. عسیوس. س ک د.

yōi mazdā arədrā tōi kuṽrā

کامدوس ک د. کاسلوع اس. کامدوس ک د.

manahō waēdēnā waṇhōuš

دس کاسلوع ک د. اسلوع اس. کامدوس ک د.

aspəncit raēxənā səṇghuš

دسواسلوع ک د. کامدوس ک د. اسلوع ک د.

uṣəurū caxrayō sādrācīt

اسلوع ک د. م ک د. کامدوس ک د.

yūšmaṭ anyēm tēm naēcīm

کاسلوع اس. اسلوع ک د. کامدوس ک د.

ṽrāzdūm aṽā-nā aṣā waēdā

هر ستایشگر واقعی که معتقد به مهر و بخشایش اهورامزدا و سودمندی آموزش های دین او باشد. باید چه درگاه خوشبختی یا هنگام بدبختی با ایمانی استوار پابرجا ماند و به گسترش پیام مقدس بکوشد و یقین بداند که او پیوسته پشت و پناه همه ماست و پیروان راه خود را از پرتو مهر و نیروهای خود نگه می دارد.

پند نهم

و سزای. دین پند. ساهم. و کرم دین.

vībahyā ārmaitīm spəntām yōi

و سزای. دین پند. ساهم.

wīdušō bərexδam mazdā

و سزای. دین پند. ساهم.

awazazaṭ duš-šyaoīanā

و سزای. دین پند. ساهم.

manajhō əwistī wənhēuš

و سزای. دین پند. ساهم.

syazdaṭ ašā maš aēibyō

و سزای. دین پند. ساهم.

xrafstrā aurunā ahmaṭ yawaṭ

**آنان که به راه زشت کاری و بدگویی گام می نهند. در زمره
بی خبرانند و راستی از آنان دور خواهد ماند. چه آنان خود را
از فروغ دانش دور کرده اند و در نتیجه خوشبختی نیز از آنان
دور خواهد ماند.**

پند دهم

مسن ددس. وادوسن اوس. مودوسن اوس. سو ددس اوس.

šyaoθanā manañhō wañhəuš ahyā

وادیس دس. وادیس دس. وادیس دس.

huxratuš gərəbām waocat

مسن ددس. مودوسن اوس. مودوسن اوس.

damīm ārmaitīm spəntāmčā

وادیس دس. وادیس دس. وادیس دس.

ašahyā hiθām wīdwā

مسن ددس. وادیس دس. وادیس دس.

θībahmī ahurā wīspā tācā

مسن ددس. وادیس دس. وادیس دس.

wōyaθrā ā xšaθrōi mazdā

**ولی فرد دانا و خردمند با آگاهی از دانش خدایی چون هسته
مرکزی حقیقت و راستی باید تبه کاران و نادانان را به پیروی
از نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری وادارند و بی
گمان آنان پس از شناخت راه راست و درست همه به سوی خدا
روی خواهند آورد.**

بند یازدهم

سج. م. ج. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
haurwāscā	ubē	tōi	at	
س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
aməratatāscā	ā	x ^w arəvāi		
س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
managhō	xšaθrā	waṇhəuš		
س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
waxšt	ārmaitiš	maṭ	ašā	
س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
mazdā	ā	tāiš	təwīši	utayūiti
س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.	س. د. ا. و. س. د. م. د. س. د.			
ahī	θβōi	wīdwaēšam		

پروردگارا- ما را از بخشش خرداد(رسایی و کمال مامدی و معنوی) و امرداد(جاودانگی و نیک نامی) که از راه وهومن و اشا و خشترا(نیک اندیشی و پرهیزکاری و تسلط بر نفس) به دست می آید. بهره مند ساز تا در پرتو این فروزگان به آرزوهای نیک خود برسیم.

پنٔ دوازدهم

وسٔ. مٔ. (سٔ). وسٔ. واسٔ. وسٔ.
 kaṭ wašī kaṭ rāzarē tōi kaṭ
 واسٔ. مٔ. مٔ. وسٔ. واسٔ. وسٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ.
 yasnahyā wā kaṭ stūtō wā
 مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ.
 frāwaocā mazdā srūdyāi
 واسٔ. واسٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ.
 rāšnəm ašīš wīdāyāt wā
 مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ.
 paṭō ašā sīšā-nā
 واسٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ. مٔ.
 manarhō x^waētəng warhēuš

کدام است آیین تو و چیست آرزوی تو ای اهورامزدا؟ چه
 ستایشی سزاوار توست! آن را آشکارا به من بنما تا از برکات
 انجام آن برخوردار شویم. پروردگارا به ما بیاموز که چگونه
 در پرتو راستی رهسپار راه تو باشیم.

پند چهاردهم

مهمه. ۲. ۳. ۴. ۵.			
wairīm	mazdā	zī	taṭ
۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲.			
dātā	uštānāi	astwaitē	
۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰.			
yōi	manañhō	šyaoṭanā	wañhōuš
۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸.			
azyā	wərəzēnē	gōuš	zī
۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶.			
ahurā	hucistīm	xšmākam	
۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴.			
wərəzēnā	frādō	ašā	xratōuš

**پاداش گران بهای مزدا از آن کسی است که در کالبد جسمانی
و جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در
آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست
پروردگار را برآورده سازد.**

پند پانزدہم

[illegible]

**اهورامزدا در آیین خود ما را از بهترین گفتار و کردار آگاه
فرموده و برترین راه ستایش را به ما آموخته است. باشد تا با
پیروی از علم و عمل یا گفتار و کردار نیک به یاری اهورا از
یک زندگانی کامل که سرشار از راستی و درستی باشد
برخوردار گردیم.**

پسنا-هات ۴۳

بند یکم

ایم مسم. مسم مسم. مسم مسم. ایم مسم. وسم مسم مسم مسم.

kahmāicīṭ uštā yahmāi ahmāi uštā

کامد-مسم مسم مسم. مسم مسم. وسم مسم. مسم مسم.

ahurō dāyāt mazdā wasē-xšayaš

مسم مسم مسم. مسم مسم مسم. مسم مسم. مسم مسم. کسم مسم.

wasēmī tōi gaṭ tawīšīm utayūiti

مسم مسم. وسم مسم مسم. مسم مسم. مسم مسم. مسم مسم مسم.

ārmaitē dā mōi taṭ dərədyāi ašəm

مسم مسم. مسم مسم. کسم مسم مسم.

wanhəuš ašīš rāyō

مسم مسم. مسم مسم مسم.

manahō gaēm

فوشبختی از آن کسی است که در پی فوشبختی دیگران باشد

خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد.

چنین است فرمان و خواست اهورامزداى چاره ساز. از این

روی ما خواستاریم که با نیروی راستی و پایداری نیاز

یکدیگر را برآورده سازیم. ای آرمینیتی. ای مهر خدایی ما را

در زندگی از بخشش بینایی کامل و منش پاک برخوردار ساز.

پند دوم

مذکر است.	مستعد است.	وایسته.	وایسته.		
wahištəm	wīspanəm	ahmāi	aṭcā		
مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.		
daiditā	xʷāθrəm	nā	xʷāθrōyā		
مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.		
mazdā	mainyū	spēništā	cīcīθβā	θβā	
مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	
manaṇhō	māyā	waṇhēuš	ašā	dā	yā
مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.	مستعد است.
ayārē	wīspā	urwādanhā	darəgōjyātōiš		

فردشناسی بهترین راه رسایی است.

ای مزدا بهترین بخشش ها را که خودشناسی است به ما ارزانی دار - ای نورانی ترین نور معنوی به وسیله خرد مقدست ما را از دانش و منش پاک برخوردار ساز تا با پیروی از قانون اشا روزهای زندگانی خود را قرین خوشبختی و رسایی مادی و معنوی سازیم.

پند سوم

مڃ. سڻو ڳي. ڪا مڃسڻ ڳي. ڪا مڃسڻ ڳي. ڪا مڃسڻ ڳي. ڪا مڃسڻ ڳي.
 aibi-jamyāt nā wahyō waṇhēuš hwō at
 مڃسڻ. مڃسڻ. مڃسڻ. مڃسڻ. مڃسڻ. مڃسڻ.
 sīšōit paṭō sawaṇhō ərəzūš nā yē
 مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي.
 manāḥascā astwatō aṇhēuš ahyā
 مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي.
 ā-šaēti yēng āstīš haiṭyēng
 مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي.
 huzēntušə ʔbāwəs arədrō ahurō
 مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي. مڃسڻ ڳي.
 mazdā spəntō

دروڊ به آموزگارانه راه راستي

پروردگارا کسی که ما را به راه راست و درست زندگی و
 رستگاری جهان مادی و معنوی رهبری کند، بهشت بهره اش
 ساز. آن بهشتی که پایگاه پرهیزگاران و پاک نشان و بارگاه
 قدس اهورایی است. بشود که به رهبری آنان ما به تو راه
 یابیم.

پند چارم

مڙا	کڙا	ڙا	ڙا	ڙا	ڙا
spəntəm	taxməmcā	mōnghāi	ūβā	at	
مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا
yā-tū	zastā	tā	hyaṭ	mazdā	
مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا
drəgwāitē	ašīš	dā	yā	awā	hafši
مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا
ūβahyā	ašāunaēcā				
مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا
ašā-aojanhō	āūrō	garēmā			
مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا	مڙا
manan̄hō	jimaṭ	hazē	wan̄hēuš	mōi	hyaṭ

مژدا داور دادگر کارهای مردمان است

ای مژدا من دریافتم که تویی توانا و پاک و داور دادگری که
هر نیکی و بدی را پاداش و سزا می بخشی - ایمان من به تو
ناگسستنی است. چون پاداش و سزای نیک اندیش و دروغ
پرست را از زبانه آذر فروغمند و پاکت که جز از راستی و داد
نیست برقرار داشته ای.

بن

မေတ္တာဗျူဟာ . ဗျူဟာ . ဗျူဟာ . ဗျူဟာ . ဗျူဟာ .

ahurā mōnghi mazdā v̥βā at̥ spəntəm

မုသဝ်လံ . မုဟိတံ . သုဂါယဒံ . သုဗ္ဗကုဏ္ဍိယံ . နေရာဇာနည် .

darəsəm zəʔōi aŋhəuʃ ʈβā hyaʈ

[illegible]

śyaoṭṭanā dā hyat paourwīm

6. 1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840.

uxδā yācā mīḷdawān

மே. மார்ச். ஏப்ரல். மே. சூன். சூலை. ஆகஸ்ட். செப்டம்பர். அக்டோபர். நவம்பர். டிசம்பர்.

wan̄haowē aṣīm wan̄uhīm akāi akēm

၁။ နေပြည်တော်။ ၂။ ရန်ကုန်။ ၃။ မန္တလေး။ ၄။ ဟင်္သာတ။ ၅။ ဟင်္သာတ။ ၆။ ဟင်္သာတ။ ၇။ ဟင်္သာတ။ ၈။ ဟင်္သာတ။ ၉။ ဟင်္သာတ။ ၁၀။ ဟင်္သာတ။

apōmē urwaēsē dāmōiš hunarā ūḅā

مردا سرآغاز و سرانجام همه چیز است.

آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که تو را سرآغاز و سرانجام همه چیز دانستم و دریافتم که تو از روز نخست نتیجه و بازتاب هر گفتار و کردار نیک یا بدی را مقرر فرمودی و داوری تو پیوسته بر این اصل است که بدی بهره بدان و نیکی پاداش نیکان است تا روز بازپسین.

بند ششم

| | | | | | | | |
|---------|--------|------------|-----------|-----------|-------|--------|----------|
| urwaēsē | mainyū | ūβā | spəntā | yahmī | | | |
| managhā | wohū | ahmī | xšaθrā | mazdā | jasō | | |
| aṣā | gaēθā | šyaoθanāiš | yehyā | səṇghaitī | ratūš | aēibyō | frādəntē |
| xratəuš | ūβahyā | ārmaitiš | dābayeitī | naēciš | yēm | | |

آموزش راه دین بر همه کس بایسته است

از آن دم که خرد مقدس مزدا در درون کسی راه یابد، نیروی معنوی و منش پاک در او پدیدار شود و آنگاه است که پیامبر تو خواهد توانست به او علم دین و دانش مینوی بیاموزد تا به وسیله آن آموزش ها، کشور پارسایی گسترش یابد و کسی نتواند پیروان تو را از راه راست و درست باز دارد.

بند هفتم

اهورا مزدا . مینو . مینو . مینو . مینو . مینو .
 ahurā mānghī mazdā v̥bā at spəntəm
 ماناها . پاری-جاسات . ووهو . ما . هیا .
 manahā pairī-jasaṭ wohū mā hyaṭ
 اهی . کاهیا . اهی . کیش . ما . پراساتکا .
 ahī kahyā ahī ciš mā pərəsaṭcā
 فراسایای . داکشآرا . آیاره . کاهیا .
 fərasayāi daxšārā ayārē kaṭā
 ویدیه . ویدیه .
 v̥bāhū aibī dīšā
 تانوشیکا . گاهیه .
 tanuṣicā gaēv̥āhū

هرکس باید بیندیشد که کیست، از کجا آمده و برای چه در این جهان است؟

ای مزدا اهورا- هنگامی تو را مقدس شناختم که منش پاک به
 من روی نمود و واداشت تا بیندیشم که من کیستم و از کجا
 آمده ام و دریابم که وظیفه من در این جهان چیست و به
 طرفداری از کدام گروه (نیکان یا بدان) برخیزم؟

پند هشتم

| | | | | |
|--------------|--------------------|---------------|------------------------|---------------|
| مخ. | س گز د. | م گز پ. | زدا م گز ا گز. | و م گز ا و پ. |
| paourwīm | | zaraϑuštrō | aojī | hōi aṭ |
| و م گز د گز. | و و م گز پ پ. | س د د گز. | و ا و م گز ا و م گز پ. | |
| drəgwāitē | isōyā | hyaṭ | dwaēšā | haiϑyō |
| مخ. | م پ م گز ا و م گز. | س د د گز. | م گز پ و م گز. | |
| aojōnghwaṭ | hyēm | rafənō | ašāunē | aṭ |
| و م گز. | س د م گز پ. | و م د د د گز. | و م گز ا و م گز د گز. | |
| xšaϑrahyā | wasasə | ābūštīš | hyaṭ | |
| و د د گز. | س د م گز. | و م گز. | | |
| ϑβā | ā | yawaṭ | dyā | |
| و م گز د گز. | و م گز پ. | و م گز. | | |
| ufyācā | stāumī | mazdā | | |

باید پیوسته دشمن دروغ و دوست دار راستی بود

آن گاه به خود پاسخ داده . گفتم: من زرتشتم و تا آن جا که
نیرو دارم دشمن سرسخت دروغ و پشتیبان استوار راستی
خواهم بود تا زمانی که همه جهانیان به کشور جاویدان
راستی راه یابند- از این روی همیشه. ای مزدا تو را ستایش
گر و با سرودهای نیایش. تو را خواهم ستود.

پنت نم

| | | | | | |
|---|-------------|----------|-----------|------|---------|
| ahurā | mōnghi | mazdā | v̥bā | aṭ | spəntəm |
| مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. | | | | | |
| manaḥhā | pairī-jasat | wohū | mā | hyaṭ | |
| مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. | | | | | |
| wašī | wīwīduyē | kahmāi | fərasōm | ahyā | |
| مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. | | | | | |
| āv̥rē | | v̥bahmāi | ā | aṭ | |
| مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. | | | | | |
| nəmaḥhō | | rātām | | | |
| مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. مدهاسرئو. | | | | | |
| manyāi | isāi | yawaṭ | aṣahyā-mā | | |

پیروی از راستی بهترین راه زندگی است

ای خدای دانا. آن گاه تو را مقدس شناختم که وهومن (منش پاک) به من روی آورد و پرسید: چه راهی را با صمیم قلب. پیروی خواهی کرد؟ و من پاسخ دادم. من راستی را که بهترین و والاترین راه است پیروی می کنم و تا آن زمان که نیرو دارم دل به این فروغ مینوی خواهم بست.

پنت دهم

| | | | | | |
|-----------|------|---------|---------|---------|----------|
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| mā | hyat | ašom | dāiš | mōi | tū at |
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| ārəm | ī | hacimnō | ārmaitī | zaozomī | |
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| parštā | ēhmā | tōi | yā | nā | pəresācā |
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| ēmawatəm | ta | ya | ū | zī | parštēm |
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| xšayaš | ū | h | | | |
| م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. | م.ج. |
| ēmawantəm | dyāt | aēšom | | | |

راه راست را تنها با منش پاک می توان شناخت

پس ای منش پاک. راه راست را به من بنما چه همواره خواهان
 آنم تا با نیروی آرمینیتی (آرامش وجدان) آن را ببینایم. ای
 وهومن پیوسته به پریش های ما پاسخ ده چه راهنمایی های
 تو چنان است که از جانب خدای بزرگ رسیده باشد و تنها این
 راهنمایی هاست که همه را توانایی و کوشایی می بخشد.

بنت یازدهم

| | | | | | |
|-------------|-------------|--------|-----------|------|---------|
| دولتتو. | م. | کس. | مزد. | م. | س. |
| ahurā | mānghi | mazdā | ūbā | aṭ | spəntəm |
| س. | س. | س. | س. | س. | س. |
| mananḥā | pairi-jasat | wohū | mā | hyat | |
| س. | س. | س. | س. | س. | س. |
| paourwīm | dīdaiṇhē | uxdāiš | xšmā | hyat | |
| س. | س. | س. | س. | س. | س. |
| zarazdāitiš | mašyaēšū | sas | sādrā-mōi | | |
| س. | س. | س. | س. | س. | س. |
| hyat | wərəzeidyāi | taṭ | | | |
| س. | س. | س. | س. | س. | س. |
| wahištəm | mraotā | mōi | | | |

همه ما باید پیوسته در پیشبرد راستی بکوشیم

آن گاه تو را مقدس دانستم ای مزدا اهورا که وهومن (خرد پاک) بر من ظاهر شد و راه راست را به من نشان داد و چون آن را دریافتم بر آن شدم تا به مردمان بیاموزم هر چند در این راه رنج و سختی کشم. راستی را که بهترین آیین است به آنان نشان دهم.

پنت دوازدهم

هردم هس. هژد. هاسژد. هس هس. هاسژد. هاسژد. هاسژد.
 frāxšnənē jasō ašəm mraoš mōi hyatcā
 هس. هس-هژد. هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس.
 pairyaoyžā asruštā nōiṭ tū-mōi aṭ
 هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس.
 ā-jimaṭ mōi hyaṭ parā uzərədyāi
 هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس.
 hacimnō maṣā-rayā aši səraošō
 هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس.
 rānōibyō ašiš wī yā
 هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس. هس.
 wīdāyāt sawōi

آقای سرهوش همان می یا ندای وجدان است که از درون آدمی بر می فیزد

هنگامی که فرمان سروش و اشا را از درون خود شنودم بر آن
 شدم تا راه راست و آیین درست را به مردم بیاموزم و دمی از
 آن سرنپیچم و چون دانستم که این آیین راست و درست است
 با کوشش و اراده و جرات تمام تعلیم خواهم داد. باشد که من
 و پذیرندگان این دین کامروا گردیم.

پنٔ سپړد هلم

| | | | | | |
|---------|-------------|--------|---------|-----------|---------|
| د اهورا | مڼه | مزد | وښ | ا | سپنټم |
| ahurā | mōnghi | mazdā | ūβā | aṭ | spəntəm |
| ماناڼه | پاړ-جاساټ | ووه | ما | هياټ | |
| manaŋhā | pairī-jasaṭ | wohū | mā | hyaṭ | |
| داتا | موي | تم | کاماها | ويژدای | ارهوا |
| dātā | mōi | tēm | kāmahyā | wōizdyāi | arəvā |
| ناعیس | وا | یام | یاش | دارگاهیا | |
| naēcīš | wā | yēm | yāuš | darəgahyā | |
| یا | ستیس | وایریا | یت | دارشت | |
| yā | stōiš | wairyā | itē | dārəšt | |
| واکی | خشاوړی | وېاهمی | | | |
| wācī | xšaṭrōi | ūβahmī | | | |

برای پیشبرد راستی باید در برابر دروغ پرستان ایستادگی کرد

آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که خرد پاک به من
روی کرد و پرسید: ای زرتشت آرزوی تو چیست؟ و من گفتم
آرزومند یک زندگی دراز و سالم هستم تا بتوانم در برابر
دروغ پرستان هر چه بیشتر ایستادگی کنم و بر آنان پیروز
شوم.

پند چاردهم

| | |
|--|--|
| سنددسج. اس. ائدسد. واسطوسدج. ددوس. وسدوسج. | |
| daidīt iswā waēdamnō fryāi nā hyaṭ | |
| سدردج. سدوس. ممدوس. ائدج. ائسدوسج. | |
| frāxšnənem rafənō tawā mazdā maibyō | |
| سنددسج. اس. سوسج. سوسج. سوسج. ائسوسج. | |
| fraštā hacā ašāt xšaθrā ōβā hyaṭ | |
| ئسوسج. سدوس. سدوس. سدوس. سدوس. | |
| səṇghahyā sarədanā azēm uzərəidyāi | |
| سدسج. ممدوس. واسطوسج. سوسج. | |
| yoi-tōi wispāiš tāiš maṭ | |
| سوسج. سدوس. سدوس. | |
| marəntī maṭrā | |

اهورا مزدا دوستی مهربان و یاور همه است

همان گونه که دوست مهربانی پیوسته پشت و پناه دوست خود است. ای مزدا مرا دستگیر و پشتیبان باش و نیرویی به من ده تا بتوانم آیین تو را به خوبی بگسترانم و به آنان که به فرمان تو و دستورهای تو گوش می دهند پیاموزم تا از دروغ پرستان روی بگردانند و با آنان بستیزند.

پنت پانزدہم

اهورا۔ منہ۔ مزدا۔ وپا۔ ات۔ سپنتہ۔
 ahurā mənghī mazdā vīpā aṭ spəntəm
 مانا۔ پیر-جاسات۔ وھو۔ ما۔ ہیات۔
 managhā pairī-jasat wohū mā hyat
 وایشتا۔ مایتیش۔ توشنا۔ اوشیائی۔ داکشاک۔
 wahištā maitiš tuṣṇā uśyāi daxšaṭ
 ہیات۔ درگواتو۔ پوروش۔ نا۔ نویت۔
 hyāt drəgwatō pourūš nā nōit
 انگرنگ۔ وِسپَنگ۔ تو۔ ات۔ کیشنوک۔
 angrēng wīspēng tōi aṭ cixšnucō
 ادار۔ اشاون۔
 ādarē ašāunō

با یاد و اندیشہ فدا می توان بر نیروی های روان اخزود

هنگامی تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که وهومن به
 سوی من آمد و مرا واداشت تا دریابم که برای نیرومندی روان
 بهترین چیز اندیشه و یاد تو در گوشه خاموشی است و مرا
 آگاه فرمود که نباید هرگز به جلب رضایت و خشنودی دروغ
 پرستان برآمد. زیرا آنان راستی را بدترین دشمن خود می
 دانند.

پند شانزدهم

| | | | | |
|------------|------------|---------|---------|---------|
| مذ. | مسنواس. | سورج. | مدرج. | سلسلسو. |
| zaraϑuštrō | mainyūm | hwō | ahurā | aϑ |
| سلسلسو. | مدرج. | سلسلسو. | مدرج. | سلسلسو. |
| spēništō | ciścā | yastē | mazdā | wərəntē |
| مدرج. | مدرج. | مدرج. | مدرج. | مدرج. |
| aojōnghwat | uštānā | hyāt | ašəm | astwat |
| سلسلسو. | مدرج. | مدرج. | مدرج. | مدرج. |
| ārmaitiš | hyāt | xšaϑrōi | darəsōi | xwōng |
| مدرج. | مدرج. | مدرج. | مدرج. | مدرج. |
| wohū | šyaoϑanāiš | ašīm | | |
| مدرج. | مدرج. | مدرج. | | |
| mananḥā | daidīt | | | |

پیروی درست از خرمان دین فدا. تنها به یاری فرد و ایمان ممکن است

بنابراین من که زرتشت هستم (نیروی ایمان و وجدان) را برای خود برگزیدم. باشد که به یاری آن. نیروی راستی و پاکی چون خورشید تابان بر همه نورپاشی کند و آرمینیتی و وهومن ما را به حسب کردار نیکمان پاداش و مزد بخشد.

پسنا-هات

بند یکم

مده. وکده. ره(ه)دده. (ه)ن-ه. واکده. مده(ه).
 ahurā waocā orəš-mōi pərəsā ũβā taṭ
 (ه)ده(ه). مده. مده(ه). (ه). مده(ه)ده(ه).
 xšmāwatō nēmō yaṭā ā nēmaṇhō
 مده(ه). (ه)ده. وکده(ه)ده. مده(ه)ده. مده(ه)ده(ه).
 mawaitē sahyāt ũβāwaš fryāi mazdā
 مده. (ه). مده(ه). (ه)ده. وکده(ه)ده. مده(ه)ده(ه).
 hākureṇā dazdyāi fryā ašā nē aṭ
 مده(ه)ده(ه)- (ه). مده. واکده(ه).
 wohū ā yaṭā-nē
 مده(ه)ده(ه)ده. مده(ه)ده(ه).
 manañhā jimaṭ

پرسش های اهورایی

این را از تو می پرسم ای اهورا. مرا آگاه فرما. چگونه تو را
 به درستی باید ستود؟ ای مزدا آن را به من. که چون جان تو را
 دوست دارم. بیاموز تا همه بتوانیم از این راه به حقیقت پی
 بریم و منش پاک به سوی همه ما روی آورد.

پند دوم

مردم. که می‌داند. را می‌داند. و می‌داند. می‌داند.

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ōβā tat

و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند.

paourwīm wahištahyā anghōuš kaṭā

و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند.

paitiṣāt yē-ī sūidyāi kāṭē

و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند.

irixtəm spəntō ašā zī hwō

و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند.

mainyū hārō wīspōibyō

و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند. و می‌داند.

mazdā urwāṭō ahūmbiš

پاداش کردار نیک فو شبختی در دو جهان است

از تو می‌پرسم ای اهورا. چه به راستی می‌خواهم بدانم. آیا
سرانجام زندگی پارسایی خوشبختی در دو جهان است و کسی
که برای رستگاری روان دیگران می‌کوشد. بهره نیک خواهد
برد؟ این را مزدا می‌دانم که هر که به مردم مهر ورزد و
برای رستگاری دیگران بکوشد. چنین کسی دوست تو و درمان
بخش زندگی مردم خواهد بود.

پند سوم

مده. اکس. ره اهدس. ائس-مئ. واسکرس. مسوداس.
 ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā v̥βā taṭ
 وسدس. سچوس. ره مسم. مسخس دسد. ره داورد.
 pouruyō ašahyā patā zaṭvā kasnā
 وسدس. سچس. دم اهدس. وسچ. مسوداس.
 adwānəm dāt starōmcā xʷəṇg kasnā
 و. مس. سم. مسخس دسد. ائس-مئ. اکس.
 v̥βaṭ nərəfsaitī uxšyeitī mā yā kē
 مسمسچ. مسوس. واسدس.
 wasəmī mazdā tācīt
 مسدس. واسدس.
 wīduyē anyācā

همه آفرینش ها از فداوند است

از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهم بدانم-
 جز تو چه کسی در روز نخست آفرینش را بیافرید؟ چه کسی
 به خورشید و ستارگان راه سیر بنمود؟ کاهش و افزایش ماه از
 کیست؟ این ها و بسا چیزهای دیگر را می خواهم به درستی
 بدانم.

بند حاکم

မေတ္တာ . ငါတို့အတွက် . အသိပညာ-ဗဟုဝန် . မြန်မာ့နိုင်ငံ .

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ʕβā taṭ

[illegible]

nabāscā adē zaṃcā dərətā kasnā

မူဝါဒများနှင့် ဖွဲ့စည်းပုံအခြေခံဥပဒေ

urwarāscā apō kē awapastōiś

၁။ နာမည်။ ၂။ ဝါသနာ။ ၃။ နေရာ။ ၄။ နေ့ရက်။ ၅။ နေရာ။ ၆။ နေရာ။ ၇။ နေရာ။ ၈။ နေရာ။ ၉။ နေရာ။ ၁၀။ နေရာ။

āsū yaogəṭ dwaṇmaibyascā wātāi kē

وہم ہا۔ واماہا۔ واماہا۔ واماہا۔

mazdā waṇhēuš kasnā

ဝိ.ဗျာကုမာ . သာဓက

manan̄hō d̄amiš

فداوند نژهدار زمين و آسمان است

از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهم بدانم-

جز تو چه کسی نگهدار زمین در پایین و سپهر در بالا است؟

جز تو چه کسی آفریننده آب و گیاهان است؟ جز تو کیست آن

که به باد و ابر، تندرّوی فرمود؟ جز تو چه کسی برانگیزنده

منش پاک در مغزهای مردم است؟

بنت پنجم

مذبح. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

ahurā waocā erəš-mōi pərəsā uthā taṭ

و. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

təmāscā dāt raocāscā hwāpā kē

و. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

zaēmācā dāt xʷafnəmcā hwāpā kē

و. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

xšapācā arēm-piuthā ušā yā kē

اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

manaouirīš yā

اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس. اهل کس.

arəuāhyā cazdōnghwantəm

سوره ناه

جز تو کیست آن هنرمند بزرگی که روشنایی سودمند و شب
آرام بخش را بیافرید؟ جز تو کیست ایجاد کننده خواب و
بیداری؟ و جز تو چه کسی پدید آورنده بامداد و نیمروز و
شب است که مردم را برای ادای نماز تو فرا می خواند؟

پن ششم

م دج. ک کس. ل (ا)دس. (ا)س-د. واکس. دسوداس.

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ʔβā taʔ

سرس. (ا)دودسکس. سسری. م. س. دس.

aʔā tā yezī frawaxšyā yā

س دس. دس. سس. س دس. س دس. دس.

dəbāzaitī šyaoʔanāiš ašəm haiʔyā

س (ا)دس. م دس. دس. سس. واکس. م دس.

cinas wohū xšaʔrəm taibyō ārmaitiš

س دس. و دس. دس. دس.

azīm kaēibyō mananḥā

(ا)دس-دس. س. س. م دس.

tašō ɣəm rānyō-skərətīm

فداوند این جهان را برای شادی ما آخیزد

از تو می پرسم ای اهورا- به راستی می خواهم بدانم- آیا
روزی دانش واقعی و خرد مینوی (آرمنیتی) را به یاری ما
خواهی فرستاد؟ چه می دانم ملکوت تو بر نیک منشی و
راستی استوار است و برای چه کسانی این جهان بارور و
شادی بخش را بیافریدی.

پند و هشتم

| | | | | | |
|----------|--------|----------|--------|----------|------|
| مهم | تو | دوست | دوست | دوست | دوست |
| ahurā | waocā | erəš-mōi | pərəsā | ūβā | taṭ |
| دوست | دوست | دوست | دوست | دوست | دوست |
| ārmaitīm | maṭ | xšaθrā | tāšt | bərəxδam | kē |
| دوست | دوست | دوست | دوست | دوست | دوست |
| piθrē | puθrēm | wyānayā | cōrəṭ | uzəmēm | kē |
| دوست | دوست | دوست | دوست | دوست | دوست |
| mazdā | awāmī | fraxšnī | ūβā | tāiš | azēm |
| دوست | | | | | |
| mainyū | | | | | |
| spəntā | | | | | |
| دوست | | | | | |
| dātārēm | | | | | |
| wīspanam | | | | | |

این را می دانم ای اهورا که تو از روز ازل نیروی معنوی و مهر و دوستی جهانی و همگانی را بیافریدی. تویی آن کسی که از روی خرد مهر فرزندان را در دل پدر و مادر برانگیخته ای. ای مزدا آرزومندم که به وسیله خرد مقدس به تو نزدیک شوم و تو را چنان چه باید بشناسم.

پند هشتم

| | | | | | |
|---|--------|----------|------------|------|-----|
| اهورا | واوچا | اورش-موي | پرسا | وېا | تا |
| ahurā | waocā | erəš-mōi | pərəsā | ūβā | taṭ |
| اديشتي. مزدا. ياتوي. اورش-موي. پرسا. وېا. تا. | | | | | |
| ādištiš | mazdā | yā-tōi | məṇḍaidyāi | | |
| مانانها. فراشي. اوشدا. ووهو. ياحا. | | | | | |
| mananḥā | frašī | uxδā | wohū | yācā | |
| واهدياي. ارهم. انهوشت. اشا. ياحا. | | | | | |
| waēdyāi | arēm | aṇhēuš | ašā | yācā | |
| اورواشت. ووهو. اوروا. كا-مه. | | | | | |
| urwāšaṭ | wohū | urwā | kā-mē | | |
| تا. آگومات. | | | | | |
| tā | āgəmaṭ | | | | |

**ولی ای مزدا- چگونه می توان به اراده تو پی برد و راه و
 روش زندگی نیک منشی و پارسایی را یافت و چگونه می توان
 روان خود را به سوی رستگاری دو جهانی پیش برد؟**

پنجم

مذی. اکیس. ل(ا)دس. ا(ی)د-ا. واکس. دس(ا)س.

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ũβā taṭ

وسا-ا. واکس. واکس. واکس. واکس.

yaoš daēnaṃ yaoš yaṃ kaŭā-mōi

واکس. واکس. واکس. واکس. واکس.

sahyāt paitišō hudānāuš yaṃ dānē

واکس. واکس. واکس. واکس. واکس.

ŭβāwaš xšaŭrā ərəšwā xšaŭrahyā

مذی. واکس. واکس. واکس. واکس.

wohucā hadəmōi ašā mazdā asīštīš

واکس. واکس. واکس. واکس. واکس.

manajhā šyās šyās

این را به راستی می دانم که روان پیروان آیین تو ای مزدا در
هر دو جهان در بهشت (بهترین جای) قرار خواهند گرفت و
مردم تنها از راه پیروی راستی و پاک منشی به کشور
جاودانی تو راه خواهند یافت.

پند دهم

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā vīβā taṭ

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

wahištā hātām yā daēnām tām

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

hacēmnā frādōiṭ ašā gaēvā yā-mōi

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

ərəš šyaovānā uxδāiš ārmatōiš

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

vīβā cistōiš mahyā daidyaṭ

مذکرمه. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا. اهورا.

mazdā usēn īštīš

به راستی ای مزدا چنین خواهد بود. چون راه و آیین تو
بهترین ارمغان برای آدمیان است و از آن جایی که این آیین با
راستی یکسان است. پیروان آن را فراخی و آسایش و رستگاری
دو جهانی خواهی بخشید.

بند یازدهم

| | | | | | |
|------------|----------|----------|----------|----------|----------|
| مذک | ککس | لئئدس | ئئد-کک | کککس | سککس |
| ahurā | waocā | ərəš-mōi | pərəsā | ūβā | taṭ |
| وسکس | مکک-س | کککککککک | سککککککک | | |
| ārmaitiš | wijōmyāt | tōng-ā | kaṭā | | |
| سککککککک | کککس | کککککککک | کککککککک | کککککککک | کککککککک |
| daēnā | wašyetē | ūβōi | mazdā | yaēibyō | |
| سکک | کک | سکک | کککککککک | کککککککک | کککککککک |
| frawōiwidē | pouruyō | āiš | tōi | azēm | |
| کککککککک | کککککککک | کککککککک | | | |
| manyōuš | anyōng | wīspōng | | | |
| کککککککک | کککککککک | | | | |
| dwaēšaṇhā | spasyā | | | | |

یاری فواستن اشو زرتشت از پروردگار برای انجام درست رسالت فویش

**ای مزدا- اینک که من به ارشاد مردم و آموزش راه تو
پرداخته و با همه دروغ پرستان به ستیزه برخاسته ام. مرا
نگهدار و پشتیبان باش و خرد پاک را به یاری مردم فرست تا
به گفتار و آموزش هایم پی برند.**

پنت دوازدهم

مده. کهکس. رهراکسد. اراکسد-کد. کادکسد. مدهکسد.
 ahurā waocā erəš-mōi perəsā ũβā taṭ
 و. مدهکسد. مدهکسد. رهراکسد. وراکسد. کسد.
 wā drəgwā perəsāi yāiš ašawā kē
 ودهکسد. مدهکسد. کسد. مدهکسد. کسد. مدهکسد.
 angrō wā hwō wā angrō ā katārēm
 مدهکسد. وراکسد. کهکس. مدهکسد. رهراکسد-کد.
 paitī-erətē sawā ũβā drəgwā yē-mā
 مدهکسد. مدهکسد. مدهکسد. مدهکسد.
 ayēm nōit hwō cyanḥaṭ
 مدهکسد. مدهکسد.
 manyetē angrō

از تو می پرسم ای اهورا- به راستی می خواهم بدانم که
 برای آموزش راهت نخست به کدام سوی روی آورم. آنان که
 پیرو دروغ هستند یا آنان که طرفدار راستی اند؟ و با دروغ
 پرستان چگونه رفتار کنم. مگر آنان دشمن تو نیستند؟

پند سپردا هتم

| | | | | | |
|-----------|------------|----------|--------|--------|--------|
| مهم | که | داده | داده | داده | داده |
| ahurā | waocā | ərəš-mōi | pərəsā | ūβā | taṭ |
| و | داده | داده | داده | داده | داده |
| nāṣāmā | nīš | ā | ahmaṭ | nīš | drujəm |
| مهم | داده | داده | داده | داده | داده |
| perənāṇhō | asruštōiš | yōi | awā | tēng-ā | |
| داده | داده | داده | داده | داده | داده |
| hacōmnā | ādiwyeiṇtī | ašahyā | nōiṭ | | |
| داده | داده | داده | داده | داده | داده |
| wanḥēuš | frasayā | nōiṭ | | | |
| داده | داده | داده | داده | داده | داده |
| manāṇhō | cāxnarē | | | | |

ای اهورا- آیا باید از پیروان دروغ و مردمان بی دین و ایمان دوری کنم و آنان را از خود برانم؟ چگونه باید با کسی که برای شنیدن راستی و گفتار خردمندانه، دل بستگی نشان نمی دهد، رفتار کنم؟

پند چهاردهم

مدهی. کهکس. رهراکسد. اراکسد-را. واسکرس. مسوداس.
 ahurā waocā erēš-mōi pərəsā vībā taṭ
 ودهی. مسوداس. وراکسد. وراکسد. زاستایو.
 zastayō dyām drujēm ašāi kaṭā
 پ. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد.
 maṭrāiš vībahyā mərəždyāi hīm nī
 دهی. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد.
 dāwōi sinām ēmawaitīm sēnghahyā
 وراکسد. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد.
 dwafšōng ā-īš drəgwasū
 رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد. رهراکسد.
 aštascā anāšē mazdā

ای اهورا- آیا باید رهبری دروغ پرستان را به راستی خواهان
 واگذارم تا با آموزش کلام آسمانی روان آنان را از آلودگی
 پاک گردانند. یا باید با وارد ساختن شکست کامل به
 هواخواهان دروغ و تبه کاران. فریب و بدکاری آنان را از بین
 ببرم و بی اثر گردانم؟

پنٔ پانزدہم

مہم۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 ahurā waocā erəš-mōi pərəsā ũβā taṭ
 مہم۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 xšayehī maṭ pōi ašā ahyā yezī
 مہم۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 jamaētē anaocanḥā spādā hēm hyaṭ
 مہم۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 dīdərəžō mazdā yā-tū urwātāiš awāiš
 واد۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 kahmāi ayā kuṭrā
 واد۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔ اہورہ۔
 dadā wananam

ای اهورا- هنگامی که سپاه دروغ پرست در برابر سپاه راستی
 صف آرایی کرده و به هم می تازد، آیا راستی را توانایی آن
 هست که دروغ را شکست دهد و طرفداران خود را نگهداری
 کند؟ چه وقت ای مزدا برابر قانون تو راستان را بر دروغ
 پرستان پیروزی خواهی بخشید؟

پنټ شائز دهم

مځ. ټکوسد. ځای ددس. ځای د-ځای. ټکوسد. دسوداسد.
 ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ټټā taṭ
 و. ټکای ټکای دس. ټکوسد. ځای. دس ټکوسد.
 sənghā pōi ټټā wərəṭrēm-jā kō
 دس ځای. دس ټکوسد. ځای. دس ټکوسد. دس ټکوسد.
 ahūmbiš dām mōi ciṭrā hēntī yōi
 دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد.
 səraoṣō wohū hōi aṭ cīždī ratūm
 دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد.
 ahmāi mazdā mananḥā jaṇtū
 دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد. دس ټکوسد.
 kahmāicīṭ waṣī yahmāi

ای اهورا- آن شخص دلیر و پیروزمندی که باید از روی
 دستور تو دین داران و راستی خواهان را در پناه خود گیرد و
 پیروز گرداند کیست؟ آن را با الهام به من باز گوی که کیست
 آن داور نجات دهنده دانایی که بدین کار گماشته ای؟ بشود
 که سروش (ندای وجدان) و وهومن (منش نیک) او را و همه
 آنانی را که دوست دار تو هستند یار و یاور باشند.

پند و نصیحت

مردم. و کس. و اهل. و اهل. و اهل. و اهل. و اهل.

ahurā waocā erəš-mōi pərəsā ōβā taṭ

و مرد. و مرد. و مرد. و مرد. و مرد.

hanānī mīždēm taṭ ašā kaṭā

و مرد. و مرد. و مرد. و مرد. و مرد.

uštremcā aršnawaitiš aspā dasā

و مرد. و مرد. و مرد. و مرد. و مرد.

haurwātā apiwaitī mazdā mōi hyaṭ

و مرد. و مرد. و مرد. و مرد. و مرد.

hī yaṭā amərətātā

و مرد. و مرد. و مرد. و مرد. و مرد.

dāṇhā taēibyō

ای اهورا- چگونه در پرتو اشا(راستی و پاکی) به درک راه تو
و حقایق زندگی پی خواهیم برد؟ و ای مزدا- چه وقت از
کمال و رسایی (خرداد) و جاودانگی(امرداد) برخوردار خواهیم
شد؟ و چگونه خواهیم توانست این دو نعمت را به مردم جهان
ارمغان کنیم؟

پنت نوزدهم

مذک. واکس. راکس. ائیس-م. واکس. مسو.س.

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ōβā taṭ

مسو.س. واکس. مسو.س. واکس. مسو.س.

dāitī nōiṭ hanəntē mīždəm yastat

مسو.س. واکس. مسو.س. واکس. مسو.س.

dāitē nā ərəžuxδā ahmāi yē-īṭ

مسو.س. واکس. مسو.س. واکس. مسو.س.

pouruyē aṇhaṭ mainiš ahyā kā-tēm

واکس. مسو.س. واکس. مسو.س.

yā-īm awam wīdwā

مسو.س. واکس. مسو.س.

apēmā aṇhaṭ

هر خردی باید به هم نهی و نهی کند

ای اهورا- آیا کسی که پیمان شکند و نیکان و پارسایان را در
هنگام حاجت یاری نکند. چه جزایی برایش مقرر داشته ای؟
به راستی که چنین کسی برابر آیین تو در سرای دیگر به
پادافره کوتاهی در انجام وظیفه اش نسبت به هم نوعان
گرفتار رنج و سختی نخواهد شد؟

پنت پیستم

| | | | | |
|-----------|------------|------------|------------|------------|
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| ānharō | daēwā | huxšaθrā | mazdā | ciθenā |
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| pišyeiñtī | yōi | pərəsā | ī | a |
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| gām | yāiš | kām | aēibyō | |
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| dātā | aēšəmāi | usixšcā | karapā | |
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| urūdōyatā | anmēnī | kawā | yācā | |
| مردی است. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. | و می‌داند. |
| frādainhē | wāstrēm | ašā | mīzēn | hīm |
| nōi | | | | |

همکاری و یاری بدکاران نیز گناه شمرده می‌شود

ای مزدا- چگونه ممکن است این دیوان بدکار که با جور و ستم و کشتار به فرمانروایی رسیده‌اند. از شهریاران خوب به شمار آیند و چگونه هواخواهان آنان که چون کرپان‌ها (کوران با چشم) و اوسیح (کران با گوش) هستند و برای خشنودی اربابان خود (کاوی‌ها) جهان را پر از بی‌دادگری و خونریزی کرده‌اند. از گمراهان به شمار نیایند؟ آری این بدکاران برای به دست آوردن نیرو و دارایی حاضرند جهانیان را از راه درست و راست دور نگه‌دارند.

پسنا-هات ۴۵

پند یکم

سج. ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

sraotā nū gūšōdūm nū frawaxšyā aṭ

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

išaṭā dūrāt yaēcā asnāt yaēcā

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

mazdārhō-dūm zī ciṭrē wīspā īm nū

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

ahūm duš-sastiš daibitīm nōiṭ

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

drəgwā waranā akā mərəšyāt

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵.

āwəretō hizwā

دومین سفن رانی همگانی اشو زرتشت

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده اید. من
برایتان سخن می گویم- همه گوش هوش فرادهید و بشنوید
حقایقی را که برایتان روشن می سازم و بایسته است که آن را
به خاطر بسپارید تا مبدا آموزگاران دروغ شما را گمراه کنند
و با گفتار نادرست و فریبنده زندگانی شما را در دو جهان
تباه سازند.

پند دوم

مځ. ډاډه او د پلار داسې. د زوی داسې. د مور داسې. د پلار داسې.
 pouruyē mainyū aṇhēuš frawaxšyā aṭ
 د مور داسې. د پلار داسې. د مور داسې. د پلار داسې. د مور داسې.
 aṇgrēm yēm mrawaṭ ūitī spanyā yayā
 ډاډه. مور. مور. مور. مور. مور.
 nōiṭ sēnghā nōiṭ manā nā nōiṭ
 د مور داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې.
 uxḍā nōiṭ waranā naēdā xratawō
 د مور داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې.
 nōiṭ daēnā nōiṭ śyaoṭanā naēdā
 د مور داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې. د پلار داسې.
 hacaiṇtē urwaṇō

دوهونگی روش اندیشیدن

من می خواهم از دو مینو یا دو گونه روش اندیشیدن در آدمی
 سخن گویم که یکی پاک و سپنتا مینویی است و دیگری ناپاک
 و انگره مینویی است. این دو همیستار و مخالف یکدیگرند و
 هیچ کدام در اندیشه و گفتار و کردار و آموزش و آرزو و
 عقیده و روح یکسان و همانند نیستند.

پند سوم

| | | | | | |
|---------|---------------|---------|-----------|----------|-----------|
| سج | لئدووسدسپدندس | موسفادی | مسنندس | لئدووسدس | |
| pourwīm | ahyā | aṇhēuš | frawaxšyā | aṭ | |
| سجوس | لئدو | کاپووسس | سدسوسس | کاسدسوس | مسنوولئدو |
| ahurō | waocaṭ | mazdā | wīdwa | mōi | yam |
| سوسلئدو | س | ک | لئدو | دوس | سجوسلئدو |
| maṭrēm | iṭā | nōi | wē | īm | yōi |
| کاسدسوس | سجوس | سوس | س | سجوس | سجوس |
| mēnāicā | īm | yaṭā | warešəntī | | |
| کاسدسوس | سدسوس | لئدو | موسفادی | مسنندس | مسنوولئدو |
| awōi | aṇhēuš | aēibyō | waocacā | | |
| موسسوس | سوس | | | | |
| apēməm | aṇhaṭ | | | | |

نتیجه نادرمانی از آموزش پشیمانی است

من می خواهم سخن بگویم درباره آن چه که پایه و بنیاد
زندگانی نیک است و آن را از اهورامزداى دانا فرا گرفته ام.
کسانی که این سخنان را بشنوند و برابر آن رفتار نکنند در
پایان پشیمان می شوند و افسوس خواهند خورد.

پند چهارم

مَدَ . وَاہِشْتَمَ . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 wahištəm ahyā aṇhəuš frawaxšyā aṭ
 مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 dāt īm yē waēdā mazdā hacā ašāt
 مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 manəḥō warəzayəntō waṇhəuš patarēm
 مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 ārmaitiš hušyaoθanā dugədā hōi aṭ
 مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 diβzaidyāi nōiṭ
 مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا . مَزْدَا .
 ahurō wīspā-hišas

بهترین راه زندگی

اینک سخن می گویم از راهی که برای زندگی بهترین راه ها
 است. راهی که از مزدا فرا گرفته ام و آن راه پیروی از اشا
 (راستی و درستی) است. راهی که پروردگار دانا، که چون
 پدری مهربان و نیک اندیش است. برقرار داشته تا با پیروی آن
 این زمین بکر به وسیله کشاورزان کوشا بارور شود. آری مزدا
 از همه چیز آگاه است و نمی توان او را فریفت.

بنت پنجم

| | | | | |
|---------|----------|-----------|------------|----|
| مراوت | موی | هیاٹ | فراواکشا | اٹ |
| مراوت | موی | هیاٹ | فراواکشا | اٹ |
| هیاٹ | سریڈای | واک | سپنٹوتام | |
| موی | یوی | واهیشتم | مارتاایبوی | |
| کایاسکا | دان | سراوشم | اهمائی | |
| وانهوش | امراتاتا | هاورواتا | وپا-جیمن | |
| اهور | مازدا | شیاوانایش | مانیوش | |

کسانی به رسایی و جاودانی خواهند رسید که به ندای وجدان گوش دهند

من سخن می گویم از آن چه که مزدای پاک به من آموخت.
سخنی که شنیدنش برای مردم بهترین آموزش هاست و آن این
که کسی به پایه رسایی و جاودانی خواهد رسید که به ندای
وجدان خود گوش دهد و بدان ارج گذارد. چه خشنودی
اهورامزدا از راه اندیشه نیک و کردار درست (آن چه که
وجدان گوید) به دست می آید.

س ب

.ᲙᲉᲗ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 mazištəm wīspanəm frawaxšyā at
 .ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 həntī yōi hudā yē ašā stawas
 .ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 ahurō mazdā sraotū mainyū spəntā
 .ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 manəṇhā fraši wohū wahmē yehyā
 .ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 frō-mā xratū ahyā
 .ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ ᲙᲉᲕ᲏ᲛᲗᲉᲙ
 wahištā sāstū

اهورامزدا فیرفواہ همه است

**من می خواهم سخن گویم از کسی که بزرگ تر و خیر خواه
تر از همه است و او اهورامزداست. او به وسیله خرد و روان
پاک خودش ستایش کسانی که او را می ستایند می شنود.
آرزومندیم که با خرد پاک و ایمان درست به او دست یابیم و
ما را از آن چه بهتر از همه است بیابانند.**

پنجم

سرسر دسد. دد دسد. دس دسد. (سد دسد).

rādanhō iṣṣāntī sawā yehyā

سرسر دسد. دد دسد. دس دسد. (سد دسد).

bwanṭicā aṅharēcā jwā yōi-zī

سد دسد. دس دسد. دس دسد. (سد دسد).

aēṣō urwā aṣāunō amərətāitī

سد دسد. دس دسد. دس دسد. (سد دسد).

drəgwatō sādrā nərāṣ yā utayūtā

سد دسد. دس دسد. (سد دسد).

mazdā xṣaṭrā tācā

سد دسد. (سد دسد).

ahurō dāmiš

این است خرمان ابدی اهورامزدا

اوست کسی که پاداش نیکوکاری و پادافره بدکاری را تا ابد
برقرار داشته. خواه آن کردار در گذشته انجام یافته باشد یا در
حال و آینده انجام پذیرد و آن این که روان پاکان و
پرهیزکاران پیوسته شاد و خرم و روان بدکاران همیشه
گرفتار رنج و شکنجه خواهد بود. این است فرمان ابدی که
اهورامزدا با دانش خویش برای همیشه برقرار داشته است.

بند هشتم

مهمانم آمد. ایستاد. س. کاروانیست.

wīwarəšō ā nəmaŋhō staotāiš nō tōm

آورد. کاروانیست. کاروانیست.

wyādarəsəm cašmainī nū-zīt

کاروانیست. کاروانیست. کاروانیست.

šyaoṽanahyā manyōuš waŋhōuš

کاروانیست. کاروانیست. کاروانیست.

yēm ašā wīduš uxḍahyācā

کاروانیست. کاروانیست. کاروانیست.

hōi aṭ ahurəm mazdām

کاروانیست. کاروانیست. کاروانیست.

nidāmā garō dēmānē wahmōṇḡ

راه فداشناسی

از آن جایی که پروردگار یکتا را با دیده دل و از راه پارسایی شناخته ام. خواهم کوشید همه را به سوی او رهبری کنم و به مردم بیاموزم که اهورامزدا را تنها می توان از راه راستی با اندیشه و گفتار و کردار نیک شناخت و درود و ستایش خود را تنها به پیشگاه او تقدیم کرد.

پند نهم

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

cixšnušō manaṇhā maṭ wohū nō tōm

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

aspēncā spēncā cōrəṭ usēn yē-nē

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

ahurō dyāt wərəzēnyā xšaθrā mazdā

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

ā fradaθai ahmākəṇṅ wīrəṇṅ pasūš

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

haozaθbāt ašā wəṇhəuš

مردم را می آموزد که به دیگران می آموزد که

manaṇhō ā

تنها اهورامزدا سزاوار ستایش مردم است و بس

خردمند نیک اندیش کسی است که به دیگران می آموزد که
 اهورامزدا از همه بیشتر و بهتر سزاوار ستایش و پرستش
 است. اوست که دآوری همه کارهای مردم را در دست دارد و
 به راستی تنها او سرور و آفریدگار همه آفرینش ها است. باشد
 که همه با منش پاک و کار نیک به او نزدیک شویم.

بند یازدهم

| | | | |
|---------------|--------|---------|------------|
| mašyascā | aparō | daēwōng | yastā |
| tarō-manyantā | īm | yōi | tarō-maštā |
| manyātā | arēm | hōi | yē |
| spəntā | patois | dēng | saošyantō |
| patā | barātā | urwaθō | daēnā |
| ahurā | mazdā | wā | |

فدا دوست و برادر و پدر همه ماست

کسی که از پرستش دیوان و فرمان برداری از آنان روی بگرداند و به پروردگار یکتا و آیین پاکش روی آورد، اهورامزدا به چنین کسانی برابر وعده ای که فرموده چون دوست و برادر و پدر است. و راه اینان با دشمنان اهورامزدا کاملاً جداست.

پسنا-هات ۴۶

بند یکم

| | | | | | |
|--------------------------|-----------------|-----------------------|-------------------|-------------|---------------|
| وسه. | ایه‌ج‌ه. | ی‌چوه. | و‌ل‌اس. | ایه‌ج‌ه. | م‌د‌ن‌س‌ر‌ه‌. |
| ayenī | nəmōi | kuṽrā | zəm | nəmōi | kām |
| د‌د‌ایه‌. | س‌م‌ل‌م‌ف‌ایه‌. | م‌د‌ا‌د‌د‌م‌د‌م‌د‌س‌. | و‌د‌و‌د‌م‌ه‌. | | |
| dadaitī | airyamanascā | x ^w aētəuš | pairī | | |
| ه‌ج‌ه‌. | ه‌س‌. | م‌ل‌م‌ل‌س‌ایه‌. | س‌س‌. | ه‌ای‌ای‌س‌. | س‌ه‌ف‌س‌. |
| hēcā | wərəzēnā | yā | xšnauš | mā | nōiṭ |
| س‌م‌ل‌و‌س‌. | و‌د‌س‌د‌ایه‌. | س‌ر‌ج‌ه‌. | م‌د‌س‌د‌م‌س‌ایه‌. | | |
| sāstārō | yōi | dahyēuš | naēdā | | |
| و‌ای‌ای‌ای‌ای‌ای‌ای‌ای‌. | و‌د‌ل‌س‌. | ل‌ک‌س‌. | ه‌س‌و‌س‌. | | |
| mazdā | ṽβā | kaṽā | drəgwantō | | |
| | م‌س‌د‌ایه‌. | م‌ل‌م‌ل‌م‌ل‌م‌ل‌س‌د‌. | | | |
| ahurā | xšnaošaī | | | | |

رو به رو شدن اشو زرتشت با دشمنی بداندیشان

**پروردگارا- به کدام خاک روی آورم؟ به کجا رفته پناه
جویم؟ دشمنانم مرا از دوستان و بستگان جدا کرده اند و آنان
از من کناره می جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست نیز
خشنود نیستم و با این وضع چگونه می توانم در راه خدمت به
تو ای اهورامزدا کامیاب شوم و آیین پاکت را گسترش دهم؟**

پند دوم

| | | | | | |
|-----------|--------------|-----------|----------------|-----------|----------|
| انا‌ئ‌ش‌و | ما‌ز‌د‌ا | ا‌ه‌م‌ی | یا | تا‌ت | وا‌ئ‌د‌ا |
| anaēšō | mazdā | ahmī | yā | taṭ | waēdā |
| ا‌ه‌م‌ی | ک‌ام‌ن‌ا‌ن‌ا | ه‌یا‌ت‌کا | ک‌ام‌ن‌اف‌ش‌وا | ما | |
| ahmī | kamnānā | hyaṭcā | kamnaṣwā | mā | |
| ا‌ه‌ورا | ا‌وا‌ئ‌ن‌ا | ا‌-‌ئ‌ت | ت‌و‌ی | گ‌ر‌ز‌و‌ی | |
| ahurā | awaēnā | ā-īṭ | tōi | gərəzōi | |
| ف‌ری‌ای | ف‌ری‌و | ه‌یا‌ت | کا‌گ‌وا | راف‌ئ‌ر‌م | |
| fryāi | fryō | hyaṭ | cagwā | rafəðrēm | |
| | وا‌ن‌ه‌و‌ش | ا‌ک‌س‌و | د‌ا‌ئ‌ت | | |
| | waṇhəuš | āxsō | daidīṭ | | |
| | م‌ان‌ا‌ن‌ه‌و | ئ‌ش‌ت‌م | ا‌ش‌ا | | |
| | manaṇhō | īštīm | ašā | | |

دارایی مادی و معنوی، هر دو در راه درست زیستن لازم است.

ای مزدا- می دانم چرا کاری از پیش نمی برم. چون دارایم اندک و یارانم کم اند- ای اهورا نظری به من افکن و چنان که دوستی به دوست خود یاری و دلداری دهد. مرا نیروی درونی و آرامش خاطر بخش و از پاداش نیک منشی ات مرا خاطر جمع ساز.

بند سوم

| | | | | |
|----------|----------------|----------------|------------------|----------------|
| وَسوسَ . | مَدیوسَ . | سَرَجَدَ . | دَنیجَسَرَجَدَ . | مَدیجَ . |
| asnam | uxšānō | yōi | mazdā | kadā |
| مَدَسَ . | وَدایَقَ . | لَ . | مَدیجَسَدَسَ . | لَ . |
| frārəntē | ašahyā | frō | darəθrāi | aṇhōuš |
| کَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . |
| xratawō | saošyāntam | sēnghāiš | wərəzdāiš | |
| وَسَدَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . |
| manañhā | jimaṭ | wohū | ūθai | kaēibyō |
| | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . |
| | sąstrāi | θbā | maibyō | |
| | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . | مَدیجَسَدَسَ . |
| | ahurā | wərənē | | |

دنباله درخواست اشوزرشت

ای مزدا- سپیده دم امید. کی به در آید و مردم چه وقت به
سوی راستی روی آورند و دستور نجات دهنده خود را پیروی
خواهند کرد؟ کی پیامبر تو با گفتار سود بخش خود در
رستگاری روان مردم کامیاب می شود؟ ای اهورا فرشته نیک
منشی را به یاری آنان فرست و مرا در انجام این وظیفه بزرگ
کامروا گردان.

بند چهارم

مڃم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 waždrēng ašahyā yēng drəgwā tēng at
 مڃم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 dahyēuš wā šōiūrahya frōrētōiš gā pāt
 ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 šyaoūanāiš xwāiš haṣ dužazōbā wā
 مڃم ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 mōiūat mazdā xšaūrāt yastēm ahēmustō
 ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 frō-gā tēng hwō wā jyātēuš
 مڃم ڄم ڄم ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم. ڄم ڄم ڄم.
 carāt hucistōiš paūmēng

ايستادگي در برابر بدى وظيفه دينى همه ماست

پيروان دروغ نمى خواهند مردم به سوى راستى روند و مى
 کوشند تا آنان را از پيشرفت در زندگى و آبادانى شهر و
 روستاى خود بازدارند. چنين کسانى کردارشان زشت و ويران
 گر است. بى گمان کسانى که با تمام نيروى مادى و معنوى به
 دشمنى با آنان برخيزند. به راه راست و درست و آيين نيك
 اهورايى گام مى نهند.

بن

[illegible]

ارشاد و رهبری بدکاران بر همه بایسته است

هرگاه یکی از پیروان راستی، دروغ پرست بدکاری را به راه راست رهبری کند و به آیین اهورایی درآورد، بر اوست که به دیگر هم کیشان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بد اندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند. این است خواست و دستور اهورامزدا.

پنٚ ششم

| | | | | | |
|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| سځ | سځمدمم | ځځځ | سځ | دځځځځ | سځمدمم |
| āyāt | isəmnō | nā | nōit | yastēm | aṭ |
| سځځځځ | سځځځځځځځځ | سځځځځځځځ | سځځځځځځځ | سځځځځځځځ | سځځځځځځځ |
| gāt | haēvāhyā | dāman | hwō | drūjō | |
| سځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځ |
| wahištō | drəgwāitē | yē | drəgwā | zī | hwō |
| سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ |
| fryō | aṣawā | yahmāi | aṣawā | hwō | |
| سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ |
| paouruyā | daēnā | hyaṭ | | | |
| سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | سځځځځځځځځځځځځ | | | |
| ahurā | dā | | | | |

کسی که گمراهان و نادانان را به راه راست رهبری نکند گناه کار است

ولی هرگاه شخص دانا و توانایی به یاری او برنخاست. خود از گروه بدکاران به شمار است. چه بدکار کسی است که بدکاری را یاری دهد و نیکوکار آن که نیکان را یار و یاور باشد. چنین است آیین و خواست اهورا از آغاز هستی.

پنجم

| | | | | |
|------------|------------|------------|-------|--------|
| و-اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| dadāt | pāyūm | mawaitē | mazdā | kēm-nā |
| اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| aēnaṇhē | dīdarəṣatā | drəgwā | mā | hyaṭ |
| اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| mananḥascā | āṭrascā | ūbahmāt | anyēm | |
| اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| ūraoštā | aṣəm | šyaoṭanāiš | yayā | |
| اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| dastwam | mōi | taṃ | ahurā | |
| اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس | اس-اس |
| frāwaocā | daēnayāi | | | |

پیمودن راه درست آیین زندگی باید با یاری خروج ایمان و منش پاک هر دو باشد

**ای مردم- هنگامی که دروغ پرست و گمراهی در پی آزار و
گزند ما برخیزد. به جز فروغ ایمان و اندیشه پاک چه چیز
دیگر می تواند برابر قانون جاودانی مزدا ما را پشت و پناه
باشد. ای اهورامزدا همه ما را از فرمان و دستور مقدس خود
آگاه فرما.**

بسم

.əēnaŋhē dazdē gaēvā yā mōi wā yē
 .šyaoṭanāiš āvriš ahyā-mā nōit
 jasōit ahmāi tā paityaogēt frōsyāt
 hujoyātōiš īm yā ā tanwēm dwaēšaṇhā
 kācīt dužjyātōiš nōit pāyāt
 dwaēšaṇhā mazdā

بدی به بدکاران پرمی گردد

کسی که در پی تباهی دیگران بر می آید. مبادا از کردار بدش آسیبی به دیگران رسد و بشود که بدی و آزار او به خودش برگردد. چه برابر قانون تو ای مزدا خوشی و خوش بختی از بدکاران و آزار رسانندگان دور خواهد ماند.

پند نهم

و. پوروی. س-س. ساءوا. مریا. پزاد. پزاداد.

pouruyō cōiṭat arədrō yē-mā hwō kē

سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد.

uzəməhī zəwīštīm ʔβā yaṭā

سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد.

ašawanəm ahurəm spəntəm šyaoṭanōi

سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد.

tašā gəuš ašāi yā ašā yā-tōi

سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد.

tā mā iṣəntī mraot

سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد. سزاد.

manaḡhā wohū tōi

اشه زرتشت نفستين پیامبر یکتا پرستی از سہی پروردگار است

**منم نخستین برانگیزنده ای که به مردم پیاموخت که تویی ای
اهورامزدا. به پرستش سزاوار ترین. و بهترین داور کردار
مردمان. و سرور راستی. و آفریننده پاکی. باشد که همه با
اندیشه درست آن را دریابند و به کار بندند.**

بنت یازدهم

| | | | | |
|--------------|---------------------|------------|------------------|-------|
| دوسد. | سولس. | سولس. | سولس. | سولس. |
| kāwayascā | karapanō | yūjēn | xšaθrāiš | |
| سولس. | سولس. | سولس. | سولس. | سولس. |
| mərəṅgeidyāi | ahūm | šyaoθanāiš | akāiš | |
| سولس. | سولس. | سولس. | سولس. | سولس. |
| xraodaṭ | x ^w aēcā | urwā | x ^w ō | yēṇṇ |
| سولس. | سولس. | سولس. | سولس. | سولس. |
| cinwatō | yaθrā | aibī-gəməṇ | hyaṭ | daēnā |
| سولس. | سولس. | سولس. | سولس. | سولس. |
| drūjō | wīspāi | yawōi | pəṛetuš | |
| سولس. | سولس. | سولس. | سولس. | |
| astayō | dəmənanāi | | | |

دوزخ پایگاه دروغ پرستان است

کوی ها و کرپان ها و گروه دیگر مردم فریبان. همه را به
سوی کردار زشت فرا می خوانند تا زندگی دو جهانی آنان را
تباه سازند. ولی روان و وجدان آنان هنگامی که به سر پل
چینود رسد در بیم و هراس افتد و تا زمانی دراز گرفتار دوزخ
خواهد شد.

پنٔ دوازدهم

| | | | | |
|------------|-----------|---------|----------|---------|
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. |
| nařucā | naptyaēřū | ařā | us | hyať |
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. |
| aojyaēřū | fryānahyā | uzjēn | tūrahya | |
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. |
| βaxřanhā | frādō | gaēvā | ārmatōiš | |
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. |
| aibī-mōist | hēm | wohū | iř | ať |
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. | نارستو. |
| rafəðrāi | aēibyō | manahā | | |
| نارستو. | نارستو. | نارستو. | | |
| ahurō | sastē | mazdā | | |

پيروان دين مزدیسني از هر گروه و نژادی تڅ باشند رستگار فواهند شد

هنگامی که فرزندان و نیرگان فریان تورانی راستی را دریافتند و به یاری ایمان پاک و شجاعت درونی خود دین نیک را پذیرفتند و منش نیک آنان را وادار ساخت تا به کشور جاودانی و دین مزدآپرستی روی آورند. بی گمان در روز واپسین رستگار خواهند شد.

پند سپرداھم

| | | | | | |
|--------------|------------|----------|-----------|---------|--------|
| رادیانھا | زاراوشترم | سپتاماھم | یہ | | |
| rādaṇhā | zarauštrem | spitāməm | yē | | |
| فراسریدیای | هوی-نا | خشناوش | مارتاایشو | | |
| fərasrūidyāi | hwō-nā | xšnauš | marətaēšū | | |
| دادات | اھوم | مزدآ | ھوی | ات | ارادبہ |
| dadāt | ahūm | mazdā | hōi | aṭ | ərəðβō |
| فراڈات | وھو | گاہو | اھمائی | اھورو | |
| frādaṭ | wohū | gaēvā | ahmāi | ahurō | |
| | ااشا | وہ | تہم | ماناھھا | |
| | ašā | wō | tēm | manaṇhā | |
| | ھوشاخایم | مہمایدی | | | |
| | hušhaxāim | mēhmaidī | | | |

پذیرختگان دین از هر گروھی تھ باشند مھترمند

از میان مردمان کسی کہ با فرمان برداری خویش سپنتمان
 زرشت را خشنود سازد. سزاوار هر گونه احترام است. به چنین
 کسی مزدا اھورا بہترین زندگی بخشد و منش نیک او را
 سزاوار فردوس برین گرداند. ما چنین کسانی را یار و یاور
 راستی خواهیم شناخت.

پند چهاردهم

| | | | | | | | |
|-------------------|--|---------------|--|---------------|--|----------------|--|
| زداستد اوستم اسد. | | وسد موع. | | سپس د ورسد. | | اوو د وچ. | |
| urwaṭō | | ašawā | | kastē | | zaraṭuštrā | |
| عس د وچ. | | عس د وچ. | | وچ. | | واسد. | |
| waštī | | fərasrūidyāi | | wā | | kē | |
| سپس. | | سپس د وچ. | | و ورسد. | | واسد موع د وچ. | |
| yāhī | | wīštāspō | | kawā | | hwō | |
| سپس موع د وچ. | | سپس موع د وچ. | | سپس موع د وچ. | | سپس موع د وچ. | |
| ahurā | | minaš | | hadəmōi | | mazdā | |
| موع د وچ. | | موع د وچ. | | موع د وچ. | | موع د وچ. | |
| waṇhōuš | | zbayā | | tēng | | | |
| موع د وچ. | | موع د وچ. | | موع د وچ. | | موع د وچ. | |
| manaṇhō | | uxδāiš | | | | | |

گشتاسب کیانی در گسترش دین اهورایی کوشش کرد

به راستی یکی از این یاوران. شاه دلیر گشتاسب کیانی است. کسی که دوست و هواخواه راستی بوده و در گسترش دین بهی و بزرگداشت انجمن برادری (مغان) کوشش کرده است. بشود که اهورامزدا چنین کسانی را شایسته رسیدن به بارگاه خود گرداند و در سرای فردوس جای دهد.

پنٔ پانزدہم

سوسرہ-مدرسد. واسطیخدرسد. و. مدرمدسموسو.

spitamāṇhō

wō

waxšyā

haēcat-aspā

سدرسد. وسو. واسطیخدرسد. مدرمدسموسو.

adāvaścā

wīcayavā

dāvōṇg

hyaṭ

مدرسد. سوسرہ. سوسرہ.

šyaoṽanāiš

yūš

tāiš

مدرسد. واسطیخدرسد. مدرمدسموسو.

daduyē

xšmaibyā

ašəm

سوسرہ. مدرمدسموسو.

dātāiš

yāiš

مدرسد. مدرمدسموسو.

ahurahyā

paouruyāiš

دین مزدیسنی راه نیک و بد زندگی را به شما فواید شناساند

ای هچدسب و اسپنتمان و ای مردمان جهان آگاهتان سازم.
هرگاه بخواهید نیک را از بد و دوست را از دشمن تمییز دهید.
باید بکوشید تا برابر آیین اهورامزدا و قانون جاودانی او رفتار
کنید. زیرا تنها در پرتو اش می توان به حق و راستی زندگی
پی برد.

پنٹ شانزدہم

| | | | | |
|-----------|----------|----------|-------------|---------|
| idī | arədrāiš | aθrā-tū | fəraṣaoštrā | |
| uštā-stōi | uswahī | yēng | tāiš | hwō-gwā |
| ārmaitiš | hacaitē | aṣā | yaθrā | |
| xšaθrəm | īštā | mananḡhō | waṅhēuš | yaθrā |
| warəḡəmaṃ | mazdā | yaθrā | | |
| ahurō | ṣaēiti | | | |

تبلیغ راه اشا باید پیوسته همراه با آرمیتی یعنی مهر و خروتنی باشد

ای فروشتر هوگوه- اینک که تو و یاران پارسا برای گستردن
دین راستین به سرزمین های دیگر روی می آورید؛ امیدوارم
کامیاب شوید. باشد تا مردم جهان را به کشور جاودانی راستی
و نیک منشی راهنمایی کنید و بر فر و شکوه دین مزدا اهورا
ببفزایید.

پند هفتم

| | | | |
|--------------|--------------|--------------|--------------|
| سرمو (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| yaŋrā | wē | afšmānī | sēnghānī |
| دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| nōit | anafšmām | dōjāmāspā | hwō-gwā |
| دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| hadā | wēstā | wahmōng | sēraoṣā |
| دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| yē | wīcinaoṭ | dāŋmācā | adāŋmācā |
| دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| daṅgrā | maṇtū | | |
| دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . | دایم (اسد) . |
| aṣā | mazdā | ahurō | |

با پیروی از ندای وجدان می توان به راه راست گام نهاد

ای جاماسب دانا از خانواده هوگوه- اینک که تو از کارهای
روا و ناروا آگاه شدی و به ندایی که از درونت برخاسته است
گوش فرا دادی و به پیروی و ستایش دین پرداختی. همیشه
راستی (اشا یا ندای وجدان) را مشاور خود قرار ده و بی گمان
بدان که اهورامزدا از همه چیز آگاه است و درست را از
نادرست به خوبی باز شناسد.

پنت نوردهم

س-ع-ژ. د پچ سچ. س د پچ. س د پچ. واد پچ س د پچ.

wareṣaitī hacā haiṭīm aṣāt yē-mōi

س د پچ س د پچ. واد پچ. س د پچ. واد پچ س د پچ.

fəraṣōtəməm wasnā hyaṭ zaraṭuštrāi

س د پچ. س د پچ. س د پچ. س د پچ. س د پچ.

parāhūm hanəntē mīždəm ahmāi

س د پچ- واد پچ س د پچ. س د پچ. واد پچ س د پچ. س د پچ.

azī gāwā wīspāiš maṭ manō-wistāiš

س د پچ. س د پچ. س د پچ. س د پچ.

twēm səs mōi tācīt

س د پچ. واد پچ س د پچ.

waēdištō mazdā

پیره‌ی از خرمان فدا فو شبتی آدمیان در هر دو بهان است

کسی که آموزش های مرا به بهترین وجه برابر آیین مقدس به
جای آورد. در این جهان بهترین زندگی پاداش اوست و در
سرای دیگر در کشور جاودانی از خوشبختی واقعی برخوردار
خواهد شد. این نکته را مزدا به من آموخته است.

پسنا-هات ۴۷

بنت یکم

منوچهره سده. و مدد دد. و مدد دد سده. و مدد دد سده.
 managhā wahištācā mainyū spəntā
 و مدد سده. و مدد دد سده. و مدد دد سده. و مدد دد سده.
 wacənhācā šyaoθanācā ašāt hacā
 مدد سده. و مدد دد. و مدد دد سده.
 haurwātā dān ahmāi
 مدد سده. و مدد دد سده.
 mazdā amərətātā
 مدد سده. و مدد دد سده.
 ārmaitī xšaθrā
 مدد دد سده.
 ahurō

پایه هر اندیشه و گفتار و کردارمان باید از روی فرد باشد

کسی که اندیشه و گفتار و کردارش از روی خرد پاک و برابر
 آیین اهورایی باشد. پروردگار دانا به او نیروی معنوی و
 شجاعت ذاتی و رسایی تن و روان خواهد بخشید.

پند دوم

مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 wahištəm spēništahyā manyōuš ahyā
 مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 manañhō ōəānū wəñhōuš uxδāiš hizwā
 مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 šyaoθanā zastōibyā ārmatōiš
 ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 cistī ōyā wərəzyaṭ
 مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 ašahyā patā hwō
 ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس. ۛ مین ددس.
 mazdā

بهترین زندگی بهره نیک اندیشان و فداپرستان است

از آن جایی که اهورامزدا آفریدگار کل و پدر راستی است.
 بهترین زندگانی را بهره کسی خواهد ساخت که گفتارش
 همراه با نیک اندیشی و خرد پاک و کردارش بر ایمان و مهر
 خدایی استوار باشد.

پنت سوم

مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 tā ahī twēm manyēuš ahyā
 مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 ǵam ahmāi yō spəntō
 مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 hēm-tašaṭ rānyō-skərətīm
 مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 rāmā-dā wāstrāi hōi at
 مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 wohū hēm hyat ārmaitīm
 مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد. مڤن دڤد.
 mananḥā hēmə-fraštā mazdā

اهورامزدا آفريننده سپنتامينو يا فرد مقدس است

ای مزدا تویی آفریننده سپنتا مینو یا خرد پاک. ای کسی که
 جهان شادی بخش آفریدی تا از پرتو خرد و مهر جان آفرینت.
 به مردمان. آسایش و آرامش رسد و از نیروی آرمییتی. یا ایمان
 به تو. در صلح و دوستی به سر برند.

پند چهارم

مږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 rārəšyeiṇtī manyōuš ahmāt
 وږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 spəntāt mazdā drəgwaṇtō
 وږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 ašāunō iṇā nōiṭ
 وږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 ašāunē nā kasōušcīt
 وږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 haṣ iswācīt aṇhaṭ kāṇē
 وږم سږم. مږم سږم. مږم سږم.
 drəgwaītē akō paraoš

در پایان، راستی بر دروغ و نیکی بر بدی پیروز فواید شد

ای مزدا با نیروی خرد پاکت. پیروان دروغ و بدی در پایان
 گرفتار شکست و نابودی خواهند شد. نه پیروان راستی و
 نیکی. چه در برابر فرمانت پیوسته مرد درستکار کمدار به
 رستگاری و خوشبختی رسد و دروغ پرست مالدار گرفتار
 بدبختی و بی چارگی شود.

بند پنجم

| | | | | |
|------------|-------------|--------|--------|--------|
| مهرمرد. | دروغ پرستی. | عسرت. | مردان. | |
| ahurā | mazdā | mainyū | spəntā | tācā |
| مردم. | مردان. | مردان. | مردان. | مردان. |
| wahištā | cīcā | yā-žī | cōiš | ašāunē |
| مردان. | مردان. | مردان. | مردان. | مردان. |
| zaošāt | ūbahmāt | hanarə | | |
| مردان. | مردان. | مردان. | مردان. | مردان. |
| baxšaitī | drəgwā | | | |
| مردان. | مردان. | مردان. | مردان. | مردان. |
| šyaoūanāiš | ahyā | | | |
| مردان. | مردان. | مردان. | مردان. | مردان. |
| mananjhō | āšyās | akāt | | |

نیکی پیوسته بهره نیکان و بدی بهره بدان است

ای مزدا- بی گمان دروغ پرستی که در کردار خویش پیرو
بدمنشی است. هرگز بدون مهر و بخشایش تو. از نعمت خرد
پاک. که به پیروان راستی وعده داده شده بهره مند نخواهد
شد.

پنت ششم

م.س. و.س. د.ه.س.م.س. ه.د.د.د.م. ه.س.و.س. د.س.و.ا.س.
 ahurā mazdā mainyū spəntā dā tā
 س.و.ا.س. و.ا.د.و.س.د. و.ا.ه.و.س.د.م.ه.
 wīdāitīm wəṇhāu āvra
 (ا.س.و.ا.د.د.س. س.ا.ه.م.و.ا.د.س.)
 āmatōiš rānōibyā
 و.ا.د.و.س.د.س. د.س.و.س.د.د.س.د.
 ašahyācā dəbāzəṇhā
 ه.س.و.س.و.ا.د.و.ا.د.س. د.س.و.س.م.و.ا.د.
 išəntō pouruš hā-zī
 و.ا.س.و.ا.س.د.م.و.ا.د.
 wauraitē

سرانجام پیروزی و فو شبفتی بهره مبارزان راه راستی است

ای اهورامزدا- کسانی که برای پیشبرد نیکی پیکار می کنند.
 بر آنان فروغ راستی و دانش ایزدی بتایان. باشد که برابر فرمان
 تو چنین کسان بسیار چیزهای نیک دریابند و کارهای بسیار
 نیکی انجام دهند.

پسنا-هات ۴۸

بند یکم

سرسرپ. دوسد. دپس. واپس. واپسودس.

wēṇṇhaitī drujəm ašā adāiš yezi

سرد. واپسودس. واپس. واپسودس. واپسودس.

fraoxtā daibitānā yā ašašutā hyaṭ

سرسرپ. دوسد. دپس. واپس. واپسودس.

mašyāišcā daēwāišcā aməṛətāitī

سرسرپ. دوسد. دپس. واپس. واپسودس.

sawāiš tōi aṭ

سرسرپ. دوسد. دپس. واپس. واپسودس.

waxšaṭ wəhməm

سرسرپ. دوسد. دپس. واپس. واپسودس.

ahurā

گناهکاران بدون بخشایش مزد رستگار نخواهند شد

هنگامی که راستی بر دروغ چیره شود. برابر آن چه خواست
توست بدکاران و نیکوکاران هر یک به سزا و پاداش خود
رسند. تا آن گاه که مهر تو ای اهورا برانگیخته شود و
بخشایش تو به دوزخیان روی آورد.

پنٔ نوم

اَهورامَزدا-مَرا از زَمان فرارَسیدن رَستاخیز و روز واپسین

ahurā wīdwa twēm yā waocā-mōi

و یا هَنگام چیرگی راستی بر دروغ آگاه ساز. بی گمان چنین

mēng yā mā hyaṭ parā

واقعہ بزرگی نشانہ رسایی زندگانی معنوی آدمیان است و

aṣawā kaṭ jimaīti pərəθā

چنین آگهی برای مردم جهان مژده ای بزرگ خواهد بود.

drəgwaṇtəm wēnghaṭ mazdā

و سَـیـ. مَـزـدَـا سَـیـ. و سَـیـ. مَـزـدَـا سَـیـ.

wanuhī aṇhēuš hā-zī

اَکَرَتِش وِستَـا

ākərətiš wistā

ای اهورامزدا- مرا از زمان فرارسیدن رستاخیز و روز واپسین
و یا هنگام چیرگی راستی بر دروغ آگاه ساز. بی گمان چنین
واقعہ بزرگی نشانہ رسایی زندگانی معنوی آدمیان است و
چنین آگهی برای مردم جهان مژده ای بزرگ خواهد بود.

بند سوم

• နေ့မပျက်သေးဘဲ • သမုတိပေးမိမိ • အသံပြောလေ့မရှိ • နေ့

sāśnanam wahiṣṭā waēdōmnāi at

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

ahurō aṣā sāstī **hudā** yaṃ

မသေဘဲနေပါ။ နားလည်ပါ။ နားလည်ပါ။

yaēcīṭ wīdwā spəntō

[illegible]

sēṇghāṇhō gūzrā

ولکھو سوچو۔ سمجھو۔ یاد رکھو۔

wanhēuš mazdā ʾβāwəs

မိမိတို့အားလုံးသည် အသက် ၁၈ နှစ်အောက် ဖြစ်ပါသည်။

manaphō xraϑβā

تنها با دانش و فرد است که آدمی می تواند حقیقت را دریابد

بشود که همه از بهترین دانش و خرد آگاه شویم. چه دانشی

که اهورامزدا، خداوند خرد، به ما آموزد بی گمان مقدس.

خردمندانه و همیشه سودمند است. ای مرزا می دانم. تنها با

کرداری که برانگیخته اندیشه نیک است. می توان به

خوشبختی رسید.

بند چهارم

| | | | | |
|------------|----------|-----------|---------|---------|
| مزد | وادی | مانو | دات | یو |
| mazdā | wahyō | manō | dāt | yō |
| میسوددس | وادی | میسوددس | میسوددس | میسوددس |
| šyaoθanācā | daēnām | hwō | ašyascā | |
| میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس |
| zaoθēng | ahyā | wacanhācā | | |
| میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس |
| hacaitē | warənēng | uštiš | | |
| میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس |
| apēmēm | xratā | θbahmī | | |
| میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس | میسوددس |
| anhat | nanā | | | |

آدمی به هر چه اراده کند به آن فواید رسید

کسی که اندیشه خود را متوجه راه نیک یا بد کند. با گفتار و کردار ویژه خود شخصیت خود را در آن آشکار خواهد ساخت و اراده او پیرو همان راه خواهد شد. چه برابر آیین مزدا و خرد پاک او. هر کسی در دو جهان جای ویژه ای برابر خرد و وجدان خود خواهد داشت.

ب ب

[illegible]

mā-nē

۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶-۹۵-۹۴-۹۳-۹۲-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

waŋhuyå

ကုမ္ပဏီအမျိုးအမည်: မြန်မာ့အလင်းစာမဂ္ဂဇင်း

ārmaitē

سرمایه‌های. معنوی. مادی. فیزیکی.

zəv̥əm

[illegible]

wəɾəzyātaṃ

မိမိတို့အားလုံးသည် အသက်ရှင်နေကြသော အသက်ရှင်သတ္တဝါများဖြစ်ကြောင်းကို သိရှိရပါသည်။

fṣuyō

بشود که فرمانروایان راست و درست بر ما فرمانروایی کنند

بشود که فرمانروایان نیک و پاک بر ما فرمانروایی کنند. نه فرمانروایان بد و نادرست. چه پاکی و راستی از گاه تولد تا مرگ برای آدمی بهترین بخشش است. بشود که چنین فرمانروایان نیک و پاک برای خوشبختی ما در جهان فرمانروایی کنند.

س ب

[illegible]

سپینتامینو یا فرد پاک بهترین پناهگاه مردم جهان است

سپنتا مینو(خرد پاک) پناهگاه امن ماست. او به ما رسانی و جاودانگی. دو بخشش بزرگی خواهد بخشید که تنها از راه نیک منشی و ایمان پاک به دست خواهد آمد. آری ای مزدا می دانم که از همان آغاز این درست ترین راه زندگی است.

پنجم

| | | | | |
|--------------|----------|---------|--------|-----|
| dyātəm | nī | aēšəmō | nī | |
| syōzdūm | paitī | rəməm | paitī | |
| dīdrayžōduyē | mananḡhō | waḡhēuš | ā | yōi |
| hiṽāuš | yehyā | wyām | ašā | |
| dāməm | hōi | aṭ | spəntō | nā |
| ahurā | ā-dəm | ṽbahmī | | |

در برابر فشم و ستم دیگران ایستادگی کنید

خشم باید بازداشته شود. در برابر ستم و زور باید ایستادگی کرد. ای کسانی که در پاک منشی استوارید. برای پیشرفت و پیروزی راستی و درستی طرفدار و دوست دار راستی باشید. چه جای چنین کسانی در پایان. سرای اهورایی خواهد بود.

پند هشتم

| | | | |
|----------------|------------------------|--------------------|------------------------|
| وس-م-ک-د. | ک-د-س-ف-د-ی. | م-د-ی-و-س. | م-د-ی-س-د-ک-د-س-د-د-س. |
| kā-tōi | waṇhēuš | mazdā | xšaϑrahyā |
| پ-ی-م-د-ی. | وس-م-ک-د. | م-د-ی-ک-د-ی. | |
| ištiš | kā-tōi | ašōiš | |
| ک-د-س-د-س-م. | م-د-د-د-ک-د. | م-د-س-د-ا-س. | |
| ϑβahyā | maibyō | ahurā | |
| وس-ک-د-ک-د. | م-د-ی-س. | س-و-س-م. | |
| kā-ϑβōi | ašā | ākā | |
| م-د-ا-ف-ک-د-ی. | د-س-و-د-د-س. | ک-د-س-ف-د-ی. | |
| arədrēng | išyā | waṇhēuš | |
| م-د-د-د-ف-د-ی. | س-و-د-د-ک-د-ی-س-ف-د-ی. | م-د-د-د-ا-ف-ک-د-ی. | |
| manyēuš | šyaoϑananam | jawarō | |

پرسش اهورایی

ای مزدا- چیست پاداش شهریاری تو برای چون منی و یارانم.
 به چه میزان است بخشایش تو در هنگام رسیدگی به نامه
 کردارمان در روز واپسین. از روی سنجش میزان ایمان و منش
 مان ای اهورا؟

پننم

وسوس. کاسیوس. سسزی. سسوس. سسوس.

xšayaθā

cahyā

yezī

waēdā

kadā

سسیوس. سسیوس. سسیوس.

yehyā-mā

ašā

mazdā

سدوس. سدوس.

dwaēθā

āiθiš

سسیوس. سسیوس. سسیوس.

wafuš

waṇhōuš

ərəžūcam

ərəš-mōi

سدوس. سدوس. سدوس.

saošyās

wīdyāt

manahō

سدوس. سدوس. سدوس.

aṇhaṭ

ašiš

hōi

yaθā

ای مزدا- آیا با نیروی اشا(ایمان به تو) خواهم توانست در برابر ستم و آزار دشمنانم پایدار و استوار بمانم؟ از تو می خواهم مرا از یاری و پشتیبانی خویش آگاه فرمایی. چون که یک سنوشیانت و خیرخواهی چون من باید از میزان پشتیبانی تو باخبر باشد.

پند دهم

وسوس. وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

narō maṇarōiš mazdā kadā

کاهه وسوس. وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

mūṇrəm ajēn kadā wīšəntē

موسوس. موسوس. موسوس. موسوس. موسوس.

magahyā ahyā

موسوس. موسوس. موسوس. موسوس. موسوس.

karapanō aṇgrayā yā

کاهه وسوس. وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

xratū yācā urūpayeiṇti

وسوس. وسوس. وسوس. وسوس. وسوس.

dahyunəm dušə-xšaṇrā

ناروا بودن نه شایع های مستی آور

ای مزدا چه وقت مردم به حقیقت پی خواهند برد؟ کی این
آشام پلید مستی آور بر خواهد افتاد. چیزی که مردم فریبان
زشت کردار به وسیله آن دیگران را می فریبند و هوش و خرد
آنان را می زدایند؟

بُند یازدهم

وسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

ārmaitiš maṭ ašā mazdā kadā

سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

huṣṣaitiš xšaṭrā jimaṭ

سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

drəgwōdabīš kōi wāstrawaitī

سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

dāntē rāmaṃ xrūrāiš

سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

wanhōuš ā kēṇ

سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس. سوسوس.

cistiš managhō jimaṭ

**کی ای مزدا. راستی و خرد ایزدی و شجاعت معنوی به زندگی
افراد خانواده داخل خواهد شد؟ چه کسی آرامش زندگی را
جای گزین ستم و بی دادگری خواهد کرد؟ به سوی چه کسانی
بخشش نیک منشی فراخواهد رسید و از سودهای آن برخوردار
خواهند شد؟**

پنت دوازدهم

داهونام. سوشانت. سوشانت. سوشانت. سوشانت. سوشانت.
 dahyunam saošyañtō aṇhən tōi at
 ماناها. وها. خنوم. یوی.
 manahā wohū xñūm yōi
 اشا. شیاوانایش. هاکانت.
 ašā šyaoṽanāiš hacāntē
 سونگاهیا. مزدا. ویاها.
 sēṇghahyā mazdā ṽbahyā
 هامااستارو. داتا. توی-زی.
 hamaēstārō dātā tōi-zī
 ماهیا. آیشوم.
 mahyā aēšəm

سوشانت ها چه کسانی هستند؟

به راستی کسانی از زمره سوشانت ها و رهانندگان مردم
 جهان به شمار خواهند رفت که فرمان های مزدا و وظایف
 خود را با نیک منشی به جای آورند و بر ضد خشم و ستم به پا
 خیزند و آن را در هم شکنند.

بسم

မု. မေ. မေ့သော. မေ့သော. မေ့သော. မေ့သော. မေ့သော.

mazištō pafrē bēṇdwō yawā mā at

۴۳۰. وادىء اءىء اءىء. ۴۳۱. ۴۳۲. ۴۳۳. ۴۳۴. ۴۳۵.

mazdā aṣṭā cixšnuṣṭā dušəṛəṽrīš yē

കാമദാസപ. സൗ. സൗ. സൗ. സൗ.

mōi gaidī ādā waṇuhī

س-ع-ز. مالمس. مسورس.

ahyā arapā ā-mōi
 .اھیا .اراپا .اموی

wīdā aoṣō wohū

၀၀.၁၅၃၁၂၁၆

manañhā

باید همراهان را به راه راست رهنمائی کرد

ای مزدا و ای اشا. بندوه تباه کار در برابر من ایستاده است و نمی گذارد غفلت زندگان را بیدار و به راه راست رهبری کنم- ای مزدا روی به من کن و با بخشش نیک منشی مرا نیرویی ده تا بر او و همانند او چیره شوم.

بند دوم

| | | | | |
|---------------|-----------|---------------|---------------|-----------|
| م | دس دس-س | د س و د س د س | س د س د س د س | س |
| mānayeitī | bēṇdwahyā | ahyā-mā | at | |
| ر و س د س د س | و د س د س | و د س د س | و د س د س | و د س د س |
| rāreṣō | aṣāt | daibitā | drəgwā | tkaēṣō |
| د س د س | د س د س | د س د س | د س د س | د س د س |
| ahmāi | dōrešt | spəntam | nōit | |
| د س د س | د س د س | د س د س | د س د س | د س د س |
| naēdā | ārmaitīm | stōi | | |
| د س د س | د س د س | د س د س | د س د س | د س د س |
| fraštā | mazdā | wohū | | |
| د س د س د س | | | | |
| manajhā | | | | |

بندوه یکی از دشمنان اشو زرتشت

این بندوه گمراه کننده یکی از دروغ پرستانی است که با آموزش های دروغین خود مدتی است مرا نگران کرده. این گونه مردم فریبان از راستی و خرد ایزدی گریزانند و هرگز در پی آن بر نمی آیند که با پاک منشان به پیوندند و با آنان از روی خرد و درستی به بحث پردازند.

پند سوم

| | | | | |
|----------|-----------|----------|-----------|----------|
| مخدوسد. | دسوسد. | وایدوسد. | میدوسد. | نیدوسم. |
| atcā | ahmāi | warēnāi | mazdā | nidātēm |
| اسیوسد. | مخدودوسد. | مخدوسد. | اسیوسد. | اسیوسد. |
| ašēm | sūidyāi | tkaēšāi | rāšayeñhē | |
| وایدوسد. | مخدوسد. | وایدوسد. | وایدوسد. | وایدوسد. |
| druxsš | tā | wañhēuš | | |
| میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. |
| sarē | izyāi | manarjhō | | |
| میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. |
| añtarē | wīspēng | drəgwatō | | |
| میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. | میدوسد. |
| haxmēng | añtarē | mruyē | | |

پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است

چون پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است. همیشه سودبخش است و از آن جایی که پایه دین دیو پرستی بر دروغ نهاده شده همیشه زیان بخش می باشد. از این روی من می خواهم مردم به پاک نشان پیوندند و هم بستگی خود را با دروغ پرستان بگسلانند.

بند پنجم

| | | | | |
|-----|-----------|-------------|---------------|-----------|
| سج | س و د و س | به به س س س | س س س س س س س | |
| at | hwō | mazdā | īžacā | āzūtišcā |
| س س | و س س س س | و س س | س س س س س | س س س س س |
| yō | daēnaṃ | wohū | sārštā | manaṇhā |
| | س س س س س | و س س س س | س س س | |
| | ārmatoiš | kascīt | ašā | |
| | س س س س س | س س س س س | | |
| | huzəntuš | tāišcā | | |
| | و س س س س | و س س س س | | |
| | wīspāiš | ūbahmī | | |
| | س س س س س | س س س س س | | |
| | xšaθrōi | ahurā | | |

سود خدایاری و از خود گذشتگی

خوشی و فراوانی نعمت از آن کسی است که از خود گذشته و پاک منش باشد. چنین کسی به واسطه داشتن فروتنی و پارسایی سزاوار آن خواهد بود که دارای خرد ایزدی گشته و در کشور جاودانی اهورایی پیوسته به سر برد.

پنجم

مذخرس. واپس. وایوس. دایم. واپس. واپس.

manañhā sraotū mazdā wohū tačcā

دایم. واپس. واپس. واپس. واپس. واپس.

ahurā gūšahwā-tū ašā sraotū

و. واپس. و. واپس. و.

x^waētuš kē airyamā kē

و. واپس. و. واپس. و.

yē aṇhaṭ dātāiš

و. واپس. و. واپس. و.

dāt waṇuhīm wərəzēnāi

و. واپس. و. واپس. و.

frasastīm

کسی که پشتیبان راستی است، یاور نیکان خواهد بود

بشود که هر کسی با اندیشه نیک توام با راستی. این دین را
فراگیرد. چون تنها اهورامزدا به درستی آگاه است که کدام
یک از پیشوایان و سپاهیان و کشاورزان به این دین گرویده و
در گسترش آن به من یاری می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

၁။ မြန်မာ့အလင်းစာပေတိုက်၊ ရန်ကုန်မြို့၊ ၂၀၁၈ ခုနှစ်၊ စက်တင်ဘာလတွင် ပုံနှိပ်ထွက်ရှိသော စာအုပ်များ

då

သမုတိ . ဗုဒ္ဓ . နိကာယ . ဟိန္ဒူ .

mazdā

מסע השלום

maibyācā

۱. کھانا ۲. پانی ۳. سانس

ॐ॒Bahmī

س۔ مل سے مل کر اچھے د. و سر د و اچھے د. واپس د و اچھے د.

wīspāi

၆။ အကျဉ်းချုပ်အားဖြင့်

āṇhāmā

بشود تا ما همه یک پیام اهورایی باشیم

ای مزداهورا- از تو درخواست می کنم. به فروشستر و دیگر یارانم بهترین بخشش ارزانی داری تا با راستی و نیروی مینوی بتوانیم با هم پیک پیام تو باشیم.

بنام

[illegible]

fṣēṇghyō

သဘာဝ၊ နိမိတ်၊ နိမိတ်၊ နိမိတ်

$$\mathbf{n\bar{o}it}$$
[illegible]

drəgwātā

ဗုဒ္ဓ၊ နတ်၊ နတ်မိတ်၊ နတ်မိတ်မိတ်

wahištē

• ۱۴۳۵ هـ • ۱۳۹۵ ش • ۱۳۹۵ م

aśā

۱۳۸۵ م. ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ هـ

dējāmāspā

پیروان راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کنند

آن یاور کوشایی که برای خدمت به مردم برگزیده شده باید فرمان های مزدا را نیک به خاطر بسپارد و بداند که پیرو راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کند. تو هم ای جاماسب بدان که هر کسی به گروه راستان پیوست در روز بازپسین (در پایان) از بهترین پاداش برخوردار خواهد شد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

•အမှတ် •အမည် •အသက် •အမျိုး

ādam

[illegible]

urunascā

မညာမညာ၊ မညာမညာ၊ မညာမညာ

yā

سید احمد احمدی۔ سید ولید احمدی۔

īṣācā

[illegible]

wazdanhā

ಮುಖ್ಯಮಂತ್ರಿ

awēmīrā

پیروان راستی باید پیوسته اهورامزدا را پشتیبان خود بداند

**ای مزدا- من تن و جان و روانِ پیروانِ با ایمانِ راه راستی و
پاک منشی و گروندگانِ به این آیینِ مقدس را در پناه و حمایت
تو می سپارم. زیرا تویی توانای بزرگ و نیرومند و زوال
ناپذیر.**

بند یازدهم

[illegible]

at

والله اعلم بالصواب. والله وحده على كل شيء قدير.

duḥdaēnēṅ

၁၁။ ခုနစ်ပါးတို့၏ အကျဉ်းချုပ်အားဖြင့် ခုနစ်ပါးတို့၏ အကျဉ်းချုပ်အားဖြင့်
 ၁၂။ ခုနစ်ပါးတို့၏ အကျဉ်းချုပ်အားဖြင့် ခုနစ်ပါးတို့၏ အကျဉ်းချုပ်အားဖြင့်

drægwatō

• သေချာမှု • သေချာမှု • သေချာမှု

paitī

[illegible]

drūjō

၆၀။ နှိပ်စက်မှု၊ အကျဉ်းချုပ်၊ အကျဉ်းချုပ်၊ အကျဉ်းချုပ်

astayō

ولی روان زشت کاران و بدگفتاران و همه پیروان دروغ از خوی بد خویش پیوسته در شکنجه اند و در پایان به سرای دروغ جایی که منزل اصلی آنان است، راه خواهند یافت.

پنت دوازدهم

| | | | | |
|-------------------------------|------------------------|-------------|----------------------|-------------|
| وَسْجَ. | مَکَیْدَ. | سَیْجَسَ. | یَرَدَنَسَ سَیْجَمَ. | مَدَدَنَسَ. |
| awəṇhō | zbayentē | ašā | tōi | kaṭ |
| یَدَاوَدَنَسَ. | وَسْجَ. | مَکَیْدَ. | کَیْجَ. | مَدَدَنَسَ. |
| manaḥhā | wohū | tōi | kaṭ | zaraṇuštrāi |
| مَکَیْدَ-کَیْجَ. | مَدَدَنَسَ مَدَدَنَسَ. | مَدَدَنَسَ. | | |
| mazdā | staotāiš | yē-wē | | |
| کَیْجَ. | مَدَدَنَسَ. | مَدَدَنَسَ. | | |
| awəṭ | ahurā | frīnāi | | |
| مَدَدَنَسَ مَدَدَنَسَ. | کَیْجَ. | مَدَدَنَسَ. | | |
| ištā | wē | hyaṭ | yāsaṣ | |
| کَیْجَ مَدَدَنَسَ مَدَدَنَسَ. | | | | |
| wahištəm | | | | |

فرد و راستی بهترین بخشش های پروردگار است

ای مزداهورا- من که زرتشت هستم تو را با سرودهای ستایش
خود آفرین می گویم و از تو درخواست می کنم ما را از
بخشش بهترین راستی و خرد مقدس بهره مند سازی. زیرا این
نعمت ها از بزرگترین بخشش های توست.

پسنا-هات ۵۰

بند یکم

| | | | | | |
|---|----------------|--------|--------|------|-----|
| وسخ. عژد. (اورس. ددوع. مردسوددس. مدودسوج. | | | | | |
| awarhō | cahyā | isē | urwā | mōi | kaṭ |
| و-ع-عژد. رمدسودس. و-ع-ع-س-طاسم. واددم. | | | | | |
| wistō | kō-mō-nā-ṭrātā | pasēuš | kō-mōi | | |
| مدردج. مدسجسج. طکسجسج. عسوس. مدسواس. | | | | | |
| ahurā | mazdā | ṭrātā | aṣāt | anyō | |
| مدسوس. سوس. | | | | | |
| zūtā azdā | | | | | |
| طاسودسمدسجسج. | | | | | |
| wahištāatcā | | | | | |
| عمدسوج. | | | | | |
| manarhō | | | | | |

درگاه سفتی مز از پروردگار پشتیبانی نداریم

ای اهورامزدا- در هنگام سختی و بدبختی تنها پرتو مهر تو هست که می تواند به روان ما آرامش و آسایش بخشد- آیا جز راستی و پاک منشی. که پرتوی از هستی توست. چه چیز دیگری به یاری و کمک من و پیروانم خواهد شتافت؟

پند دوم

| | | | |
|---------------|----------------|-----------------|----------|
| وسولس. | سوسوس. | اسدردج-دو(سوس). | سوس. |
| gām | rānyō-skərətīm | mazdā | kaṭā |
| دسوسد. | سوس-سوس. | سوسد. | |
| ahmāi | yē-hīm | išasōi | |
| سوسد(سوسدوس). | سوس. | دسوس. | |
| usyāt | stōi | wāstrawaitīm | |
| سوسوس. | سوس. | سوسوس. | |
| pouruṣū | aṣā | ərəžəjīš | |
| سوسوس. | سوسوس. | | |
| piśyasū | hwarē | | |
| سوسوسوس. | سوس. | سوسوسوس. | سوسوس. |
| dāhwā | dāṭēm | niṣasyā | mā |
| | | | ākāstēng |

کسانی که در این جهان بخواهند زندگانی را با خوشی و آرامش به سر برند، چگونه باید رفتار کنند! بی گمان چنین کسانی باید در پرتو درخشان خورشید راستی و برابر آیین پاکت زندگی کنند. چنین کسانی چه در این جهان و چه پس از آن نیز به خوشی و جاودانی خواهند رسید.

پند سوم

مذاهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

anhaitī aṣā mazdā ahmāi aṭcī

مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

wohucā xšaṭrā hōi yaṃ

مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

yē-nā mananḥā cōiš

مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

warədayaētā aojanḥā aṣōiš

مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

gaēṭam nazdištā yaṃ

مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم . مذهبم

baxšaitī drəgwā

وظیفه ماست که دیگران را به راه راست رهبری کنیم

ای مزدا می دانم که تو نیک منشی و از خود گذشتگی و
راستی را بهره کسانی می کنی که با کوشش تمام مردمان
پیرامون خود را که هنوز پیرو دروغ اند به دین راستی
در آورند.

بند چهارم

مذ. واسم. یسریس. دمدمد. یدیس.

mazdā stawas yazāi wā aṭ

مسناس. یسوس. یس. وایسدمس.

wahištācā aṣā hadā ahurā

یس. یس. یس. یس.

yā xšaθrācā manahā

یس. دمسمس. س-س. یس.

ā-paiθī stānhaṭ iṣō

سوس. ساس. ساس.

dəmānē arədrōng ākā

س. ساس. ساس.

səraoṣānē garō

رسیدن به بهشت تنها با پیروی از راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی خراهم می شود

**ای مزدا اهورا- تو را می ستایم و آرزو مندیم به یاری
بهترین راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی همه ما
پویندگان راهت بتوانیم پیوسته گوش به فرمان تو داشته
باشیم و با استواری تمام پایداری کنیم و به آن چه تو در
بهشت گروثمان به ما نوید داده ای برسیم.**

بنت پنجم

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

ahurā

aṣā

mazdā

xšmā

ārōi-zī

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

maṣrānē

yūšmākāi

hyaṭ

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

aibī-dərəštā

waorāzaṭā

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

awaṇhā

āwīšyā

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

xʷaṭrē

yā-nā

zastāišṭā

سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی. سداژد-زی.

dāyāt

به یاری پروردگار می توان در هر کار نیکی کامیاب شد

از آن فرازین گاه ای مزداهورا یاری و پشتیبانیت را برابر
قانون اشا به کسانی بخش که پیوسته گوش به فرمان تو دارند و
پیام مقدست را به جهانیان می رسانند. چه تنها کمک و یاری
توست که می تواند ما را کامیاب گرداند.

س ب

۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

baraitī mazdā wācəm maḡḡrā yē

١) ٢) ٣) ٤) ٥) ٦) ٧) ٨) ٩) ١٠) ١١) ١٢) ١٣) ١٤) ١٥) ١٦) ١٧) ١٨) ١٩) ٢٠)

zaraṭuśtrō nəmaṇhā aśā urwaṭō

وسم سم . مل ادم غا د . س دی و د ل .

hizwō xratēuš dātā

(۱) درجہ اولیٰ .

(۲) درجہ دوم .

stōi raiṽīm

[illegible]

wohū rāzēṅg mahyā

ဝိ.သုပ္ပဒါယက .ဗုဒ္ဓဗုဒ္ဓ

manañhā sāhīt

ضرمان های دین را باید با فردمندی و بدون تظاهر انجام داد

**ای مزدا- من که زرتشت و دوستدار تو هستم آواز خود را با
گفتار مقدس مانتره بلند می کنم. آرزومندم. پیوسته زبانم را
با گفتار راستین بیارایی و با خرد پاکت مرا از نکته های
باریک وظیفه های دینی ام آگاه سازی.**

بنام

[illegible]

پاکى و نيك انديشى پاسدار آزادى است

از شما ای فروزگان مزدای توانا و ای پاسداران آزادی- ای اش
و ای وهومن که سزاوار بهترین نیایشید. با سرودهای خود
خواهانم که به سوی من بشتابید و مرا در انجام رسالت خود به
درستی یاری فرمایید.

پند هشتم

مذاهب و اسب و دوسدیدی و سراس و ایدد ادمسد.

frasrūtā yā padāiš wā mat

به دلد ددسم و دد ایدد ددسد و ددی و سد.

mazdā pairijasāi īžayā

ددمسد ددی ددمدی و ددی و اسب و ددی و سد.

aṣā wā at ustānazastō

د ایدد ددی و سد و ددی و سد و سد.

nəmaṇhā arədrahyācā

د دی و اسب و ددی و سد و ددی و سد و سد.

manahō waṇhəuš wā at

ن د ایدد ایدد ایدد و سد.

hunarətātā

پرو دگار را تنها با نیروی ایمان و فرد می توان شناخت

ای مزدا با دستهای برافراشته و سرودهای ستایش خود که پر
از راز و نیاز به درگاه توست خواستارم. مرا چون دوستی با
وفا و فروتن پذیری. تا بتوانم در پرتو اش(ایمان) و وهومن
(خرد پاک) به تو نزدیک شوم.

پند نهم

مهمم سدی. واسم. هرمدن سدی. رومم. دمدمدم.

stawas paitī yasnāiš wā tāiš

مدمم. مدمم. مدمم. مدمم.

warhēuš aṣā mazdā ayenī

مدمم. مدمم. مدمم.

manarhō śyaoθanāiš

مدمم. مدمم. مدمم. مدمم.

wasō mahyā aṣōiš yadā

مدمم. مدمم. مدمم. مدمم.

iṣayas hudānāuš aṭ xṣayā

مدمم. مدمم.

hyēm gərəzdā

همم باید به سوی فداوند خود بازگردیم

اینک با سرودهای ستایش خود که از روی راستی و پاک منشی
و نیروی روانی ام برخاسته آرزومندم پس از انجام رسالت
خود و آشنا کردن مردمان از بهره و سودهای آیین مقدست با
سرافرازی تمام به سویت بازگردم.

پند دهم

مخ. ورسد. وادایخسد. ورسد. وادای.

pairī yācā warəṣā yā aṭ

سد. ووددایسد. ورسد. وادای.

wohū yācā šyaoṭanā āiš

مخ. ورسد. وادای.

manarhā arəjaṭ caṣmaṃ

ادای. سر. وادای. ورسد. وادای.

aēuruš uxšā asnaṃ x^wəng raocā

مخ. ورسد. وادای.

wahmāi aṣā xšmākāi

مخ. ورسد. وادای.

ahurā mazdā

همه آفرینش های زیبا و نهرانی نمایانگر بزرگی پروردگارانند

پروردگارا همه کارهایی که در گذشته و حال انجام داده و
می دهم از روی پاک منشی و راستی است و سرودهای
ستایشم از دیدن آفرینش های نفز و زیبای تو چون خورشید
تابان و سپیده دم روشن الهام می گیرد و می دانم که همه
آفرینش ها ستایشگر تو اند ای مزدا.

پښت يازدښتم

مځ. وا. دمدمدمدم. مدلمدم. مدلمدم.

mazdā aojāi staotā wē at

مدمدمدمدم. مدمدمدم. مدمدمدم.

tawācā ašā yawaṭ aṇhācā

مدمدمدمدم. مدمدمدم. مدمدمدم.

arədaṭ aṇhəuṣ dātā isāicā

مدمدمدم. مدمدمدم.

manaṇhā wohū

مدمدمدمدمدمدمدمدمدم. مدمدمدم. مدمدمدم.

wasnā hyaṭ haiṭyāwarəštām

مدمدمدمدمدمدمدمدمدم.

fəraṣṭəməmə

څرمان فدا را بايد از روى راستى و پاى منشى انجام داد

ای مزدا تا مرا تاب و توانست می خواهم ستایشگر تو باشم-
ای فزاینده هستی. آری آدمی تنها از روى راستى(اشا) و پاى
منشى(وهومن) می تواند کارهایی را که مورد پسند توست
انجام دهد.

پسنا-هات ۵۱

پنت یکم

| | | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|
| وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. |
| bāgəm | wairīm | xšaθrəm | wohū |
| مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. |
| ašā | īžācīt | wīdīšəmnāiš | aibī-bairištəm |
| مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. | مدری-رمدادیسده. رسیده. رسیده. رسیده. |
| mazdā | šyaoθanāiš | aṇtarə-caraitī | |
| وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. |
| taṭ | wahištəm | | |
| وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. |
| nūcīt | nō | | |
| وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. | وادیسده. رسیده. رسیده. |
| warešānē | | | |

فشترا. نیروی خویشتن داری یا تسلط بر نفس است

نیروی نیک خویشتن داری نعمت بزرگی است که مزدا به
کسی بخشد تا از روی خرد و راستی وظایف خود را به جای
آورد. ای مزدا از تو خواستارم که آن را بهره ما بگردانی.

پښتو نوم

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

ahurā paourwīm mazdā tā-wō

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

ārmaitē taibyācā yecā ašā

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

xšaθrēm ištōiš dōiṣā-mōi

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

manañhā wohū xšmākəm

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

dāidī wahmāi

مزداهوراهو. مازدا. پاورو. اهورا.

sawanhō

آرمیتي (خړوتلی) فشترا (شجاعت معنوی) و وهومن (پاک منشی) وسیله رستگاری است

ای مزدا اهورا- پیش از همه آفرینش های نیک تو را می ستایم
و از روی راستی خواستارم که فروتنی و شجاعت معنوی و
پاک منشی را که موجب رستگاری است. به کسانی ارزانی
داری که تو را به درستی و بدون روی و ریا ستایش می کنند.

پند سوم

س-خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

yōi hēmyantū gēuša ā-wē

خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

sārentē šyaoīanāiš wē

س-خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

uxδaiš aša-hizwā ahurō

خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

managhō wanhēuš

س-خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

pouruyō tū yaēšam

س-خا. ی-خا. ه-خا. ی-خا.

apī fradaxštā mazdā

اهورامزدا ستایش کسانی را می شنود که در کردار و گفتار به
درستی برابر فرمان او رفتار کنند و خود او را در هر کاری
الهام بخش خود بدانند.

بند چهارم

ودو(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

kuṽrā āfsəratuš ārōiš kuṽrā

ا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

axštat mərəždikā

ودو(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

ašəm hyēn yasō kuṽrā

ودو(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

ārmaitiš spəntā kū

ودو(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

kuṽrā wahištəm manō kuṽrā

ودو(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد. سدا(اسد.

mazdā xšaṽrā ṽβā

پرسش های اشو زرتشت از اهورامزدا

پروردگارا (از تو پرستی دارم. چه می خواهم به راستی بدانم)
چگونه مهر سرشار خود را به پیروان باوفایت نشان می دهی؟
از چه راهی به توبه درست یا نادرست گناهکاری پی می
بری؟

راستی و دستی مردمانی را. که خود را پارسا و پرهیزکار می
دانند. از چه راهی در می یابی؟
نیروی سرشار تو را در کار آفرینش و شهریاری جاودانی تو
را در جهان چگونه می توان دریافت؟

بنت پنجم

وای ددول س-م س. ر (ا) دد س. و س د س. د س س.

aṣāt yaṭā pərəsaṣ wīspā-tā

و س د س. و س. وای د س.

wīdaṭ gaṃ hacā

و س د م (ا) د. و س د د س د س د س. ر (ا) د س د.

ərəṣwō šyaoṭanāiš wāstryō

و س د. و س د (ا) د س. و س د س.

nəmaṇhā huxratuṣ haṣ

و س. و س د س د ر د. ر (ا) د- (ا) د س. و س د د س د.

xṣayaṣ ərəṣ-ratūm dāṭaēibyō yē

د س د د س. و س د د س.

cistā aṣiwa

**همه این پریش ها از سوی کسی است که او را به رهبری
مردمان برگزیده ای- کسی که نسبت به تو فروتن و
فرمانبردار است. کسی که می خواهد راستی و درستی را به
مردم بیاموزد و کسی که خواهان است جهانیان را به رازهای
آفرینش و هنجار هستی آگاه سازد.**

پن ششم

| | | | | |
|-------|---------|---------|-------|----|
| yasçā | dazed | waṇhēuš | wahyō | yē |
| اسچا | دازد | وانهوش | واهیو | یه |
| rādaṭ | wārāi | hōi | | |
| رادات | وارای | هوی | | |
| mazdā | xšaθrā | ahurō | | |
| مزد | خشاثر | اهور | | |
| aśyō | akāt | ahmāi | aṭ | |
| اسیو | اکات | اهمای | ات | |
| apēmē | wīdāitī | nōiṭ | hōi | yē |
| اپهمه | ویدایتی | نویت | هوی | یه |
| | urwaēsē | aṇhēuš | | |
| | اورواسه | انهوش | | |

در پایان اهورامزدا- به کسی که راه نیک را پیروی کرده باشد
و زندگانی خود را برای خشنود ساختن او به سر برده باشد
پاداش جاودانی خواهد بخشید؟ همچنین زشت کردارانی که
فرمان او را به جا نیاورند به جزای بد گرفتار خواهد ساخت؟

پنجم

وسدوب-ه-د. س.ف. ٧. م.س.ج.ل.

tašō gam yē dāidī-mōi

مدددرسد. (اورد)سمددرسد.

urwarāscā apascā

مده(مسمسمسد. سمد(ورسسمسد. مدع(رسمدسمسد.

spēništā haurwātā amərətātā

مددرسد. مدسوس.

mazdā mainyū

ممد(رسج. ممددرسد. مدسوس.

mananjhā utayūitī tawīšī

مدسوس. مدسوس.

səṇṇhē wohū

تنها از اهورامزدا باید درفواست برآورده شدن مافات کرد

**ای مزدا- ای کسی که (سپنتا) زمین (و خرداد) آب و (امرداد)
گیاهان را آفریدی. ای کسی که تنها برآورنده نیازهای
بندگان- به من رسایی و نیروی تن و جاودانی روان و خرد
پاک ارزانی دار تا پیوسته آیین تو را با استواری و پایداری به
دیگران بیاموزم.**

پند هشتم

مذد. تپ. مژد. وادسپندس. مدوس.

mazdā waxšyā tōi zī aṭ

وادیویش. پ-س. واورس.

mruyāt zī-nā wīdušē

سندس. مودس. وادسپندس. وادسپندس.

uštā drəgwāitē akōyā hyaṭ

س. مدس. وسوس.

dādrē ašəm yē

سوس. پ. وادس. واورس. س.

yē šyātō maṭrā zī hwō

وادیویش. وادسپندس.

mrawaitī wīdušē

هر دانا و خردمندی باید دیگران را از پیامد کردار نیک و بد
آگاه سازد و بیاموزد که پایان کارهای زشت بدبختی و
سرانجام کارهای نیک خوشبختی است.

پند نهم

سپاس . مصلحت آفرین . اسرار درسد . وسم . وکس .

ūbā dā rānōibyā xšnūtēm yaṃ

سودا . سداس . سداس . سداس .

mazdā suxrā āūrā

مردم و مردم . مصلحت آفرین . مصلحت آفرین .

aibī xšustā ayaṇhā

مصلحت آفرین . مصلحت آفرین . مصلحت آفرین .

dāwōi daxštēm ahwāhū

مصلحت آفرین . مصلحت آفرین . مصلحت آفرین .

sawayō drəgwaṇtēm rāšayeṇhē

مصلحت آفرین .

ašawanəm

پاداش و سزایی که اهورامزدا در روز بازپسین به نیکان و بدان
می دهد. برای همه ما نشانه آن است که سرانجام بدی چیزی
جز بدبختی و پایان راستی چیزی جز خوشبختی نخواهد بود.

پند دهم

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

marəxšaitē mā-nā yē aṭ

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

mazdā ahmāt anyāvā

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

tā hunuš drūjō dāmōiš hwō

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

həntī yōi duždā

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

waṇhuyā ašəm zbayā maibyō

مردی که در راه می‌رفت. و به کسی سلام می‌کرد.

tē gaṭ ašī

کسی که در پی آزار و تباهی دیگران است. دشمن نیکی و
فرزند دروغ و گمراهی به شمار است. چنین کسی دارای
اندیشه ای نارسا و فهمی ناتوان و منشی زشت است. همه باید
بکوشیم تا راستی و درستی را در میان مردم رواج دهیم و
اندیشه و خرد آنان را کامل سازیم.

بُنت یازدهم

و. اورد. مدد. مدد.

spitamāi urwāṭō kē

مدد. مدد. مدد.

mazdā nā zaraṭuštrāi

و. و. مدد. مدد.

āfraštā ašā wā kē

و. مدد. مدد.

ārmaitiš spəntā kā

و. و. و. مدد. مدد.

acistā manañhō wəṇhəuś wā kē

و. مدد.

ərəšwō magāi

دوست اشو زرتشت کسی است که از فرد و راستی پیروی کند

به راستی. دوست زرتشت کسی است که طرفدار راستی و
پیرو خرد خدادادی باشد. کسی که خواهان پارسایی و نیک
اندیشی است. چنین کسی شایسته هموندی انجمن برادری
مغان (موبدان) خواهد بود.

پنت دوازدهم

| | | | |
|-----------|-----------|-------------|------|
| waēpyō | xšnāuš | tā-īm | nōit |
| waēpyō | xšnāuš | tā-īm | nōit |
| zəmō | pəretō | kəwīnō | |
| zəmō | pəretō | kəwīnō | |
| hyaṭ | spitāməm | zaraṭuštrēm | |
| hyaṭ | spitāməm | zaraṭuštrēm | |
| aštō | urūraost | ahmī | |
| aštō | urūraost | ahmī | |
| aodərəščā | caratascā | īm | hōi |
| aodərəščā | caratascā | īm | hōi |
| wāzā | zōišənū | | |
| wāzā | zōišənū | | |

گروهی از دشمنان زرتشت به نام کاوی ها فوآنده می شدند

پیروان کاوی هرگز زرتشت اسپنتمان را خشنود نساخته اند.
گرچه افرادی از این گروه کوشیده اند با اندیشه ای رسا راه
نجات خود را در زندگی دریابند و به رستگاری برسند.

پنت سپړد هلم

م.س. وړایو ودم. ټ. ټ. ټ. ودم. ټ. ټ. ټ.

daēnā marədaītī drəgwatō tā

ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ.

haiṭīm ərəzāuš

ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ.

cinwatō xraodaitī urwā yehyā

ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ.

ākā ahərətā

ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ.

hizwascā šyaoṭanāiš hāiš

ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ. ټ.

paṭō naṣwā aṣahyā

پشیمانی پایان کار بدان است

گمراهان و دروغ پرستان که به فرمان خدا و راه درست
زندگی ارجی نمی نهند و با فریب دیگران آرامش زندگی
مردم را بر هم می زنند. بی گمان روز واپسین روانشان بر سر
پل چینود به بیم و هراس می افتد و از کردار و گفتار بد
خویش پشیمان خواهند شد.

پند چهاردهم

کاراپانوس. داتویباسکا. اورواتا. نویٹ

karapanō

dātōibyasā

urwātā

nōit

آرام. وسترات

arēm

wāstrāt

خویش. آسنده. آرویش. گاووی

x^waiš

āsēndā

ārōiš

gawōi

سنهگایسکا. شیاوانایسکا

sēnghāišcā

šyaoīanāišcā

دریو. آپمهم. سنهگو. یه-یش

drūjō

apēmēm

sēnghō

yē-iš

آدات. دمانه

ādāt

dēmānē

کشاورزی و آبادی زمین و پرورش چارپایان سودمند از آموزش های زرتشت است. کرپان ها این پیشوایان دروغین نمی گذارند مردم به کشاورزی و آبادانی زمین بپردازند و به جای پرورش دام ها قربانی آنان را به مردم می آموزند. بی گمان در پایان نتیجه کردار زشت و بدآموزی های خود را خواهند دید و گرفتار دوزخ خواهند شد.

بند یازدهم

مردم. و به فرستادگان. و به سراسر دنیا.

magawabyō

zaraϑuštrō

mīždēm

hyaṭ

پرستیدم. و به اسد.

parā

cōišṭ

و به اسد. و به اسد. و به اسد.

mazdā

ahurō

dēmānē

garō

پرستیدم. و به اسد.

pouruyō

jasaṭ

مردم. و به اسد. و به اسد.

managhā

wohū

wē

tā

مردم. و به اسد. و به اسد.

ciwīšī

sawāiš

ašāicā

بهشت یا بهترین زندگانی دو جهان بهره پارسایان و نیک منشان است

همان مزد و پاداشی که زرتشت در انجمن برادری مغان از آن سخن رانده است. بهشت گروثمانی است که اهورامزدا از آغاز مقرر داشته و آن پاداش. تنها بهره کسی خواهد بود که پارسا و نیک منش باشد.

بند شانزدهم

ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س.

magahyā

wīštāspō

kawā

taṃ

نویسند.س. نویسند.س.

naṣaṭ

xšaṭrā

ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س.

yam

manaṅhō

padəbiš

waṅhəuš

ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س.

maṇtā

ašā

cistīm

ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س.

aṭā-nē

ahurō

mazdā

spəntō

ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س. ویدو.س.

uštā

sazdyāi

پذیرختن گشتاسب دین زرتشتی را

کی گشتاسب به یاری انجمن برادری آیین بهی را با پاک منشی
برگزید و به راه پارسایی با اندیشه و خرد نیک گام نهاد. باشد
که مزدا اهورای پاک برابر قانون ابدی خود همه را به سوی
راستی رهنمایی فرماید.

پند هفتم

هاء اهلایه . هاء . هاء اهلایه ساهم اهلایه . هاء اهلایه - هاء اهلایه .
 hwō-gwō fəraṣaoštrō mōi bərexδam
 هاء اهلایه . هاء اهلایه . هاء اهلایه .
 kəhrpēm daēdōišť
 هاء اهلایه . هاء اهلایه . هاء اهلایه .
 yam waghuyāi daēnayāi
 هاء اهلایه . هاء اهلایه . هاء اهلایه .
 dātū išyam hōi
 هاء اهلایه . هاء اهلایه . هاء اهلایه .
 aṣahyā ahurō mazdā xṣayaṣ
 هاء اهلایه . هاء اهلایه .
 gərəzdīm āždyāi

خروشتر نیز زندگی خود را وقف خدمت به دین بهی می کند

فروشتر هوگوه با خشنودی. زندگی خود را در راه خدمت
 به آیین مقدس پیشکش نمود. بشود که مزدا اهورا او را برای
 ایمان پاکش. بهره راستی و رستگاری ارزانی دارد.

بسم

နိဗ္ဗာန် **မေတ္တာသမုဒ္ဓါ** **ပညာသမုဒ္ဓါ** **အရဟံ**

hwō-gwō

dējāmāspō

cistīm

tam

دود مہر دود. سرمد (ع) سم.

x^warənå

ištōiš

•မဟာဗျူဟ •ဗျူဟ •ဗျူဟာ •ဗျူဟာ

xšaϑrəm

tat

wərəntē

$$a\check{s}\bar{a}$$

• နှိပ်စက်မှု • နှိပ်စက်မှု • နှိပ်စက်မှု

wīdō

waṇuhīš

mananhō

မုန့်၊ ချောင့်၊ ပေါင်၊ မြေခွက်၊ ကောက်၊

mazdā

hyat

ahurā

dāidī

mōi

tat

၂၀၁၁ ခုနှစ် ဇူလိုင်လ ၁ ရက်နေ့

tawā

rapēn

ایمان آوردن باماسب وزیر گشتاسب شاه

جاماسب هوگوه آن دانای خردمند نیز به آیین راستی درآمد. بشود که اهورامزدا از برای ایمان پاکش او را از دانش رسا و منش پاک برخوردار سازد و هم چنین به همه کسانی که به دین بهی ایمان می آورند. بهره نیک منشی و دانایی ارزانی دارد.

پنت نوردهم

هروځي. مېچ. ېس. همدورځي-د-سمېسېس. دېدمېس.

spitamā maidyōi-maṅhā nā taṭ hwō

دسېس. وديوي.

dazdē ahmāi

وديويېس. واسېوېځي. ېس.

yē waēdəmnō daēnayā

دسېس. دېسېسېس. دېس.

aibī išasas ahūm

هديوسېس. وسمېس. هېسېس. دېسېسېس.

gayehyā mraot dātā ṅazdā

هېسېسېسېسېس. واسېوېځي.

wahyō šyaoθanāiš

ایمان آوردن میدیوماه پسر عموی زرتشت

میدیوماه اسپنتمان نیز پس از آن که از روی نیک منشی و دانش راستین، این دین را پذیرفت، دریافت که برای خوشبختی دیگران باید در راه آموزش دین بهی کوشا باشد. چه پیروی از آیین مزدا برای مردم جهان بهترین چیز است.

پند پیستم

مهم. کار-ای. هر مدی که میسر شود. کار مدی که میسر شود.

wīspāñhō

hazaošāñhō

wē-nē

taṭ

و درود دارد. درود دارد.

sawō

daidyāi

مهر. کار. مهر. مهر. مهر. مهر.

uxδā

manañhā

wohū

aṣəm

هر مدی که میسر شود. هر مدی که میسر شود.

ārmaitiš

yāiš

هر مدی که میسر شود. هر مدی که میسر شود. هر مدی که میسر شود.

mazdā

nəmanñhā

yazəmnāñhō

هر مدی که میسر شود. هر مدی که میسر شود.

cagədō

rafəðrəm

اهورامزدا پناه و پشتیبان پیروان راستی است

ای کسانی که با اندیشه پاک به ما پیوسته اید و با منش پاک و راستی و فروتنی در پیشبرد آیین راست و درست کوشا هستید. بشود که مزدا بنا به وعده خود پناه و پشتیبان همه شما باشد و به خوشی جاودانی برسید.

بند بیست و یکم

سایه‌م‌گ‌د‌س‌. اس‌. د‌ل‌س‌س‌م‌گ‌. س‌و‌و‌گ‌. م‌ر‌د‌م‌س‌.

cistī hwō spəntō nā ārmatōiš

د‌ل‌س‌س‌م‌گ‌. س‌و‌ر‌د‌د‌گ‌د‌س‌.

šyaoīanā uxδāiš

و‌س‌س‌س‌. س‌س‌س‌. د‌ل‌س‌و‌و‌س‌. و‌ا‌س‌ج‌.

wohū spēnwaṭ aṣəm daēnā

س‌س‌س‌س‌. س‌س‌س‌س‌.

manajhā xšaīrəm

س‌س‌س‌س‌. و‌س‌س‌س‌. س‌و‌و‌گ‌. س‌س‌. و‌ا‌س‌و‌س‌.

waṇuhīm tēm ahurō dadāt nazdā

س‌س‌س‌س‌. س‌س‌س‌س‌.

ašīm yāsā

به یاری فرد پاک و ایمان درست می توان به حقیقت دست یافت

در پرتو خرد پاک و ایمان درست می توان به حقیقت رسید.
چنین کسی راه راست را در می یابد و با اندیشه و گفتار و
کردار نیک خود همه را به راه راست رهبری می کند. ای
اهورامزدا از تو درخواست می کنم. بخشش و خرد پاک را به
همه ارزانی داری.

بند بیست و دوم

و سرتس دداسد. ع لاد. مدی سجد. س دسرسد. وادس دس دس دس.

wahištəm

hacā

ašāt

mōi

yehyā

و سرتس دس دس دس. وادس دس دس دس.

paitī

yesnē

وادس دس دس. ع دس دس. دس دس دس. و سرتس دس.

yōi

ahurō

mazdā

waēdā

س دس دس دس دس. وادس دس دس دس.

hənticā

ānharəcā

و سرتس دس دس. وادس دس دس. وادس دس دس.

nāmənīš

x^waiš

yazāi

tā

و سرتس دس دس. وادس دس دس. وادس دس دس.

waṇtā

jasāi

pairicā

ستایش ها باید از روی فرد و ایمان و دور از ریا باشد

از میان مردمان. کسی که به درستی و راستی و بدون تظاهر و ریا ستایش خود را به اهورامزدا پیشکش کند. پروردگار دانا آن را به خوبی در می یابد- خواه آن ستایش در گذشته یا حال باشد. من چنین کسانی را گرامی می دارم و با ذکر نام از آنان سپاس گذاری می کنم.

پسنا-ہات ۵۶

بے

فَالْمَسْكُونَةُ فِي مَدَنٍ. فِي مَدَنٍ مَدَنٍ. فِي مَدَنٍ مَدَنٍ. فِي مَدَنٍ مَدَنٍ.

wahiṣṭā

သမ္ဗုဒ္ဓကောလိယနာမဂါထာ

spitāmahyā

[illegible]

aṣāṭ

کالہ ندیم مدد . مدد . سوسائڈ سوسائڈ سوسائڈ .

wīspāi

۱. داسو ۲. داسو ۳. داسو ۴. داسو ۵. داسو ۶. داسو ۷. داسو ۸. داسو ۹. داسو ۱۰. داسو

yaēcā

နာမဝိသေသန. အရပ်. အနာမဝိသေသန. အနာမဝိသေသန.

wanhuyå

برآورده شدن آرزوی اشو زرتشت در گسترش یکتاپرستی

**برترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد. چه اهورامزدا
از راه آشا به آیین او زندگانی جاوید بخشید و حتی آنان که
دشمن دینش بودند آن را پذیرفتند و پیروی می کنند.**

پنٔ دڤم

| | | | | |
|----------------|-----------|-------------|---------|--------------|
| مڤس. | س.ڤ. | دڤم ڤمڤم. | مڤس. س. | دڤم ڤمڤم. |
| uxδāiš | manaḥā | scaṇtū | hōi | aṭcā |
| س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. |
| ā | wahmāi | mazdā | xšnūm | šyaoθanāišcā |
| مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. |
| wīštāspō | kawacā | yasnaścā | fraorēt | |
| مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. |
| fərašaoštrascā | spitāmō | zaraθuštriš | | |
| مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. |
| daēnaṃ | yam | paθō | ərazūš | dāṇhō |
| مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. | مڤس. س. |
| dadāt | saošyāntō | ahurō | | |

بهترین راه آموزش دین به مردم

برای خشنودی مزدا باید همه از روی میل با اندیشه و گفتار و کردار نیک برای گسترش بهترین دین و انجام کارهای نیک به آموزش مردم بپردازند. پیامد این کوشش هاست که کی گشتاسب و فرشوشتر هواخواه زرتشت شدند و از سوی اهورامزدا چون سنوشیانت ها در آموزش راه درست دین به مردم کامیاب گردیدند.

پنټ سونم

| | | | |
|---------------|-------------------|-----------------|--------------|
| مټه پرېم-مټه | په ټولې اوږدې مټه | په مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| haēcaṭ-aspānā | pourucistā | tēmca-tū | |
| مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| zaraṭuštrahē | dugədrəm | yeziwī | spitāmī |
| مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| ašahyā | manarhō | paityāstēm | warhēuš |
| مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| sarəm | dāt | taibyō | mazdāscā |
| مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| xraṭbā | ṭbā | fəraṣwā | hēm aṭā |
| مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه | مټه پرېم-مټه |
| hudānwarəṣwā | ārmatoiš | spēništā | |

آزادی رای بهانان در برگزیدن همسر

و تو ای پورو چیست. ای جوان ترین دختر زرتشت از خاندان
هچت اسپ. من که پدر تو هستم. (جاماسب) را که یاور دین
مزداست از روی راستی و منش پاک به همسری تو برگزیده
ام. اینک برو با خردت مشورت کن و در صورت پسندیدن او. با
عشق پاک در انجام وظیفه مقدس زناشویی بکوش.

پند چارم

| | | | | | |
|--------------|-----------|-----------|-----------|---------|---------|
| مەن | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| yā | warānī | spərədānī | wē | zī | tēm |
| ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| wāstryaēibyō | paīḏyaēcā | wīdāt | fəḏrōi | | |
| ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| manāḥō | aṣawabyō | aṣāunī | xʷaētaowē | aṭcā | |
| ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| bəəduš | mēm | haṇhuš | xʷənwaṭ | waṇhəuš | |
| ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| daēnayāi | ahurō | dadāt | mazdā | | |
| ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە | ئەفەندە |
| ā | wīspāi | yawōi | waṇhuyāi | | |

پاسخ پوره پيست به پدر پس از اندیشه ژرفا

ای پدر. پس از ژرف اندیشی. من (جاماسب) را پسندیدم و دوست دارم و با ته دل به او مهر خواهم ورزید و او را به عنوان شوهر آینده خود مانند پدر و بزرگ تر و راهنمای خود خواهم پذیرفت. بشود که مزدا اهورا بخشش نیک اندیشی را همیشه بهره ما سازد.

پښتې پښم

| | | | | |
|---------------------|---------------|-------------|----------------------|-----|
| د سسرې په | کاسی د سسرې د | وسو د ددې | عالمه په | |
| mraomī | kainibyō | wazyamnābyō | sāx ^w ēnī | |
| د سسرې د ددې د سسرې | کاسی د سسرې | وسو د سسرې | عالمه د سسرې | |
| māzdazdūm | mēñcā-ī | wadəmnō | xšmaibyācā | |
| د سسرې د ددې د سسرې | کاسی د سسرې | وسو د سسرې | عالمه د سسرې | |
| abyascā | daēnābīš | waēdōdūm | | |
| د سسرې د ددې د سسرې | کاسی د سسرې | وسو د سسرې | عالمه د سسرې | |
| mananjhō | warjhōuš | yē | ahūm | |
| د سسرې د ددې د سسرې | کاسی د سسرې | وسو د سسرې | عالمه د سسرې | |
| wīwēñghatū | ainīm | anyō | wē | ašā |
| د سسرې د ددې د سسرې | کاسی د سسرې | وسو د سسرې | عالمه د سسرې | |
| anjhat | hušēnəm | hōi | zī | taṭ |

اندرز اشو زرتشت در مجلس عروسی پوره پیست به نو همسران

ای نوعروسان و دامادان. روی سخنم با شماست. به اندرزم
گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی
زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک
و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا این زندگانی
مقدس زناشویی را با شادی و خرمی به پایان رسانید.

پنټ ششم

| | | | | | |
|-------------|----------------------|---------------------------|----------------|-----------|-----------|
| دولس-په. | سومدول داس. | دایځی. | مولس. | لځم ددځی. | |
| jānayō | aṭā | narō | haiṭyā | iṭā-ī | |
| ولځم دځی. | سومسول دځی. | اسول دځی. | سومسول دځی. | ولاس دځی. | |
| frāidīm | spaṣuṭā | yēmō | rāṭēmō | hacā | drūjō |
| ولځم دځی. | سول دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. |
| parā | tanwō | piṭā | hōiṣ | āyesē | drūjō |
| ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. |
| nāsaṭ | x ^w āṭrēm | duṣ-x ^w arəṭīm | wayū-bərədubyō | | |
| ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. |
| anāiṣ | dējīṭ-arətaēibyō | drəgwōdəbyō | | | |
| ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. | ولاس دځی. |
| mərəṅgəduyē | ahūm | manahīm | ā | | |

دنبال اندرز اشو زرتشت به مردان و زنان

ای مردان و زنان. راه راست را دریابید و با منش پاک آن را پیروی کنید و هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زود گذر زندگی که تباه کننده خوشبختی شما در آینده است نگردید. زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد چون زهر کشنده ای است که به شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است. با این جور کارها زندگانی گیتی و مینوی خود را تباه مسازید.

پنجم

مژدس. ه. عیسی. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 magahyā ahyā aṇhaṭ mīždəm wē aṭcā
 مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 haxtayaḥ būnōi zarazdištō āžuš yawat
 مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 yaḍrā aorācā mraocās paracā
 مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 parā anāsat drəgwatō mainyuš
 مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 wē aṭ tēm magēm iwīzayaḍā
 مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس. مژدس.
 wacō apēməm aṇhaitī wayōi

دنبال اندرز اشو زرتشت

ای جوانان و همسران. پاداش پیروی از راه درست و راست
 زندگی را پروردگار به کسی بخشد که هوا و هوس و
 خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور سازد و بر نفس
 خویش چیره شود. زیرا کوتاهی و غفلت در این راه پایانش
 جز ناله و افسوس نخواهد بود.

بند هشتم

مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 hōntū dafṣnyā dužwarəṣnaḡhō ā anāiš
 مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 upā xraosəntam wīspāḡhō zahyācā
 مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 rāmaṃcā xrūnəraṃcā jēnəraṃ huxšaṭrāiš
 مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 wīžibyō šyeitibyō dadātū āiš
 مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 dərəzā hwō dwafšō īš īratū
 مردی است. و در او آتش است. و در او آتش است. و در او آتش است.
 astū mošucā mazištō mərəṭyāuš

فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند گرفتار
 بدبختی و نیستی خواهند شد که سرانجامش خروش و فریاد و
 ناله است. ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من
 گوش دهند آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و
 سختی و رنج از آنان دور می شود و به نیکنامی جاودانی می
 رسند.

پښتښم

وړېدو د (د) دى. دى دى دى. دى دى دى. دى دى دى. دى دى دى.

narəpīš tōi rāstī waēšō dužwarənāiš

د (د) دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى.

pešō-tanwō dējīt-arētā aēšasā rajas

و. دى دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى.

īš yē ahurō ašawā kū

د (د) دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى.

wasō-itōišcā hēmiṭyāt jyātōuš

د (د) دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى.

ərəžəjyōi yā xšaṭrəm tawā mazdā taṭ

و. دى دى دى دى. دى دى دى دى. دى دى دى دى.

wahyō drigaowē dāhī

اهورامزدا ياور نيکو کاران و درست اندیشان است

پيروان راه بد مردم نیک را خوار شمارند و دیگران را بر ضد آنان وای دارند. اینان چون فرمانبر نفس خویش اند، دین داران را پست شمارند و می کوشند تا آنان را آلوده سازند. کیست آن سرور دادگری که با تمام وجود بر ضد آنان برخیزد. ای مزدا تنها تو می توانی با نیروی خود دین داران درست کردار و نیک اندیش را یار و یاور باشی و آنان را نیکوترین پاداش و مزد بخشی.

.....

به روز زامیاد ایزد و آذرماه ۳۷۴۲ دینی
۱۳۸۳/۹/۲۲
آرمین کسروی